

# ون

شنبه ۵ میزان ۱۳۵۹  
۲۷ سپتامبر ۱۹۸۰

A-P

77-938031

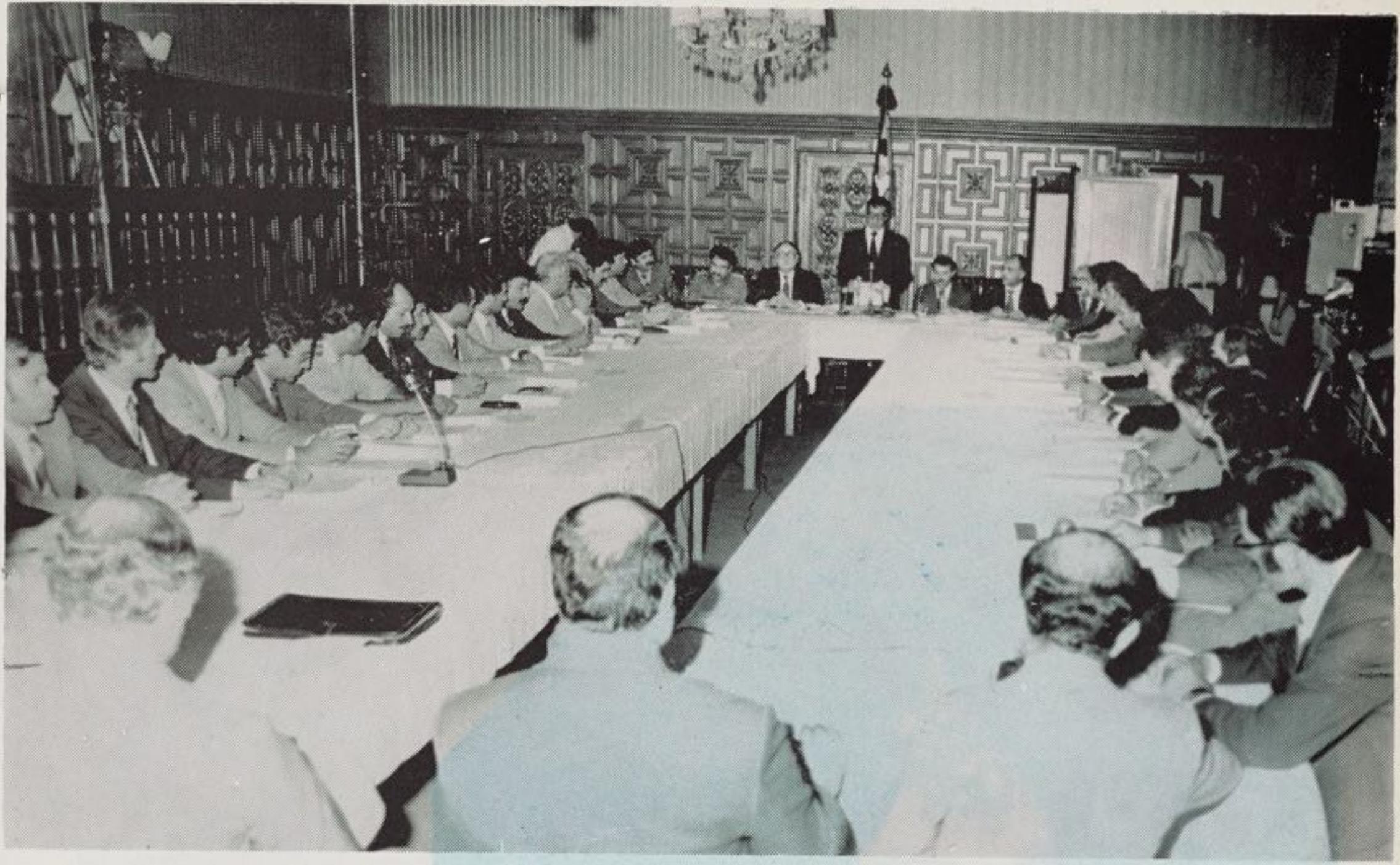


۱۵۵۲۱/۰۲۰۴۷۶

عمل بروز  
خشوها...

# Ketabton.com





ببرک کارهل هنری عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دیویشورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعيکه سومین جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان را فتح می نمایند.

ترجمه دفترهای او علمی همکاری نس کلن  
موافقه لیک اودجه راز ۱۹۸۰-۱۹۸۱ تلفونو  
لپاره ددواپو ۴۵۰ادو بر منج دفرهندي او خدمه  
همگردي جلاپروگرام دستبلی ۲۵ آينه دبسوسي او  
روزنی په وزارت کي لاس لیک سو .

\* \* \*

شاه محمد دوست وزیر امور خارجه  
جمهوري دموکراتیک افغانستان و دیس هیئت  
افغاني درسی وینچمین اجدس عمومي سازمان  
ملل معلم فیل از ظهر ۲۵ ستمبر پاهاي شندکان  
یکصد و دشاد کشور عای دوست هنرات چهه بعده  
آورد .

چوايز آثار آنده ازدوا و هنرمندان کشور  
که در سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ برآنده گردیده  
است بعد از ظهر ۲۶ سپتامبر توسط دستگیر  
ینچشیری عضو بوروی سیاسی کمیته هر کمزی  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان و عضو  
شورای انقلابی فهمن هراسمن در تالار محمود  
طرزی کلوب وزارت اطلاعات و کلتور توزیع  
گردید.

شہادت نامہ های ضابطان مستعجل حر بی  
پوختگی ۲۶ سنبه توسط برید چنرال  
محمد رفیع وزیر دفاع ملی جمهوری دموکراتیک  
افغانستان فسمن محفلی در صحن حر بی  
پوختگی توزیع گردید.

استقلال افغانستان تیلکر ام امتنانیه عنوانی  
ایشان به صوفیه مخابره گردیده است .

\* \* \*

از طرف ببرک کارهل هنشی عمومی کهیمه  
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،  
رئيس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری  
دموکراتیک افغانستان تیلکرام تبریکیه به  
مناسبت روز ملی همکیو عنوانی جلالتماب  
حوزه لویزیر تیلو رئیس چه بور آن کشور  
به شهر همکیو مخابره گردیده است .

\* \* \*

د افغانستان د دلکت ددهو ګرامایاں گوند د  
مرکزی کمیته عومي منشی د افغانستان  
ددهو ګراتیک چمپوریت دانقلابی شورا رئیس  
اوصدرا غنډم بردا کارهله دستبلې ۲۲ تیټه دشوروی  
سوسياليسټي چمپوریتونو د اتحاد د ګډونست  
گوند د مرکزی کمیته غری، دعالی شورا د  
بین المللی او یکودخانګي هرستیال دزور نالستانو  
د اتحادي هرستیال او دایزو یستیا ورڅا ټی

مسوول مدیر الکسیف پیرو فیدرو و یج  
دانقلابی شورایه هفر کی دکتشنی لپاره و مانه  
اوله هفه سره و غرید .  
\* \* \*

روزنامه جمهوری سوسیالستی رومانی تلکرام  
امتنانیه از طرف نیکولای چایسکو منشی  
عمومی حزب کمونست و دنیس چمپوردانکشور  
عنوانی بیرون کارعل مواصلت گرده است .

\* \* \*

تحت ریاست بیرون کارعل منشی عمو دی  
کمیته هرگزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،  
دنیس سورای انقلابی و صدراعظم جمهوری  
دموکراتیک افغانستان سورای وزیران روز  
۲۵ سپتمبر در ارگ هقر سورای انقلابی چلسه  
نمود .

از طرف بیرون کارهای هنری عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان .

دموکراتیک افغانستان به چوab تیلکراههای  
تبریکیه تدو رویکوف هنshi اوی کمیته  
هر کزی حزب کمونست بلغاریا دئس سورای  
جمهوری هر د م بلغاریا وستا نکو تودوروف  
دئس سورای وزیران جمهوری مردم بلغاریا  
پهنانیت شهست و یکمین سالگرد استرداد

دیوان خلیل

سومین جلسه شورای انقلابی جمهوری  
دموکراتیک افغانستان مطابق ماده سی و هشت  
اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان  
ساعت چارویم عصر سی و یکم سپتامبر ۱۳۵۵  
در هر شورای انقلابی تحت ریاست بیرونی  
کارهای منشی عمومی کمیته مرکزی حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان ، دیس شورای  
انقلابی و صدراختم جمهوری دموکراتیک  
افغانستان دایر گردید .

دنهن دخیلواکی دورخی له امله دا فغانستان  
دخللک دموکراتیک گونند دمر کتری کمیته دعمومی  
منسی دا فغانستان ددموکراتیک چمپوریست  
دانقلابی سورادریس او صدراعظم ببرک کارهل  
دبارکی دلکرام په خواب کې دعفه هیواد  
دجمبورو دئیس نیلام سنجیواریدی له خوا  
دمنشی پیغام کابل ته رارسیدلی دی .

بعواپ تلگرام تبریکیه ببرک کارهمل منسی  
عومونی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق  
افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم  
جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت

درست هشتما ره

درستگر قلم و تبلیغ هم باید خود انقلاب راشکست قطعی داد

سلسله مکت وشنود های اختصاصی ...

زدن در درازنای تاریخ

ویتنام دبولیزی اقتصادی و دی یه در شل کی

مشي مستقل سياسى ح ١٠٥٠ ذرعه ص  
بين الملل

نقش رقص بالت در تعکیم صلح و همزیستی  
میان کشورها.

Journal of Nonlinear Science 20: 561–583, 2010.

درستنست برمودا چه اتفاقی رخ میدهد حقیقین  
حکماً گفته کردندانه ؟!

یک هتر اصلی کہن

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

لیک داستان کوه تاه (دستگشته)

نکاتی چند پیراهون سیستم فیودا لیزم  
دوزینه‌گی های آن .

روی چله :  
نهايش لباس ملي در گشور ها ، عکاسي  
وسط مسعود شهبز .

تصحیح ضروری ۶  
در شماره (۲۵) مجله زوندون، صفحه (۴۷)،  
ستون چهارم، سطر (۱۹)، سال وفات این -  
سینا از (۳۷) به (۵۷) تصحیح گردید.

.... بايد تاييد شى چى داڭرادو يە تشڪل او پوھە كى دىگوند دوقادارە مەستىيال او كومەك كۈونتكى غۇرە رول او ھەدارنگە دەعەمەن مبلغ او متشڪل كولۇ رول دەجمىي ارتىاط ، دوسىلىو يە خاپە او دەلى اومتىرقى زۇرنالسانوپرا بۇراچول كېرى.

د ۱.خ.د.گ د هر کزی کمیته او د ۱.د.ج دانقلابی شورا له بیسام خخه .

شنبه ۵ میزان ۱۳۰۹، ۲۷ سیتمبر ۱۹۸۰

د افغانی ژورنالستانو د اتحادي موسسه کندګو ۵

ایستونکو بیزگرانو او کارگرانو له غوښتوخه دادازادو او خپلواکو عقابانو په خپلواک یا یوبی کي د توردملى او د موکرانيك انتلاپ د برياليستوب سترى او تاریخ جو د ورنکي پېښش چې د افغانستان دخلک د موکرانيك گوند) د هیواد د کارکری طبقې او ټولو زیار ایستونکو مخکنې، په خلاته او مخکنې لارښوونه هنځ ته راغۍ زهونږ دوستان او د بشمنان سره پيل ګړل.

نهونه ددوستانو به ډله کې عفه خواک  
و دريدل چې دانقلاب دوستان او یېلويان وو  
اوله ګلوتو ګلونو خڅه رایه دیغوا دليچهالي  
رژيمونو دزېو مناسباتو د طبقاتي خوروونکو  
پېړزوښوله لاسه یې پېړ بدهالت د زوند  
شېي سبا ګږي او د لاس دنباکو او د نندۍ  
دخولو یه مخصوصوں یې خو تو هفت خورو او  
د طفیلی زوندانه خاوندانو دعیش او نوس  
محفلونه چوريول او ددربارو یه خاصو ټولنو  
نهونه ددوستانو به ډله کې عفه خواک  
کاندي .

کی به بی یه بردو جیاکانو او نوامیسو  
راز راز معاملی او سوداگانی کیدلی .  
دانقلاب ددبمنانو یه جیت ضد انقلابونو  
یه چله کی هقه خوک و دریدل چا چی یه  
افغانستان کی دکارگری نظام یه یستکدلو سره  
ناروا او غیر هجاز کنه له لاسه و رکبری دی .  
دانقلاب ضدغناصر زیاتره فیوچران ، فاچاقبران  
لوپورتیه رسوتخواره هامورین ، سود خواره او  
نور یه خپلو شخصی گتومین اشخاص دی  
جی دخلبو ذاتی گتوبه مقابل کی نه ددین  
بروا ساتی اونه دغوبی ایمانوته ایمان او  
عقیده کوم ارزیست لری :

دندنه اصل کەمکه بى ھىوادىيە داسى حالت  
كى پېرىشىد چى زىيات كار او فعالىت تە بىن  
زىانە او محسوسە اپتىادر لودله . دوى لە  
افغانستان نە وتبىتىدل او دەقە چا غىرۇنەيى  
خاتونە ورسول، خوڭ چى دافغانستان دەپرو  
زىو او يغوانىي دېبىتىنوبە حيث زەمونىن دخللىك  
دېدىيغىن. اوپىرنە ياتى كىدلۇ سبب شوي او  
دەرى خلى بىن وربانىي جىنكۈنە پە زۇد تىلى  
خللىك بىن وزلى او زەمونىن دخللىك مىدادى او  
معنۇي شىتمىنى بىن لە خاورو سره برابرى  
گىرىدى خودافغانستان قىبرەمانو بىچانو لەخېلى  
خاورى خەخە داسى خەقلولى دى چى بىباھ دەغى  
غىرت اوپىرانە زېرىۋەتكى خاورى تە بە سېكە  
ستەگە ونە گورى .  
دانقلاب فەد عناصر چى غابىسونە بىن دىزىيار

వృక్ష

بمنا سبیت گشا یش نخستین اکنگره ژور نا لستا ن :

در سندگو قلم و تبلیغ هم  
باشد ضد اذکار اشکست

قطعی داد

کمیته هر کزی با در نظر داشت خواستهای کار کنان مطبوعات، رادیو تلویزیون و بخارط دفاع از آرمان های انقلاب نور و به پیشواز اتحاد همه جانبه مردم ما به خواستهای مطروحة هستی بر تشکیل این اتحاد یه جواب نهاده و از آن استقبال میکند و آنرا تا زید می تعايد.

اوین کنگره موسس اتحاده زورستان

جمهوری دموکراتیک افغانستان در حالی برگزار می شود که از خیزش ظفر هند شش جدی کمتر از نهاده می گذرد ولی درین مدت کارهای ستر گی انجام یا فته است.

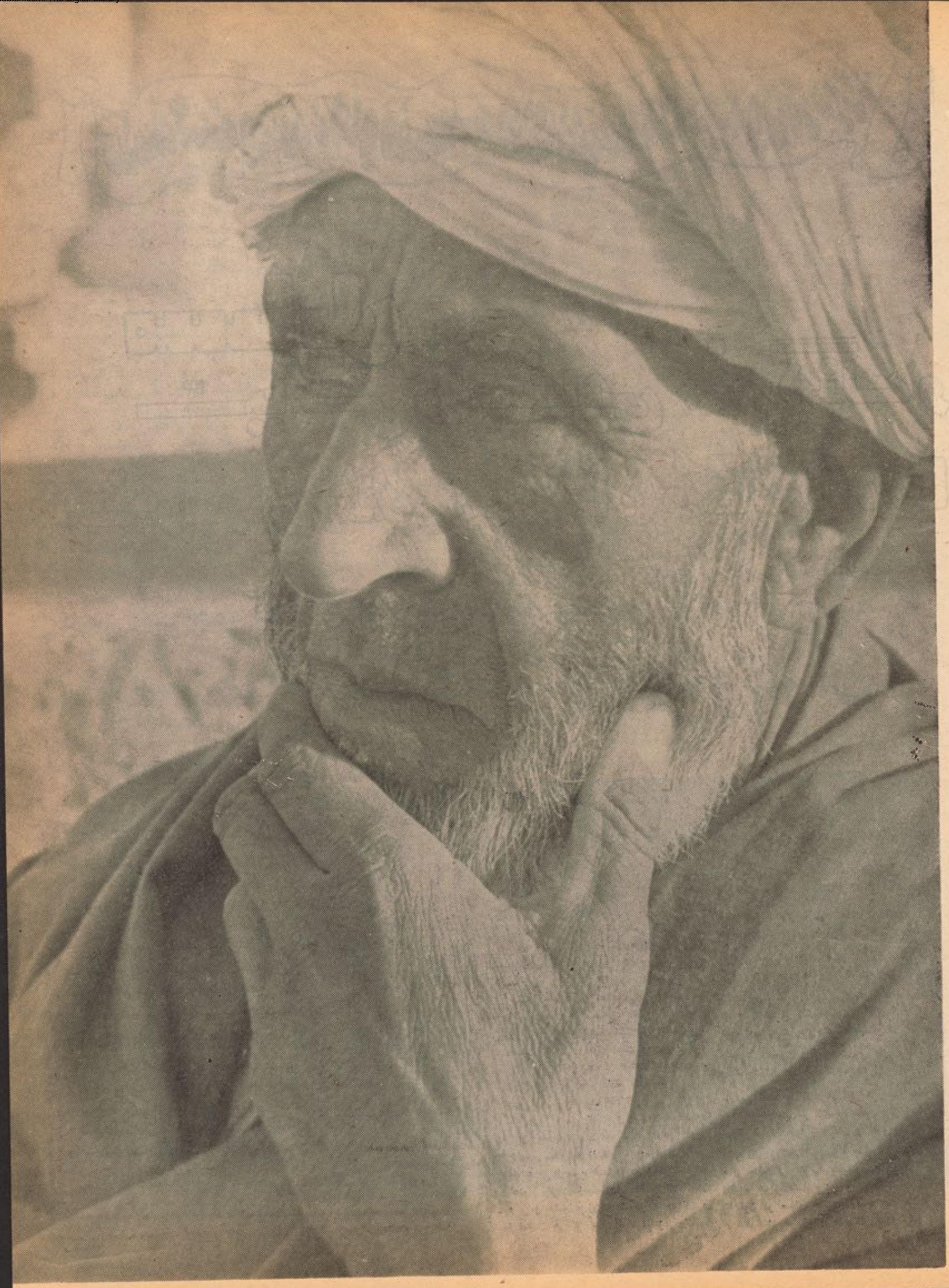
اولاً سر نگو نی امین و باند وی و ختنی سا ختن تو طیه های خطر ناک امیر یا لیزم و ارتقای منطقه و بین المللی هستی بر خله سا ختن انقلاب نور و بغاک و خون کشا نیان وطن محظوظ و پر التغیر و مردم غیور و با شباخت و ذمته و مسلمان افغانستان اذنا ثور نا لستان و خبر تکا ران وطن پرست و ملی جدا و قلیقه دارند تا حقایق هو صوح و ملی جدا و قلیقه دارند تا حقایق هو صوح را بشکل همه جانبه و میسوط به اطلاع مردم شرالتمدن افغانستان و چنان برسانند یعنی به جها نیان روشن سازند که اگر خیزش ظفر هند شش جدی نمی بود امیر یا لیزم و ارتقای در لباس و قیاده امین و باند تپکارش علاوه از آنکه تعداد بیشمار دیگر از هموطنان به شخصوص روشنگران واهل علم هنرودانش را به کام نیستی می سپرد نقشه تجزیه و تصرف وطن محظوظ و حمامه آفرین ما را نیز روی دست داشت، او باشان وطن فروشیکه درهاواری سر حد افغان ارتقای سیاه و امیر یا لیزم و صبیو نیزم و ارتقای «پترو دالر» ایستاده بودند و هستند درین سازس خا نیانه دست با امین یکی گرده بودند، رس بادر نظر داشت این حقایق هر کس می تواند اهمیت و ارزش شگرف قیام شش جدی ۱۳۵۸ را بخوبی بداند.

کنگره موسس اتحادیه نور نالستان کشور درحالی برگزار می شود که از تجاع و امیر یا لیزم در پهلوی آنکه آمال و آرزو های سیاه خوش را بر باد می بینند، مشاهده هی نهایند که زعامت حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان منطبق به خواستهای اساسی مردم ما در قدم اول بدون در نظر داشت عقیده، هلهب، جنس، طرز تکر سیاسی وغیره و بدون اندکترین تبعیض همه آن زندانیان سیاسی ایرا که از دم ساطور خونین حقيقة الله امين این امین هنالع واحکام (لنگلی) جان سالم بدو برده بودند، رها نمود و زمینه کار و پیکار در واه وطن و مردم را برایشان بشکل همه جانبه مساعد ساخت، نوران لستان و خبر تکاران ایماتا وظیقه دارند تا این اقدام متر قی، هلی و بشر خواهان را بصورت همه جانبه ارزیابی و به مردم هم افغانستان و مرد مان سراسر جهان تقدیم دارند.

کنگره موسس اتحادیه نور نا لستان کشور در حالی برگزار می شود که زعامت افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک ایجادی هستند که از تجاع و ارتباطی حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان را تدوین و تألف ساخته است این سند همیز که حیثیت قانون اساسی

در عصر ما یعنی عصر زوال امپریالیزم و شکوفانی انقلابات پرولتاری واوج جنبشیهای رهایی بخشش ملی که بشریت پیش فته در مرحله بلندی ازشکفتگی و یغتکی رسیده است و نمی تواند در مورد پیرامون خود سخنان بی بنیاد و انتزاعی را قبول نماید یعنی بشر به موازات پیش فته علم و تغذیک، غیر و ادبیات و اطلاعات پیش فته و داستین و بکر می خواهد . هم چنان بشریت هنکام بر خورد با پدیده های مختلف و هو فسougات گوناگون برخورد انتزاعی و سر سری و خوش با ورانه ندارد بلکه می خواهد به ترف موضوع و محتوی پدیده داخل شده واژ واقعیت آن با خبر شود ، درین عرصه بشر یت متفرق و پیش فته دیگر فریب سلطنه های را که برای حفظ و بر آورده شدن منافع صاحبان روزگار و بشکل فرسانه یشی چای حقیقت راگر فته و یا میگیرند نخوده و حقیقتی می خواهد که ایمان شده ، تعجبه شده و مستدل باشد .

در کشور ما با پیروزی انقلاب ظفر هند تور که برج و باره ستمکران و مستکران فرو ریخت و زنجیر های محدودیت ها و اسارت ها از هم گست قلم درین دیار نیز از قید و بند اسراییت و سود رها گردید و تنوم با این رهایی اهل قلم یعنی فشار آن و داشتمند کشور نیز بال و پر کشود و در قضای حقیقت و برداشی و اظهار حقیقت و آموزش و پرورش مردم پرواز نمود . گرچه چند صباخی نسبت تسلط امین و باند تپکارش این بروبال ها بسته شد و این مرغان ایام بخش به نفس انداخته شدند و تعداد بیشمار شان مورد صید صیاد بیگانه پرست یعنی امین و شرکاء قرار گرفت ، امین این جاسوس شناخته شده و بی فرهنگ و دشمن سوگند خورده ای علم و دانش چون خودش بی داشت بود با هر چه داشتمند و عالم بود از آن دل کینه هی ورزید از همین سبب زمانیکه قدرت دولتی وحیزی را گاصبانه در دست داشت او وعمالش بدنبال هر



# الله گفت و شنود ها و نشسته لای انتصافی ذوندون از خبر

پیش  
بیان

## مهدیه پرداختی و پذیرشی و اینستیتیو فرهنگی

در زیر ذرہ بین نقد و انتقاد

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون

یک بردسی همه حابه از عمل بروز احتلا ف میان:

# عدو سها و خشوهها، زنان و شوهران جوانان و سالمدان

شیرت را برای مجله خود تداریم . چرا که در نخست و آغاز جدل ، زمان نیکرای معاون هنرمندی نامه ژوندون ، گفتاری دارد اگر هدف فروش مجله در بیانه وسیع نزد شرده بیراهن رسانی ها و مسائل ارباط جمعی و رسانه های گروهی در راه پیام چندین صفحه را به مسائل کامل شخصی و دهن به مردم و در این شماره مجله ژوندون که یگانه مجله اجتماعی و خانوادگی کشور است و ناگزیر از اینکه نقش پیش آنکه خود را به عنوان یک نشریه با ارزش و مفید در سطح خانواده و اجتماع به ایفاء ژوندون مردم باشد ، یعنی مردم باشند که آنرا بیانگر درد ها و مشکلات زندگی خود بینند و به همین دلیل است که در سال روان نشراتی بعد از آنکه دشواری های همگانی های گرد ژوندون میکشاند که اینکه جزء شخصیت ثابت ژوندون است و در واقع آینه بیان که در شفا فیت آن میتوان مشکلات و عضلات عمومی و در سطح جامعه را به روشنی دید و به شناخت آورد . او درین زمینه که چرا ژوندون هو ضوع اخلاقی ها و مشاجرات خانوادگی را در این دور سخن به انتخاب آورده است ، میگوید : ما از طرح مسائل در سطح خانواده و عنوان گردن زمینه های اختلافات میان عروس و خشوه ، زن و شوهر و جوانان و کا توں بر صلای خانواده را به یک مرگز سالمدان هر گز هدف خود را انجیزی و کسب روابط عناد جویانه و دشمنانه بدل میکند .

- میز گرد ژوندون به اشتراک :
- ۱- داود پنجشیری معاون پو هنری حقوق و علوم سیاسی پو هنتون کابل
  - ۲- دکتور محمد آصف زین استاد پو هنری حقوق و علوم سیاسی پو هنتون کابل
  - ۳- پوهاند محمد امین استاد پو هنری تعلیم و تربیه پو هنتون کابل
  - ۴- پوهاندی رضیه سلطان استاد پو هنری تعلیم و تربیه پو هنتون کابل
  - ۵- میر ناصر الدین گلیم قاضی در محکمه فامیلی
  - ۶- نجمه منشی زاده قاضی در محکمه فامیلی
  - ۷- لینا تولنمل معاون تدریسی لیسه عالی سوریا
  - ۸- عبدالحق واله آمر شعبه ترجمه ملل متحد
  - ۹- حلیم تویر دایرکتور پروگرام تلویزیون زن و جامعه
  - ۱۰- ایسیه اربیل معلم در مبارزه بایس سوادی
  - ۱۱- سیما داین انوری پروردیو سر پروگرام تلویزیون زن و جامعه
  - ۱۲- میلجه صادقی معلم مکتب لامه شبد و تعدادی از اعضای گروه مشورتی ژوندون در هتل انتر کا نتینتال کابل دایر شده بود .

یک نامه سر گشاده عنوانی این طفل شما در مقابل تان به بازیگوشی صفحات:

شما عروس ها همیشه تنها به قاضی رفته اید، که خشونهار امحکوم می سازید!

دوم - شما فرا مسوش  
کرده اید که تاشمابه خانه پدر خود شوهر خود، به این به قول خود شما تشریف داشتید این فر زند خشون، این شوهر شما که اکنون این همه دوستش دارید وادعا می کنید که بخواهد، کدام مادر است که از نا آرامی فرزندش رنج نبرد واز همه مهم تر کدام مادر است که خود با اعمال خود موجب بدیختی فرزند خود گردد؟

بلی بگذارید به شما عروس ها بگویم که متناسبانه با همه ادعاهای که دارید همیشه چشم بسته خود را بخروی واقعیت های زندگی دارید، شما که در خود خواهی هاو خود نگرید های خود غرق شده اید و همه چیز را برای خود و به خاطر رفاه خود می خواهید و شما که فراموش کرده اید خشنو این مادر شوهر که شما در تصور خود و دیگران از او دیو و دد ساخته اید - جز آرا می وسعت دت شمارا نمی خواهد و آرزو ندارد چرا که او فرزندش را جکر گوشیده اش را به امید سعادت مند شد ن و به امید شادبودن در زندگی به شما شوهر داده است و هرگاه در زندگی خانوادگی شما انگیزه های نا آرام کننده وجو داشته باشد، این بد بختی هایها برای شما نیست و فرزند دلیند این خشنو، یعنی شوهر شما از او راضی باشید . شما خیال میکنید از نحسین روزی که شما به خانه شوهر تشریف آور دید باشد عروس ها که شاید تاکنون مادر شده باشید و شاید هم اکنون کودک تان را در آغوش داشته باشید و یا

شما همین که پیراهن سپید در چند کتابی که خوانده اید خلاصه میگردد و همیشه به تحصیل خود فخر می فرو شید - چرا فراموش می کنید که تجربه بیش از دانش بو عمل ارزش دارد و چرا ازیاد می برد که اگر واقع فهم و درک و دانش دارید باید از این سلاح در جلب محبت دیگران و در بدست آوردن صفات خانوادگی استفاده کنید و گرنه اگر تحصیل داشت وسیله کسب و دشمنی و ترک دوستی گردد چه بیشتر که نباشد و چه بیشتر شمارا کرنش کند و احترام گذاردن که تحصیل نداشته باشید شما عروس ها همین که پایه مرحله نامزدی گذاشتید ، بی آنکه بشرایط اقتصادی شوهر آینده تان تو جه داشته باشید و بی آنکه فکر کنید که ارزش آدمی در چگونگی شخصیت بقیه در صفحه ۵۰



گوشة از هیئت گرد زوندون پیرامون مسائل خانوادگی

ما امیدواریم این نشست و کرد هم این نتایج در خشانی داشته باشد و تا تیری نیکو از خود در میان همه خانواده ها بی که به نحوی با کشمکش های لا میلی رو برو آند بیچار گذارد.

اینک رشته کلام را به رووف راضع طرح کنند و مسؤول این گردهم آیی های زوندون می سپاریم تا پیرامون آنچه باید به گفتار آید دوستی انداده.

#### رووف راضع:

باتوجه بدانکه خانواده نحسین هست زندگی اجتماعی در جامعه است و در واقع چکو نک شرایط و ضوابط آن تاثیری عمده داشت شخصیت افراد از خود به چای می گذارد به سادگی میتوان ادعا کرد برای به وجود آوری یک جامعه با رفاه و سعادتمند که همه افراد آن تائیین مادی و معنوی داشته باشند باید شرایط خانواده را انسانی ساخت در کشور ما عواملی چند ها نند تا بسیاری های فرهنگی ، فقر اقتصادی و تا هنجاری های اجتماعی به سان هر کشور عقب مانده دیگر های نکونه که در همه ابعاد وسیع زندگی از از از از از مطلوب خود را به چای گذشت از روابط و شرایط را در خانواده نیز زیور تاثیر گرفته و کانون های گرم و عشق آفرین فاصله های ما را با شرایط همراه ساخته است که جز پرورش شخصیت های بیمار گون از نظر روانی در محدوده آن میسر نمیگردد و میدانیم که صحت در تازه ترین تعریفی که به وسیله سازمان صحي جهان برای آن ارائه شده است به مفهوم حالت بیبود تام جسمی نه بلکه معرفی حالات بیبود تام جسمی روانی و اجتماعی را دارد اکنون با عطف تو جه بیشتر به هم وسیع این تعریف جا مع به درستی میتوان تصور کرد که وقتی محیط خانواده در چگونگی شرایط خود زمینه های رشد افراد بیمار گون روانی را مساعد گرداند جامعه چگونه به یک سیر قهقهایی کشیده مشود و حالت به چو بی در آن در مجموع از میان میرود .

مادر کشور خود کمتر خانواده بی را می توانیم سراغ گیریم که اختلافات و گشیدگی میان اعضا آن به نحوی از انحصار مطرح نباشد و روابط خصمانه و دشمنانه گاه و

یگاه جای روابط سالم و سازنده را تکرید .  
زوندون برای اینکه حالات غیر دوستانه را در محیط خانواده دیشه یابی و انگیزه جویی گند و با نشان دادن عوامل به وجود آورنده اختلاف های زمینه ازیمان بر داشتن آن را میباشد در این دور سخن جمعی از استادان و دانشمندان حقوق و روانشناسی وهم چنین قضات محکمه فامیلی و چند خانم را از هر آنکه تر بینی و آموخته دعوت کرده و امیدوار است تا تبادله تجارب و بررسی همه جانبه مو ضوع از دیدگاه های حقوقی ، روانشناسی و قضیی این مجال فرامی آید که خانواده های ما با شناخت و آنکه بیشتر از این میته های بروز اختلاف گشیدگی ها را از هیمان بردارند به اجزاء اعضا شر کنند من پیشنهاد میکنم که جدل امروز در سه بخش دوام آورد .

بقیه در صفحه ۵۰

بیوہائیڈ داکٹر جاوید

## تاریخ کشور خویش راورق می‌زنیم:

# زن در درازش

اریانای کهن ، خراسان دوره اسلامی،  
ناتستان امروز از دیر باز زادگاه فضل  
القیلت، مهد دانش ویشن بوده است زنان  
زنان در طول تاریخ پر افتخار این هر ز و بوم  
بندوش جوانان آزاده و سر باز این سر زمین  
در راه حفظ خاک و توابعیس ملی تامین رفاه  
آسایش استواری فرهنگ و ادب جانشانی  
از خود گذری نشان داده اند و درین پیکار  
قدس از هیچگو نه فناکاری و جانبازی دریغ  
نموده اند سهم و نقش زنان افغان در تکوین و توجه  
عارف و تعالی اسلامی و تشنید بیوند های علمی  
فرهنگی روشن و بارز بوده است + فرزند  
ماوراء بلخ این سینا دانشنامه علایی بنام علاء  
لدوبنیمه ظاهرآ بنابر خواعش دخترش بزبان  
دری نگاشت ابویحان بیرونی کتاب التفہیم





ولیز دسته از دختران افغان که چیز تحریم به خارج اعزام شدند.

٨٤٣

شون



# سای تاریخ

جلد اول کتاب حماشده ۲ بزرگ ۱۳۰۷ سال، ۱۳۰۷ شهربدر (۱۹۰۷)



بانکی طلا و نقره در صندوق های آهنی و یخدانها  
گذاشته بیشد و معاملات بانکی مانند سودای  
سردو گانهای بازار انجام میگرفت . در چنین  
احوالی زنان هم به بانک ها مراجعه میکردند  
در عهد عبدالرحمن خان بازگشته باب مراده  
با جهان باز شده بود چنانکه باید اهتمامی به  
امر تعلیم و تربیت زنان مبنول نشد وزن در  
چار دیواری خانه مخصوص هاند و حتی حق  
استراک در هیچگونه فعالیت اجتماعی را نداشت  
زن مجبور بود در خانه بنشیند و اگر فروردتی  
ایجاب میگرد که از خانه پایرون نمی بایست  
پس از اجازه باجادرنی و دلاق از خانه خارج  
شود

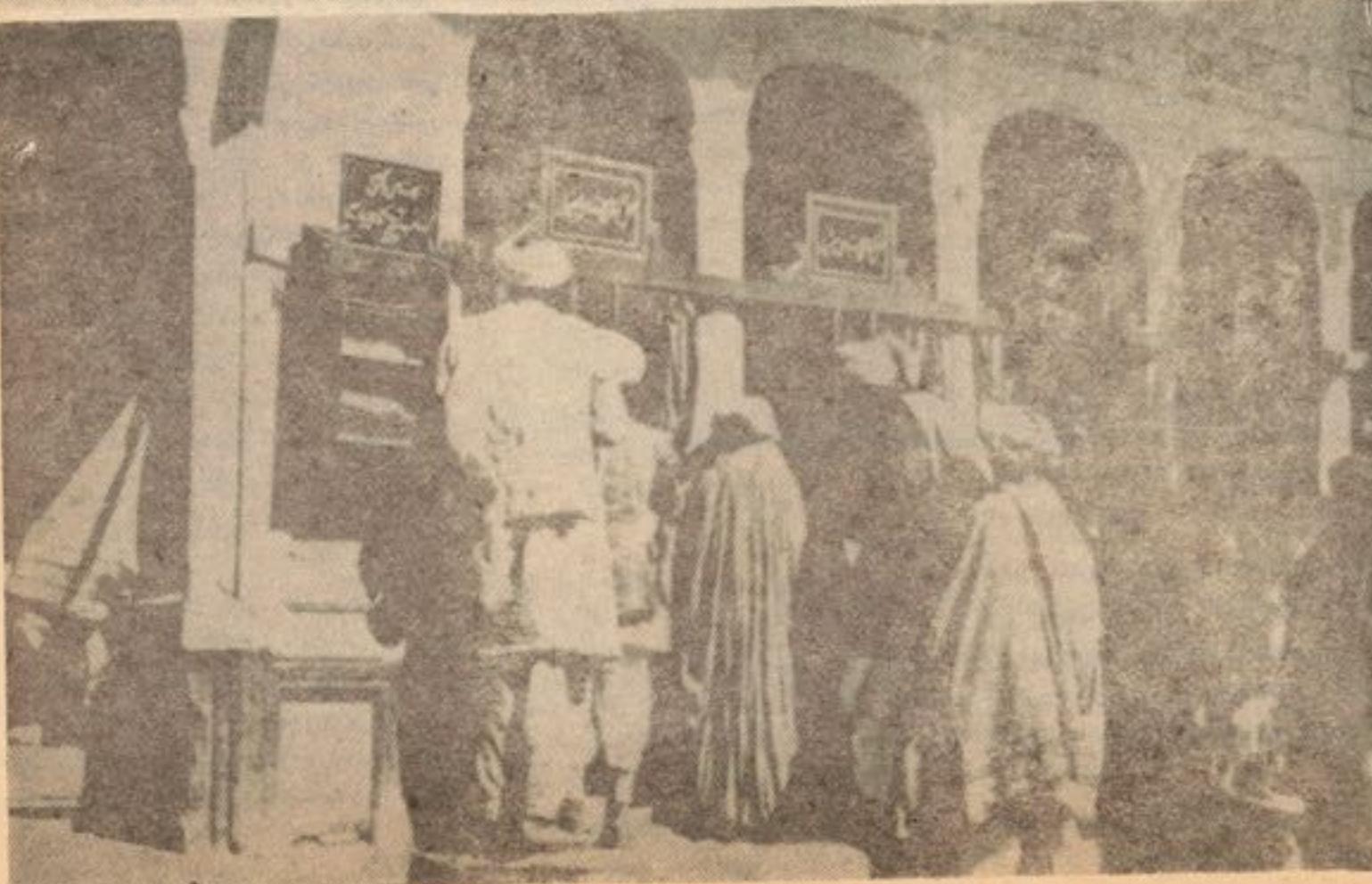
اما از کارهای ارزشمند آن عصر در زمینه  
تربیت و تشویق نسوان چايدیوان عایشه  
درانی گوینده توانا و شیرین کلام آن روز کار  
بوده است که اینک یک نمونه شعر آن تقدیم  
میگردد .

لطفا ورق بزنید

چه نقاشی که نقاشان کامل  
نمودند اندران ایوان هتل  
عجب نبود ز کلک چبره برداز  
که گیرد طائر تصویر پرواز  
اگر تمثال باع گل کشیده  
هزاران ناله از بلبل شنیده  
اگر تصویر لیلی را نموده  
به محضون راه صحرایی گشوده  
اگر بر نقش شیرین کلک رانه  
هزاران کوهن در خون نشانده

با این ترتیب در طول تاریخ یافتخار وطن  
مازنان افغان چه در عمران مدارس ، مساجد  
و مکاتب وجهه در سیمگیری در فعالیت عای  
خیوبه اجتماعی و تربیت فرزندان دلیر ، مبارز  
و وطن پرست یادگار های جاودانی از خود به  
چای گذاشته اند و حتی در بسا موارد در راه  
تنویر ذهنیت هردم و بیداری قوم پیش قدم  
بوده اند . در عهد امیر شیر علیخان خانمش  
مادر وی بعد حاضر شد عکس و تصویری ازا  
تبه شود که این تمثال بجای خود از نظر  
لباس و آرایش جالب است . در عهد امیر شیر -  
علیخان که بیشتر مدارس محلی و غیر رسمی

جای خود را به مکاتب اساسی و عصری داد .  
در آموزش و پرورش زنان نیز توجه بعقول آمد  
زن در آن عهد حتی با برق و چادری به یسته  
خانه که تازه تأسیس شده بود میرفت . سمس -  
النباردا میتوان نخستین جویده رسمی کشور  
خواند که در زمان امیر شیر علیخان چاب و  
نشر میشد این جویده هر بانزده روز دو ۱۶  
صفحه منتشر میشد . درین جویده کم و بیش  
بمسائل معارف و احوال نسوان بر میغوریم از  
نکات جالب این عهد یکی ایشست که ذخیره



اویین باریکه زن با برفع درامور داد و ستد  
اشتراک می ورزد .



پمارو او جگړه مارو دورا ن کا ريو  
نبېي اوښېانې په سېيکون کې با تى  
وي. مګر او س دسيکون بنسار د  
ويتنام دترقی دسمېبول ډيره بنه نېبه  
ده. او س دې بنسار دو یتنام دسو-  
سيما ليستي جمهور یت داقتاصا دی  
جوړې بست په عملیه کې ستـر رول  
لو یو لى دی .

ددې سېيې دزیارا یستو نکو دزیار -  
په نتیجه کې نوي تو لیدی مھضو-  
لات دويتنام دخلکو په برخه شمول.  
ويتنام میا نو زیار او زحمت له تیز  
شووځخه په میراث وړی دی .

1975 کال په یاکي کې دسيکون  
په بنسار کې یوا خې شل خا نکړي هو-  
سسى موجودوي په کو مو کې چې  
په ټو لیز او اشترا کې دول سره  
کار کیده . په دغو مو سسوا کې  
یو زرو شپږ سوو تنو کار کاوه .  
لازمه او ضروري وه چې دصنتع پې-  
مختیاته پاملن نه وشي، دکار ګردا نو  
شمیرلا پسی زیا تیده اود فا بر یکو  
اوکار خا نو درا منبع ته کیدومسله  
یو پربل پسی خلیده. دسيکون دبندار  
یو بنساروال خرګنده کړه چې: « مونږ  
خینو ستونزو را چا پېړ کړي یو چې  
بایدې ترڑه سره حل شي ، مو نن  
نه یوا خې دا چې با ید دنن ور خې  
ستو نزی حل کړو بلکې را تلونکي  
هم با ید جبران کړو. دا دې او س  
دو یتنام له انقلاب خخه پنځه کا له  
تیر یېږي . او س دهو چیمن په بنسار،  
جادو او واتو نو کې دغا بر یکو او  
کار خا نو شمیر ډېر زیاتشویدي. د  
دولتی موسسوا او لو یو کار خا نو او  
فابر یکو شمیر نړی دی دوه سوو ته  
رسیزی یه کو مو کې چې دری خلو-

ینېت زره ته زیار ایستو نکې  
کار کوي . له یو سلوپنځو س زرو  
تنوځخه زیارت کار ګران دلاسي او  
سېيکو صنا یعنو په فا بر یکو کې به  
کار او زیار بو ختدی، دلاسي صنا-  
یعنو فا بر یکې پنځه سوو چو له خا-  
نکړي مھضو لات تو لید وي او دغه  
تو لیدی شیان دکور نیو اړ تیا و د  
لیری ګو لو او خینې وخته و نه بهر ته  
دصادرو لو به غرض تو لید یېږي .

خینې نوری ستري کار خانی دوھسوه  
دوله خا نکړي مھضو لات تو لیدوي.  
پاتې په ۵۷ مخکي

دسيکون او جنوبی ويتنام دېولو  
برخو د بشپړی آزا دی او خپلوا کې  
نه ورو سته دويتنام دکمو نست  
کو نددمر کزی کمیتی غری او دبندان  
ری کمیتی رئیس مای تې تڅو دا-  
سې خرګندوی: « لا زمه ده چې د  
انقلابی اهدا فو دعملی کیدو او دخپل  
انقلاب دسا تې په خا طر ولېړه او  
قططی له منځه یوسو . دیو کال نه  
وروسته یعنی په 1976 کال کې دهو-  
چیمن په بنسار، جادو اووا تو نو کې  
دلاسي سترېدلو نو نه را منځته  
شول چې هیچجا ګمان هم نه کاوه د  
ويتنام په برخه شمول . دیو کال  
په مو ده کې چې دیو اهل افغانستان  
ډېر لندوخت دی دبندار او واتو نو  
سمون، دکارو نو دچتکۍ په صادر

ډېر بنه مثال کیدی شي . دامر یکې  
دېلای ختیه رژیم په دوران کې د  
سېيکون دبندار دنفو سو شمیر نړی دی  
خلور مليو نو تنو تاریخیه، دا هغه

1975 کال دابر یل دمیا شتني  
په دېر شمې نیټه دسپهار په یو ولسو  
بجو او دیرشو دقیقو پو خې سر -  
بندو نکو پخوا نې سېيکون دنکونو  
او ماشینګه په ذریعه آزاد او خپلوا  
کړ او دبندانو نکو نو له پاسه دسيکون د  
جمهوری ریا ستدما نې ومخی ته  
آزا دی او خپلوا کې بېړ غ ور پېډه  
او ويتنام له همغه وخته را پدې خوا  
په بشپړه توګه سره آزاد شو . په  
خپلی داسې یو خبر نشر ته  
وسباره: « امپر یالیستی حلقه خپلوا  
یرغلو نواولاس وهنور په نتیجه  
کې دجنو بې ويتنام دخاوری په سلو  
کې پنځو س ترلاسه کړي او هلتله یې  
په کار او بار شروع کړي یده، جنوبی  
ويتنام په هیڅکله دېخوا په شان د  
ژوند د تیرو لو خای نشي. دار تزاقی  
موادو وار دول او را وړل هم بند  
شویدی . دیو نیم میلیون تنو صادر

دېغو دند وي ڦبا په

له پراودا خخه

## و د یتـنام د ټولنیوزی

### او اقتـصادی و دی په درـشـل کـې

شوو ور یجو په عوض هلتله دوار . بیول او نور ستر کارو نه چې دويتنام  
دخلکو یېزوندا نه کې یې ستر رول  
داتې ارتزا قې موا دو اندا زه هر  
کال دری سوهو پنځو س زرو تنو ته  
رسیزی . دجتو بې ويتنام تـول  
له ټولونه مخکې یه سېيکون او د جنو بې  
ویتنام په ټولو ایا لتو نو کې ولیدل  
شوي . هفـهـمـکـېـ چـېـ دـ جـګـوـ پـېـ  
کـلـوـ نـوـ کـېـ شـاـ پـېـ بـاتـیـ شـوـیـ وـېـ  
ډـېـرـزوـ دـوـارـدوـ لـوـ اوـ دـمـاـشـيـنـوـ دـ  
استـخـداـ موـ لـوـ سـرـهـ اـپـ یـکـیـ درـ لـوـدـیـ .  
بـهـرـنـیـ مـتـخـصـيـصـنـ دـدـیـ لـهـ پـارـهـ استـخـداـ .  
مـیدـلـ چـېـ تـرـخـوـ دـهـ شـینـوـ نـوـ دـېـ رـوـ  
پـهـ تـرـمـیـمـ کـېـ هـرـ سـتـهـ وـکـرـیـ .

شـمـکـوـ دـزـیـاتـوـحـاـصـلـاـ توـ دـلـاسـ تـهـراـ .  
وـړـوـ پـهـ خـاـ طـرـدـاـ بوـ دـخـرـ وـ بوـ لـوـ  
نوـ پـړـوـ ڦـېـ پـهـ کـارـ وـلوـ یـدـیـ دـسـاـ .  
حلـیـ سـیـمـیـ دـکـرـوـ نـدـ ګـرـوـ دـزـونـداـ نـهـ  
بنـهـ کـیدـوـ پـروـسـیـ پـامـلـنـهـ وـ شـوـهـ .  
دـسـیـکـونـ دـخـپـلـواـ کـېـ اوـ آـزاـ دـیـ نـهـ یـوـ  
کـالـ وـرـوـ سـتـهـ نـورـ هـمـ دـامـرـ یـکـاـ بـېـ لـوـ .

دـهـلـیـکـوـ پـتـرـوـ نـوـ دـبـمـبـاـ رـیـ دـهـ لـاسـهـ  
بـیـ پـتـنـاهـ رـاـوـیـ وـهـ دـاـ هـغـهـ وـختـوـ نـهـ  
وـهـ چـېـ وـلـبـرـیـ اوـ قـطـطـیـ هـرـ شـیـبـهـ دـ  
سـېـيـکـونـ اوـ سـیدـوـ نـکـیـ تـهـدـیدـوـلـ اوـ  
دـهـغـوـ خـلـکـوـ شـمـیرـ زـیـاتـ شـوـکـومـ چـېـ  
دـوـابـرـیـ سـرـهـ لـاسـ پـهـ ګـرـ یـوـانـ وـ .  
پـهـ هـغـهـ وـختـ کـېـ دـنـیـانـ زـانـ وـرـ .  
خـپـلـیـ دـاسـیـ یـوـ خـبـرـ نـشـرـ تـهـ  
وـسـپـارـهـ: « اـمـپـرـ یـالـیـسـتـیـ حـلـقـهـ خـپـلـواـ  
یـرـغـلوـ نـواـلـاـسـ وـهـنـوـ پـهـ نـتـیـجـهـ  
کـېـ دـجـنـوـ بـېـ وـیـتنـامـ دـخـاـوـرـیـ پـهـ سـلـوـ  
کـېـ پـنـځـوـ سـ تـرـلاـسـ کـړـیـ اوـ هـلتـهـ یـېـ  
پـهـ کـارـ اوـ بـارـ شـرـوـعـ کـړـيـ یـدـهـ، جـنـوبـیـ  
ژـونـدـ دـ تـیـروـ لوـ خـایـ نـشـیـ. دـارـ تـزـاقـیـ  
موـادـ وـارـ دـولـ اوـ رـاـ وـړـلـ هـمـ بـندـ  
شـوـیـدـیـ . دـیـوـ نـیـمـ مـیـلـیـوـنـ تـنـوـ صـادـرـ

سـتـرـ بـنـدـوـ نـکـوـ اوـ قـمـرـماـ نـوـ خـلـکـوـ  
کـېـ نـغـنـتـیـ وـ. اوـ سـ دـوـ یـتنـامـ خـاـ وـرـهـ  
دـسـتـرـوـ اـقـتـاصـاـ دـیـ اوـ ټـیـوـ لـنـیـوـ بـدـلـوـ .  
نـوـ نـوـلـاـرـهـوـ هـیـ . نـنـ دـوـ یـتنـامـ خـلـکـدـ  
بـشـپـېـ دـیـمـوـ کـړـاـ سـیـ خـاـوـ نـدانـ دـیـ  
اوـدـسـوـ سـیـاـ لـیـسـتـیـ ټـوـ لـنـیـ دـجـوـ ړـولـوـ  
لـهـ پـارـهـ نـهـ سـتـرـ یـکـیدـوـ نـکـیـ هـلـیـ خـلـیـ  
کـوـیـ . نـنـ دـوـ یـتنـامـ خـلـکـوـ پـهـ مـلـیـ اوـ  
نـپـرـیـ وـالـ مـعـیـارـ سـتـرـبـرـیـاـ لـیـتـوـ بوـ نـهـ  
ګـتـلـیـ اوـ تـرـ لـاسـ کـړـیدـیـ . دـوـ یـتنـامـ دـ  
قـهـرـ مـانـ وـلـسـ پـیـوـ سـتـونـ اوـ یـوـوـالـیـ  
هـغـوـلـوـ کـېـ زـیـاـ تـیـ اـسـاـ نـتـیـاـ وـیـ بـرـاـ .  
بـرـ کـړـیدـیـ . دـوـ یـتنـامـ خـلـکـوـ دـوـ یـتنـامـ  
دـبـشـپـېـ خـپـلـواـ کـېـ نـهـ وـرـوـ سـتـهـ دـ

نـاـ بـیـلـتـوـبـ سـیـاـ سـتـ تعـقـیـبـ اوـ دـوـ یـتنـامـ  
دـخـلـکـوـ دـیـبـوـ سـتـونـ اوـ یـوـوـالـیـ لـهـ پـارـهـ  
زـیـارـ، دـسـتـرـ اـتـیـزـیـکـېـ هـدـ فـوـ نـوـ تـامـینـ  
اوـدـسـوـ سـیـاـ لـیـسـتـیـ اـنـقـلـابـ دـعـمـلـیـ کـیدـوـ  
پـهـ اوـ نـهـ هـغـهـ سـتـرـ یـکـېـ وـ چـېـ دـوـ یـتنـامـ  
لـهـ خـلـکـوـ سـرـهـ یـېـ زـیـاـ تـیـ هـرـ سـتـیـ  
وـکـرـیـ . دـوـ یـتنـامـ دـاـنـقـلـابـ نـهـ وـرـوـسـتـهـ  
دـجـنـوبـیـ وـیـتنـامـ دـاجـتـمـاـ عـیـ اوـ اـقـتـاصـاـ  
برـمـخـتـگـ اـوـدـسـوـمـیـاـ لـیـسـتـیـ بـنـسـتـوـ نـوـ  
دـایـبـنـوـ دـلـوـ لـهـ پـارـهـ یـرـیـکـړـهـ وـکـرـهـ چـېـ  
ټـولـزـیـارـ اـیـسـتـوـ نـکـیـ دـیـ یـوـ شـیـ خـکـهـ  
جـنـوـ بـیـ وـیـتنـامـ اوـدـهـفـهـ اـیـاـ لـتوـ نـوـدـ  
1975 کـالـ دـاـبـرـ یـلـ پـهـ مـیـاشـتـ کـېـ  
کـلهـ چـېـ بـیـ دـاـسـتـعـمـارـ چـیـاـ نـوـ اوـدـ  
هـغـوـ دـګـوـ دـاـ ګـیـاـ نـوـخـخـهـ خـپـلـهـ آـزاـ دـیـ  
تـرـلاـسـ کـړـهـ . زـیـاـ نـوـ تـارـوـاـ نـوـ نـوـلـیـدـلـ اوـ  
سـېـيـکـونـ پـهـ هـغـهـ وـختـ کـېـ دـامـرـیـکـاـیـ  
امـپـرـیـاـ لـیـسـتـاـ نـوـ دـظـلـمـوـ نـوـ اـنـوـ

# مشی مستقل سیاسی

نویسنده: غفار عربی

## ج.د. ادراكه بين الملل

تاریخ درخشان حزب دمو کراتیک خلق افغانستان ، از همان بدو تاسیس مشحون از نلاش ها و مبارزات قهر هانانه و اصو لی میباشد که در راه تحقق اهداف توده عالی عدای بکشیده مردم مان ، خوشبختی و سعادت عمه زحمتکشان چا معه و بمنثور رهایی کشور از قید اسارت هنای سبات فر توت فیودالی بعمل آمده است .  
تحت رهبری حزب دمو کراتیک خلق افغانستان با اشتغال و بشتا نه سار

پیروزی انقلاب ملی و دمو کرآنیک نبور  
و دفاع دلاورانه ح. د. خ. ۱ - از استقلال  
و حا کمیت ملی کشور ، از منافع و معالج  
مردم مان عملنا نشان داد که این گردان پیشتاباز  
طبقه کارگر و هه زحمتکشان کشور ، این  
یکانه ستاد چنگی پرو تاریا و نیروی مشکل  
ستمدیدگان هیهین ما ، نه تنها به طور  
صادقانه وفادار به اصول "کرانهایه هم -  
بستگی بین المللی کارگران است ، بلکه در  
عین حال حزبی است کا ملا ملی و هیهین پرست  
که برای حرامت تما همت ارضی و استقلال  
و نوامیس ملی کشور از هیچ نوع قر بانی  
و فدا کاری دریغ نوروزیده ، حزبی است با  
عمیق ترین انگیزه های انسانی و میهنه ،  
حزبی است هدایع پیگیر و خد شه نایزدیر  
آزادی انسان زحمتکش و حق تعیین سرنوشت  
ملت ها ...

با پیروزی مرحله نوبن و تکا ملی انقلاب  
بر جلال گور و تشکیل جبهه وسیع همه  
نیرو های ملی و وطنیست، ۱۴. ۵. خ.  
بهنایه پیشا هنگ متر قی و دمو کراتیک  
تمام نیرو های پیشتاز کشور و دستگاه  
رهبری کننده ۱.۰.۱ درگوره راه های پر اثبات  
حقانیت اهداف و وظایف خویش را بالات  
رسانید.

الغا نستان اتقلا بي با کار صلح آمیز و خلاف خود در قلب آسيا با تعیین سیاست مستقل ملی و تعقیب مشی اصولی و پیگیر دفاعی از صلح بین المللی ، آزادی ملل ، تهافت

عدم انسلاک نزدیکی و دوستی با دول و خلق  
های مترقبی جهان، پیروی از سیاست همزیستی  
مسا لمت آمیز، مصروف ساختمان جا ممه  
شکو فان، خوشبخت، پیشر فته و سعادت  
مند میباشد.

زحمتکشان افغانستان آزاد و مستقل ،  
سر بلند و پر غرور بیو سته مدافع صادر  
و وفا دار یا یابان یا فتن مسا بقات تسليحاتی  
و کا هش تشنجهای بین المللی بوده ، گسترش  
پروسه رفع تشنجهای و خلخ سلاح عام و قام را  
عامل عمده پایداری صلح جهانی و امنیت  
ملل گیتی میداند ، آزادی ، صلح ، رفاه و  
سعادت ملت ها گرامی ترین اندیشه مردم  
کشور است ، بناء جمهوری دموکراتیک  
افغانستان بر وفق خواست اکثریت توده  
های ستمدیده جا معا از آزادی ، صلح ، رفاه  
و سعادت تمام بشر یت زحمتکش چیا ن  
پیشتبانی و دفاع بعمل میاورد .

هها نظوريكه جمهوري دمو کراتيك  
الغا نستان از استقرار هنا سبات بين الملل  
ميابن ملل جهان بر اساس اصول صلحجويانه  
و همزيستي هسا لمت آميز بطور خلاق و پيگير  
صادقاته و انسانى دفاع بيدريغ مينما يد ،  
در پهلوی ساير ملل و خلقهاي مترقب جهان  
عليه امير يا ليسم ، ارجاع ، اياد تايد و  
كليه اشكال استئثار ، استعمار و ستمگري  
به خاطرآزادی و شايستگي انسان زحمت -  
کش دو گراسی ، ترقی اجتماعی ، برابری  
و عدالت واقعی بي امان هي رزهد .

جمهوری دمو کراتیک افغانستان با پیروزی از سیاست انسانی و انقلابی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مبتنی بر اصول اساسی کشور مصوبه پلیتوم دوم کمیته مرکزی حزب بطور فعال و همیشه از مبارزات آزادی بخش ملی دول کمر شد و رو با نکشاد کلیه مبارزات دمو کراتیک و سیاست ترقی خواهانه ملی که از شرایط مرگبار ظلم و ستم استعماری تعجیل یافته اند، حما

پشتیبانی و همکاری میدارد .  
دوین هر حله اساس تاریخ کشور که  
انقلاب ملی و دمو کراتیک نور با پیروزی  
هر حله نوین و تکا ملی خود بزر گترین  
توطنی ارتجاعی و امیر یا لیستی را در سطح  
جهانی فلوج و خنثی ساخت ، فردیت قلعه  
با امیر یا لیسم ، استعماد کردن و نوین ،  
استنها ، فا شیزم ، اپارتايد ، تعیین  
نزادی ، ستم ملی ... بطور عمیق و به نحو  
شایسته نقش جهانی انقلاب شکو همند  
و پرجلال نور را تعیین میدارد .  
با پیروزی هر حله تکا ملی انقلاب مردم  
جمهوری دمو کراتیک افغانستان تحت رهبری  
حزب طبقه کارگر و همه زحمتشان کشود  
(ج.د.خ.1) صلاحت آنرا کما بی کردند تا  
با کار خلاق و اندیشمندانه خویش بفرنج  
ترین و مهمترین مسایل زندگی را موقنه  
حل نمایند ، اساس عمیق ترین تحوالت  
در عرصه های اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی

هنگی و حل هنر سیاست اجتماعی مردم کشیده  
گذاشته شده است که تطبیق عملی و پلار  
شدۀ این تحولات ایجاد تا مین ارتبا طان  
وسعی را با پسر یت هتر قی دو سطح جهانی  
میکند تا با استفاده از تجارت تاریخی آنی  
در جهت تسريع پیشر فت اجتماعی و طبق  
محبوب مان با در نظر داشت تحلیل مشخص  
از اوقاع شخص کشود گام های متین  
استوار گذاشته شود.

تا مین شرایط پیش فت های سیاسی -  
اجتماعی و اقتصادی . رفع نسخ و ببود  
او شاع جهانی ، خلخ سلاح و کاشت  
مسا بدان تسلیحاتی دایر میگردد . باعتراف  
و سر بلندی سیاست حزب و دولت خوش  
را در قبال این حودن تمجد میدارند .  
جمهوری دو کراتیک افغانستان منکر به  
اصل های صلح ، ایجاد یا یکاه ها و موسان

ارتغا عی ، عقد پیمان های نقاہی و نجاوز  
کار ، سازمان دادن شبکه های مغرب چاسو-  
سی و سر و صدای های تبلیغات درو خین  
و غیره را که امیر یا لیسم و ارجاع بین-  
الملی بهقصد خله ساختن ازادی و حاکمیت

ملل عقب هانده چنان دامن میزند ، تخطی از  
اصول قبول شده سازمان ملل و موسان  
آن دانسته و عاملین آنرا بشدت میکوبد .

دو کراتیک افغانستان میباشد ، روابط  
دولتی و همکاری مردم افغانستان با  
جمهوری دوکراتیک افغانستان را تشکیل  
میدهد .

جمهوری دو کراتیک افغانستان جا بجا  
شندن هرمی های جدید ذریعی را در اروپای  
غربی ، یلان افزایش عملیات نقاہی گرانه ،  
چین و جایان پیاده شدن تفتیک داران دریای  
و انتقال بحریه های جنگی در بحر هند  
خلیج فارس و حوزه کارا بین را بشدت نکو-  
ش میکند و عاملین این یلان ها را دشمن  
شماره یک بشریت می پندارد .

مردم آزاده و سر بلند افغانستان دربر تو  
مش مستقل سیاسی جمهوری دوکراتیک ، تاسیس  
خویش تحریکات امیریالیستی را علیه  
کیوبای انقلابی و قیصران ، کشتار دسته  
جمعی و طبیرستان را بو سیله نقاہی میگران  
فاسیستی پیوچت در چیلی ، پشتیبانی و  
حمایت جنگی و مادی دزیم یو لیتدا بو سیله  
زعامت هر یو نیست پیکنگ ، تحریک و  
جهان فرار دارد .

موجز اینکه ! سیاست خارجی حزب  
دو کرا تیک خلق افغانستان و جمهوری  
دو کراتیک هان با ماهیت عمیق انقلابی و  
انسانی خویش اساس تا مین هن سیاست  
همکاری مردم ما را با بشریت زحمتکش و  
هر قی جهان در ساحات و عرصه های  
مختلف زندگی پیریزی نموده و تا پایان کار  
ازین اصول عدوی نخواهد کرد .

ساحات ، استحکام پرو سه صلح و امنیت  
بین المللی خلیلرین و گرامی ترین اندیشه  
جمهوری دوکراتیک افغانستان را تشکیل  
میدهد .

جمهوری دو کراتیک افغانستان جا بجا  
شندن هرمی های جدید ذریعی را در اروپای  
غربی ، یلان افزایش عملیات نقاہی گرانه ،  
چین و جایان پیاده شدن تفتیک داران دریای  
و انتقال بحریه های جنگی در بحر هند  
خلیج فارس و حوزه کارا بین را بشدت نکو-  
ش میکند و عاملین این یلان ها را دشمن  
شماره یک بشریت می پندارد .

مردم آزاده و سر بلند افغانستان دربر تو  
مش مستقل سیاسی جمهوری دوکراتیک ، تاسیس  
خویش تحریکات امیریالیستی را علیه  
کیوبای انقلابی و قیصران ، کشتار دسته  
جمعی و طبیرستان را بو سیله نقاہی میگران

فاسیستی پیوچت در چیلی ، پشتیبانی و  
حمایت جنگی و مادی دزیم یو لیتدا بو سیله  
زعامت هر یو نیست پیکنگ ، تحریک و  
جهان فرار دارد .

تشویق دزیم صومالی را علیه ایتوییا سو-  
سیالیستی بشدت تقطیع میدارند و با نفرت  
و خشم یی پایان برای اعمال مغایر کرامت  
و حقوق انسانی میگزند .

«سیاست حکومت جمهوری دو کرا تیک  
افغانستان که به خاطر هنافع ، سعادت  
و ترقی مردمان سر زمین معبوب ما تنظیم  
گردیده است به طور کلی با اصول اعلامتسدا  
کنفرانس کشور های اسلامی که افغانستان  
نیز عضو آن میباشد مطابقت دارد .»

جمهوری دو کراتیک افغانستان سیاست  
فشار اقتصادی اتحاد را غول پیکرگاران

ها ، مترو پول ها ، ترسوست ها ، گنسر-  
سیون ها را که هر گدام به نوبه خویش  
و جیات فقر ، گرستگی ، تندگیستی بیسادی

عقب ماندگی ، امراض ، خار تکری مردمان  
زمختکش جهان را فراهم گردانیده است و

علیه آزادی ، استقلال و حاکمیت ملی ، سر  
نو شت و زندگی ملل گیتی تو طه می چینند

با قاطیت تمام و مو ضع گیری خاص مترقبی  
و انقلابی نکو هش میدارد .

مردم جمهوری دو کراتیک افغانستان از  
جلسات و کنفرانس های سران دول که  
بعا طر تحکیم صلح و امنیت بین المللی ،

انقلابی حمایت و پشتیبا نی میکند .

۱.۵.۱. در زمینه سیاست خارجی خویش  
از اکتشاف روابط نیک هماییکی و حالت ،  
دولتی و همکاری کشور های آزاد افريقيا  
بطور پیکر و بیدریغ حمایت بعمل میاورد  
تفویت و گسترش این پروسه را عامل  
مو تری در امر تا مین صلح دوا هارچهانی  
و امنیت بین المللی می پندارد .

در شرایط فعلی که او ضاعو ببود فضای  
بین المللی و تحکیم صلح جهانی و ارتباط  
به پیوند و نزد یکی اهداف حلقة های امیر-  
یا لیست و هر مو نیستان جنگ افسوز

بیجهدگی بخود میگرد ، حزب و دولت جمهوری  
دو کراتیک افغانستان از مبارزات بر حق  
و عادلانه کلیه خلقهای جهان برای دیانت

سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک  
افغانستان از لحاظ کیفیت و عدف های  
خود سمت گیری عمیق متر قی و افلاس  
دارد که وجه مشخصه آنها صلحدوستی ،  
ازادی و امنیت ، رفاه و سعادت ، خوش -

بغض و زندگی بدون جنگ ، برادری و رفاقت  
صهیونیست و دولت میان ملت های جهان تعین  
میدارد . پیدین اساس حزب و دولت دموکر-  
اتیک افغانستان از هذا فعین سر سخت  
استحکام ، تو سعه و تقویت صلح و امنیت  
ببود فضای بین المللی و اکتشاف پیشتر  
همکاری برادرانه میان کلیه مردم جهان و  
بشریت متر قی است و خواهد بود .

۱.۵.۲. جمهوری دو کراتیک افغانستان به  
طور پیکر همبستگی خلیل نا پیدیر خود را با  
خلقهای لاوس و کمپو چیا ، با زحمتکشان  
یعنی جنوبی ، ایتو پیا ، ایکولا ، موزمیق  
نیکارا گوا ، زیمازوی که بیروزی های بزرگی  
را در مبارزه به خاطر آزادی و ترقی اجتماعی  
نصب شده اند ، با مردم ایران که با زخم  
خو نخوار شا هنشاء مبارزه گردند و دلرانه

علیه فشار نقاہی می ، اقتصادی و سیاسی  
امیر یا لیسم امریکا و عهد سنا ش می  
رزمند ، اعلام میدارد ج ۱.۵.۲ از مبارزات خلق  
عذابکشیده فلسطین ، از مبارزات تمام کشور  
های متر قی غر بی بر ضد امیر یا لیسم

افغانستان در نقطه مقابل نقشه امیریالیستی  
امریکا ، تجاوزگران اسرائیل و خانین قاهره ، قرار دارد . ضرورت ادایه سیاست دیانت  
از مبارزات آنها به خاطر آزادی بور و سلم <sup>۱</sup>  
به خاطر اخراج کامل قوای نقاہی از اسرائیل احترام به حق اکتشاف مستقل هر کشور ،  
از هن طق اشغال شده اعراب و اعاده حق <sup>۲</sup> معو بستر های تشنج بین المللی جلو گیری  
تعین سر تو شت برای خلق فلسطین حتی <sup>۳</sup> از بروز جنگ ، تاسیس روابط صلح آمیز  
تا سر حد ایجاد حکومت مستقل پشتیبانی <sup>۴</sup> تقویت رو حیه دولتی مساعدت و اعتماد  
متقا بله چهت اکتشاف مزید همکاری در تمام  
و دفاع مینماید ..

۱.۵.۳. هنکی به اصول انسانی و اتفاقی <sup>۵</sup>  
حزب دو کراتیک خلق افغانستان ، از  
هو فقیت های نهضت آزاد بیخش ملی خلق <sup>۶</sup>  
های دول افريقا که در راه اعمار و ساختمان <sup>۷</sup>  
جا مه شکو فان می زمند بصورت عالی <sup>۸</sup>

قدر دانی میکند و از مبارزات آنها بر ضد  
نیرو های ارجاع عی و امیر یا لیست حمایت  
مینماید .

۱.۵.۴. د لست جمهوری د مو کرا تیک <sup>۹</sup>  
افغانستان از ابتکارات سازمان اتحاد افريقا <sup>۱۰</sup>  
که نزراء خانمه بخشیدن و حل صحیح اختلاف <sup>۱۱</sup>  
قات میراث نا سالم استعمار بشیوه مسالمت <sup>۱۲</sup>  
آمیز ، در بیش گرفته است باید عمق

امروز مردم را عقیده بر این است که از زمانهای پار مردم عشق و علاقه وافر به زیبا بیانها داشتند بنا بر همین امر بوده که مذاهی زیبا بیان از یک دوره تاریخی تا دوره تاریخی دیگر به استههها وزیان های مختلف رنگ و رونق دیگری گرفته و مراحل ارتقابی و تکاملی را یکی بعد دیگری بیموده اند اما با گذشت زمان آنچه که میتوانست با شرایط بعدی توافق نماید عجیان حظ گردیده از گذشت زمان همه چیزها بیان را گه عمرش را میبود به یاد فراموشی سهرده است اما آنچه را گه زیبا بوده حظ نموده و آن را قدم به قدم به هر حال تکا ملی صعودی اش را همراه ساخته است که این امر میتواند شر عورت رقص بالات نیز صدق نماید.



## از در نقش رقص بالات در تحقیق صلاح و همسری هیان کشورها

عمجتان تلاش های مطبوع عاتی نیز در مورد انجام گرفت تا در مردم تشپیر رقص با ل اتحاد شوروی سعی وافر صورت گیرد اما اتفاقی که در مردم وجود داشت این بود رقص بالات را درک نمایند.

دانشمندان و خصوصاً هنرمندان را عقیده بر این است که رقص بالات خسروت به تحلیل و تفسیر و با مترجم ندارد مردم میتوانند در هر جا در هر محل بدن در در آن ذیدخل است.

بعد از اینکه رقص بالات اتحاد شوروی در لندن به نمایش گذاشته شد مردم و غیره ملاعیم آن را خوب دربایند و تحلیل انجام داشت اخلاف ایدیولوژیک لسانی نظر داشت این امر در یکی از مقالات خود را تحلیل و تفسیر نمایند.

رومیو ژولیت دوباره تازه شده است

هایی است که به اوج و عظمت خود رسیده و در کشورهای اروپایی غربی رواج یافته است. مردم کشورهای غرب توائیستند با یامهارت خاص رقص های بالات اتحاد شوروی نموده اند. بعد از یکی این نظر را با عده زیاد هنرمندان و دانشمندان در میان گذشتند که این امر برای عده زیادی از نویسندگان یک امر قابل قبول بوده که آنها میتوانند باز بآن ساده احساس و عواطف که رقص بالات اتحاد شوروی در یکی از شان را به دیگران منتقل دهند و تماش کنند های بزرگ لندن به نمایش نمایش گذاشته شد این امر در سال ۱۹۶۷ صورت انجام داشت این امر در تحلیل و تفسیر نمایند.

رقص های بالات یکی از تازه ترین رقص شپیرت خاصی بیندازند.

نگاهی بر کمپنی های بالات در سراسر جهان این حقیقت را باز گو میکند که رقص بالات یکی از هنر مندان را عقیده بر این است که دینه نکامل رقص بالات در دو باره بازی رقص کلاسیک و پارینه نهاده نبوده است که آن را شکل دیگری بخشد بلکه هر تکنیک های کلاسیک را در خود حفظ خواهد نمود . هنر مندان رقص بالات در اتحاد با زیان و شکل امروزی توانی و هماهنگ سازند . او یعنی همچنان عقیده دارد که راه برایین است که رقص بالات اتحاد شود وی دیگری برای تو سازی و انتکاف رقص نه تنبا گذشته های اصل کلاسیک را تمثیل بالات آن است که ممکن است این امر میگذرد بلکه در آینده و امر تو سازی محظوظ و منا همیم رقص چیز های تازه و شترک را از هنر و هنر بیان آید زیرا محتوا خود شکل و فورم خود مندان دونکن امریکا بی ، فرانسوی نیز را تعین میکند .

خواهد گرفت تا در غنا و تکا مل آن قدم  
به بیش بر داشته باشد که با اتخاذ چنین  
کار رنگ و رونق تازه را به رقص بالات  
به از معان خواهد آورد.

هر هند مشهور بی جارت در نمایش نامه  
روعیو زولیت خویش طرح شکمپیر را میتوی  
بر نشان دادن این امر که عشق قوی تر از  
هر گث است قبول نموده .اما در نمایش  
نمایه های هر هند مشهور و لادیمیر نامی-  
لیف نه طرح بخصوص دیده میشود ونه قهرمان  
ویرسو نازان دارای اسم خاص هستند  
اما در آن بوسیقی خیلی ها دلکش و لطیف  
و خوش آیند است که دارای هنای همی بی  
نمایت گسترده و غنی که عشق و علاقه  
آد میزد را به زندگی و نموده می سازد  
عنق و علاقه که مشحون به زندگی کردن



با تشبیر این هنر میتوان همه مردم را به شاهراه صلح و صمیمیت کشانید.

مخالف برای تربیت نو جوانان در سراسر میا سست دولت کارگری خدمات قابل  
گشود وجود داشته و تعداد آن روز به روز قدری بعمل آورده و هنر را هر خدمت مردم  
فرزونی من یابد .

هتر متدان رقص بالت را عقیده بر این است که هدف عده و اسا سی درین هتر این است که بتوانند عواطف و احساسات مردم را به عشق و محبت افزونی بخشیده و در راهی قدم بر دارند که ملح و همزیست را میان اسا نها در گشوارهای مختلف پهلوانی نموده همینجاست که در پرتوصلح و آرامش من- قوان برای تکا مل و انکشاف استعداد خلاقه آد میزاد قدم های مشت و لازم را به پیش رقص بالت میگوید : این بازی از سایر بازی ها فرق فا خش دارد که این تفاوت را بر داشت .

هتر مندان اتحاد شوروی مو میبا لیسته  
را غقیده بر این است که رقص بالات بعد  
از بیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۷۷ با پیدایش  
دولت کارگری در اتحاد شوروی که شعارش  
را صلح و همزیستی معاً لمت آمیز میباشد  
کشورها تشکیل میدهد رشد و رونق زیاد  
تری پیدا کرد، هتر و هتر مندان در اولین  
کنور شوراها تلاش به خرج دادند  
تا میباشد صلح آمیز کشور شوراها را  
در هتر نیز تبارز دهند تا بتوانند در تعکیم



رقص بالت یکی از اشکال کلاسیک رقص‌های پارینه است

در نظر داشت و تحلیل وضع خاصی که افغانستان در آنوقت قرار داشت نتیجه خواهند گرفت که این کمک به هو فع کشور سوراها ارزش و اهمیت حیاتی برای ماداشت ودارد، لذا بر روشنگر ان صادق و واقع بین است تا عملاً جلو آن تبلیغات و دروغ پراکنی های امیر یا لیزم و ارتتعاج را که در قبال مرحلة نوین و تکا ملی انقلاب و کمک های بی شایبه، انسان دوستانه و صلح جویا نه اتحاد شوروی براه انداد خته اند و براه می اندازند، بگیرند و این نه تنها وظیفه شان است بلکه رسالت تاریخی و ملی شان نیز میباشد، امیر یا لیزم و ارتتعاج عمانطور - یکه بشکل پلان شده و سنجش شده می

خواستند انقلاب را بغال و خون بکشند و  
وطن ما را تجزیه نمایند حالا که با پای مردی  
مردم دلیر افغا نستان آن نقشه ها و تو طنه  
ها نقش بر آب شده است و انقلاب به  
نمودند و سوال هستی یا نیستی ، بود و  
نیبود وطن مجبو ب ما افغا نستان انقلابی  
صراط المستقیم هدا یت شده است و وطن  
از بر بادی نجات یا فته است باز هم بشکل  
مطرح بود دوست دیرین و وفادار ما اتحاد  
پلان شده می خواهند که از یکطرف باتبلیغات  
شوری وی خواست حکومت قا نونی افغانستان  
دروغین واژ جا نب دیگر با هدا خلات مستقیم  
یاسخ هیبت گفت و قطعنات محدود نقا می  
و هدا خله جو یا نه و مسلحانه و تر بیه و  
خدور باند های آدم کش و جانی انقلاب و  
از استقلال ملی و حا کمیت ملی و تمایز  
دست آورده های آنرا بخصوص مرحله نوبن  
ارضی کشور ما فر ستابد تا دوش قوای  
و تکا ملی آنرا خله سازند ولی آنها این  
مسلح قهرمان افغا نستان و مردم افغا نستان

باید دانست که نقش مو تر روشنگران در تحول انقلابی جا مده ما و هم چنان در تعیین علم و فرهنگ و هم در بلند بردن آکاشر سیاسی زحمتکشان چشمگیر و عمله است . معا فل من تعج حاکمه و واپسگان آنها وضع اسف بار معارف ، آموزش و عقب هاندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مردم ما و منجمله زحمتکشان و روشنگران را یک پدیده طبیعی ! و پیش هانه تر از آن این پدیده ها را خصو صیت ملی مردم ما بحساب میاوردند . روشن است که حبخت چیز دیگری بود و آن هضم بودن هنای مع و دوام حکمرانی آنها بود که در مو چودیت این پدیده ها در جا اعماق ما بوجه احسن برآورده می شد یعنی بن سواد بودن مردم ما و یا نین بودن وشد سیاسی آنها عمر چشمی فیودالیزم و ارتیاج سلطنتی و بیروکر - ایلک و گمبرا دور هاو وابته به امپریالیزم را طو لانی تر می ساخت . ولی در همان آوان یعنی در تحت سیطرة ارتیاج فیودالی و سلطنت ار تجا عی ، روشنگر ا ن هترقی و ملی ها در یهلوی آنکه این پلان شوم و شد ملی را بی هیابا رسوا می ساختند با غزم آهنین در صدد زدودن آن پدیده ها که هو لد تو طله های ارتیاج بود عمل می نمودند و در راه حفظ سن اصلی ملی

# نقش روشنفکر ان در تحول جامعه از نقلابی ما

و در همکاری با آن نقشه های سوم امپریا-

نهان پلید را با خود یکجا بکور خواهند  
رد لذا سهم و نفیش تنویر کننده جوانان ما  
بپرک کار مل به ادامه گفتار شان درین  
مورد چیزی فرمودند: "... به یقین در بعضی  
مین هورد خیلی ارزشمند و خیلی مهم است  
که دید ما مفرضانه و ذیر تأثیر دشمنان  
محاذل روشنفکری قضاوت عایس وجود  
باشد بصرًا حت حکم خواهیم نمود که اتحاد  
داشته باشد، من در چندین مصاحبه و در  
شوری دوست صادق مردم تحت ستم و  
تحت سقف این تالار حقایقی را انشاء کرده  
رادی طلب جهان، دوست آزموده شده و  
ام و حافرمن در بزرگترین تربیون جهانی این  
بیرین مردم افغانستان است رذیم و  
حقایق را تایت نماییم که هر گاه کمک به  
ا هیت رذیم صلح جویانه اتحاد شوروی  
هستگام قطعات محدود نقا من اتحاد شوروی  
راساس دوستی و حسن همجوواری به ممل

مستقل و آزاد وجود نمی داشت ....  
روشنفکران آگاه و وطن پرست مطلع اند  
که درین اوآخر پلیشور سوم کمته هر گزی  
حزب دمو کراتیک خلق افغانستان گشایش  
یافت و در آن تصا میم هو تر و همه جا تبه  
ای دد همه شیون حیات سیاسی و اجتماعی  
و اقتصادی گشور اتخاذ گردید پلیشور عمدتاً  
وسع شدن و همه جانبه بودن و هوتو بودن و  
قطع بودن مبارزه علیه ضد انقلاب را موگدا  
تو صیه نموده است و سر کوب قطعی باند  
های صادر شده از خارج و مسلح و تر بیه  
شده از چا تب امیر یا لیزم امریکا ، شوو-  
نیزم هر تد و علتم طلب یکنگ ، و زیم تحریرید  
شده و منثور شده سادات ، دستگاه جا کنم  
همسایه و کمک بی آلایشانه و اتر ناسیونالیستی  
ما زحمتکشان سراسر جهان می باشد و  
تها مات بی بینید و دروغین و دور از  
اقیمت امیر یا لیزم و ارجاع که در قبال  
همک های انسان دوستانه آن گشور به  
افقنا نستان صورت می گیرد تها و تبا  
بیوشی است که امیر یا لیزم در راس  
امیر یا لیزم امریکا می خواهد از آن برای  
بنیان ساختن اعمال تجاوز کارانه خود  
استفاده نماید ولی هم مردم افغانستان و  
هم مردمان واقع بین و صلح دوست تمام  
دنیا هاهیت و نیات شوم امیر یا لیزم را  
دانسته اند و فریب ویا تکاری ها و دروغ  
برانگی های آن را نخواهد خورد و روشن  
فکران ما درین مورد وظیفه و رسالت دارند

و میراث های گوا نبهای ادبی ، علمی و رذیلاته را پگیرند ولی امین این تو کر فرهنگی ها از هیچنوع سعی و تلاش درین ماهه امیر یا لیزم کار را به جانی رسانیده نمی وورزیدند و در همان شرایط بد ، آنها بود که به تنها یعنی نهی شد جلو تو طنه و را غنا می بخشیدند و رشد می دادند . دسیسه و تجاوز نیرو های ار تعاضی و روشنگران انقلابی وطن پرست بهراحتی دسیسه و تجاوز نیرو های ار تعاضی و طبقه کار گر جوان کشور و سایر زحمت از ۱۱۱ تا ۱۱۵

امیری یا لیسمی و عدها حتی سه هزار پاره  
کشان شیر و ده پانزده سال قبل بنیاد حزبی  
را گذاشتند که بر همراه این حزب فرمان  
مردم زحمتکش وطن پرست افغانستان  
توانستند که در هفت نور ۱۳۵۷ نظام فر توت  
فیدالی و دولت ارتقا عی سلطنتی را سقوط  
دهند و بعای آن جمهوری دو کراتیک افغان  
نشان را بنا و ناسیس نمایند . عم چنان  
مردم شرافتمند و دلاور و آزادی دوست  
افغانستان به پایمردی اردوی دلیر خویش  
تو طه فد حزبی ، فد دولتی ، فد آزادی  
وبالآخره فد روشنفکران هترقی امین ودارو  
دسته اش را در حساس ترین مرحله تاریخ  
با خیزش ظفر مند شش جدی خنثی ساختند  
همه هموطنان ارجمند و شریف ما از  
چگو نگی وفعی که در اثر سلطنه چشمی  
امین و با ندش در کشور و منطقه بیان  
آمده بود آنها هی دارند . انقلابی که در بدله  
خون هزاران وطن پرست و شادت اردوی  
روشنفکران ارجمند و وطن پرست ما با  
دلیر بر همی حزب دو کراتیک خلق افغان

د ترکی نا منو لیکوال عزیز نمین از

## نشیاز زیاده

# هله اطفائیه را و غواره !!!

کو له چی بر مخ ولاه شی خو چلوو نکو  
له بیو خوا حرکت نه شوای کولای او دبلی  
خواپن غوبنل پوه شی چی دھفی لو سی  
ودانی ددریم پوه دکھ کی شا نه خوک  
ناست نی یا خه شی نی ؟

دغافلکو پولیس چی اعده بی کوله د

دلوی ودانی په مخاخن پیاده رو کسی د  
نقليه وسا یطو لاره خلامه کوی ۵ یوهیناري  
خلکو دکتی گونی نه محشر جسورد شوی و  
بس چلو ونکی خخه پوبنسته وکره .

او په سلکونو ته لاروی بیله دی چسی  
- ولی ولاه بی ، حرکت وکره ؟ ..

دبلی چلوو نکی سر تر هینداره را و بوس  
اووی ویل .

- کومی خوانه حرکت وکرم ؟ نا نه خو  
دوخی دستر گی درکی دی ، و گوره . دیس

مخهند ده . که خوک تر آبر لاندی کو ،  
سبابه تجیل تهروان بی ؟

- لیو نوبه کوه ، هخه وکره چی حرکت  
وکری .

تولو حاضر ینو دمغاخن ودانی ددریم  
بیو که کمه نه کتل او بل شی نه بی پام نه  
در لود .

نیمساعت وروسته د بیو لیسو د ما موریت  
عرستیال د خلورو ، پشتو تو بولیمو پس  
ملتیا راورسید .

مرستیال خو چور لکونه ووھل او له هده  
نفر خخه بی جی ده نه دیر نزدی ولاد و  
پوبنسته وکره .

- ته جیری گوری ای ودورو ؟ هوری خه  
خبره ده ؟ مخاطب یه تیر تعجب خواب ورکه  
- ولی به نه گورم ، اوس چی تول بیو رنه

گوری ، بیوی هم زه .

- بنه ده و گوره ، خو خه شی نه گوری ؟  
دھفی لویی ودانی ددریم بیو کر کمه نه  
- بنه هله خه خبره ده ؟

پاتی په ۵۶ مخ کن

- وروره .. هله خه خبره ده ؟  
- ته بی نه ویش ؟

- نه ولا ...  
بنه په خیر ورته وکوره ، ویش بی ...

و ساتی ددریم پسو د کر کمه به نسداره  
اووی ویل .

بوخت و .

بیو لیسو دا خلی تیر یه خسونت او لوه  
خدای ستر گی درکی دی .

آواز وویل .

- ناسو نه وايو . ولی نه نی خایه خنی  
نه خی ؟

دا گوا پیش هم د پخوانیو یه شان بی -

تا زیره و او خلک ورو ، ورود مخاخن پیاده -  
رو خخه د لو بی ودانی پیاده رو نه راغل .

خو شیبی وروسته هفتم لک چی ددریم  
بیو د کم به بکنه بو خت و ، دوان

مینخ نه را تو بی شول او د نقليه وسایطه  
نکرانک بی دستونزو سره مخاخن کریل .

تیرافیک له اهنتی پولیس خخه وغوبنل  
چی د خیل ماهوریت خخه خو نه نور هم  
دمرسته نه پاره راو خواهی .

- به ستر گلو ولاد بی شم خو نه بیوهینی

چی دا دو مره خلک ولی بوره گوری او دجا  
د لیدو یه لبه کی دی ؟

- نه بیوهین ؟ ولا .

- خی چی نامسی ده نو نه ولاد شه ماهوریت  
نه .

- سمه ده .

خو شیبی وروسته د نقليه وسایطه به  
لند شو . د تیرافیکو بیو لیس بر له پیس چور  
لکونه و هل او د چلو و نکو خخه بی هله

شفه دواوه دبی اوغلو دواوه پر خنده ولادو  
او بی داسی حال کمی چی د بیو لوی ودانیه  
ددریم بیو کمی بیو بیوبل ته بشود له  
په خبرو بخت د . بیو وویل .

- ولا بلا پخبله نی . داونه چی زماسته  
گی هیغکله نا ته درواع نه دی و یلس .

- ریستیا وای ؟

- سو گند یا دوم چی پخبلو ستر گو من  
ولید . ته خوابی چی زه هم د نورو په شان

پخبلو ستر گو بی اعتماد شم ؟

دوه ته لاروی د دوی خشک نه ودریدل .

دانانه د دریم بیو کمی کمی نه خیر شول  
او خبری بی بیل کری .

- ونی لید چی هندی نی ؟

- سمه ده خو هله خه کوی ؟

- ولا که پوشیرم . خو ڈاہه یم چی بیو  
کار خو نه لری .

یوه بسخه او میمه هم ودریدل . بسخس  
خبل میمه نه و کتل او وی ویل .

- ونی لید ؟

- ونی لید .. هو ونی لید .

- خو شاله نه بی ؟

سولی گرانی ، خودا خوشالی په بیلا بیلو

کسانو کی بی له بل خنخه تو بیل لری دخلکو

بیو د کم کمی تر کنلو وروسته بی تولو  
نه وویل .

- کتل او سر و نه بی بوره نیو لی و .

هله نفر چی د خبل کو چنی عوار له

هینداری خخه خبل سر را ایستلی و له

بیو لاروی نه بی بسته و کمه .



ب- مجسمه های گلی قرن ششم پایناوه  
و تبه خزانه اnahme دهنده هنر انتقامی با  
ایکو نو گرافی معین بودانی و میزاتی هنری  
یو نانی در آنآ تو می و قیا فه و حنی رنگ  
میزی .

ج- مجسمه های قرن شش هفت قند قستان  
تبه سردار غزی و یامیان که تابع و زیبائی  
و مقررات تکامل و صور تبدیل مجسمه های  
هده در آن مراعات نشده و دوره دوم این  
تبه بکلی از قید قواعد و سلطه کو شانی  
ها بر آمده و تحت تأثیر مستقیم هنر هندی  
بومت گو بناء بوده و مناهب بصورت آزاد  
پهلوی آئین بودانی قرار میگیرد . بوداستوا  
ها بودا های نشسته در حالت دیانا مسود  
را در پهلوی مجسمه های دور گی تنشیل  
گلاآندی و غیره تیاره میکند و به عبار و  
مشخصه آئین بودانی در ستو به ها تعداد  
اضلاع زیاد شده و در تعداد بالغ فرم ها افزوده  
میشود و این ستو به ها شکل سمو لیک را  
بخود گرفته و عدای در فو ندا سیون گل  
ای لوتوس قرار میگیرد بودا ها در سطح  
خارجی ستو به ها در حالت ایستاده نظیر  
معا بد گو های هندو سtan و تائیراتی  
صورت فشرده و ضيق تعییل میشود و قیود

عزیزی

بیوسته بگذشته

# نگاهی به بخشی از آثار هنری هند

هده .

ب- مجسمه های گلی قرن ششم پایناوه  
و تبه سردار غزی  
مجسمه یا (هلوی) به نظر رسیده است .  
از سوی دیگر در یکی از مجسمه های  
بودا ستوان سه هلال و گره را که در  
واقع ماه و ستاره باشد به حیث تا جی در  
موهای آن مثا هده کرد و همچنان بعضی  
آلار دیگری که در این اوخر از توب کلان  
بدست آمده است منه هلال یافتنی با شیادیم  
یا نواری هرین که از ماده ستوک تبه شده  
به چشم میخورد این مو ضوع کرو نولوجی  
قرن پنجم و با قرن چهارم را تغیر نمیدهد  
زیرا سلطه یافتنی ها بعد از بر گشتن هند  
وستان به دره های کابل و بخصوص ص در  
ساحه شرقی که سلطه کنکیلا در این ساحات  
است با نوع ضرب مکه های درین ساحه  
تقلیدی از آن در مجسمه های شده و یا یکله  
در محا فلت و تقویه دین بودانی میاند  
ورزیده است آرتیست و هنرمند باوصف  
این مثا له مجسمه های این ها را یا این  
دود مان را در قالب هنر نقش بسته است .  
به اساس مطا لعه سترا تیگرافی توب  
کلان و تبه شتر هده دوره دوم توب کلان  
معادل مجسمه های قرن چهارم هده بوده و  
قرن پنجم و اوائل قرن ششم هده معادل آتش  
سوزی دوره اخیر ساحه با سنا نی توب کلان  
میباشد . در حا لیکه مجسمه های ستو کن  
بودا و یا بوداستوا و غیر آنرا از نظر متیل  
میتوان در آنها تائیراتی دوره هنری بوست  
گو بناء را مثا هده کرد .

دوره اخیر مجسمه سازی گلی هده  
هنا نا دوره سوم یا قرن پنجم و اوایل قرن  
ششم است که کاوش بعد (۲۴) و روایاتی  
(۲۵) و مجسمه های مکشوفه بعد  
(۵۹) را به ملاحظه رساند از یکسو که  
مجسمه های از گل تبه میشوند مجدداً روی  
آنرا ستو کشیر جانی نازک میگیرند که  
متا سب و شیوه کار بکلی معادل ستویه  
ها و مجسمه های قرن ششم و اوائل قرن  
های کابل و شیوه کار بکلی معادل ستویه  
های تقویه ای قرن ششم و هنری های قرن پنجم  
هده وجود دارد در اوائل قرن ششم مکتب  
هنری کابل (منثور از تبه خزانه و پایناوه  
است) تیز پیشتر ملاحظه میشود جنا نجه  
تاج های گل دار و قیمه دار را مثال داد .  
به نظر من مجسمه های گلی را به سه بخش  
عده باشد تقسیم نمود .

الف- مجسمه های گلی قرن سوم و پنجم



مجسمه یک راهبه از ماده ستوک تیب  
گندھاری و تائیرات هنر یونانی مکشوفه تبه  
شتر هده نصب به دیوار ستونی .

این ساحه را چار مسون در ۱۸۳۶ تیز مشاهده نمود  
است . جیتا نمبر (۵۹) تبه شتر هده که  
شکل از طرف دا خل مدور و از طرف خارج  
مربع ، را داراست دیوار های داخلی که به  
شکلی عدور اطراف سنتویه بعد اعمار گردیده  
در آن آنار نتوش دیواری رنگ به ملاحظه



مجسمه نشسته بودا در حالت تعلیم یا (در ماہیگر او از تامودرا) مکشوفه تبه شتر هده .  
قرن ۲-۴ میلادی . از ماده ستوک نصب به دیوار ستونی .



مجسمه یک راهبه مکشوفه تپه شتر عده  
مربوط به قرن (۲۴-۲) میلادی.

هر است و عرض دهلیز طواف که را عین  
و معتقدین بودایی دور دور ستو په را طواف  
مینمودند در حدود ۷۹ سا نتی بوده که پیر وان  
بودایی صرف یکباراز طرف چپ به راست دور  
میزدند در حالیکه در متون مذهبی و هنری  
اتحاف و عبادت بودا ثیان هفت بار این طواف  
صورت میگرفت عرض دیوار عای اطراف  
ستو په بیش از ۱۲۰ سا نتی متر بوده و  
نیست.

ستوپه داخل این معبد در تپایت نقاشون  
زیادی با سایر ستو په های داخل معبد  
عمومی، از مواد کاتکلو میراث، سنگ و گل  
در سا ختمان داخلی خود داشته و در ساختمان  
خارجی همانا ماده ستوك که مخلوطی از جونه  
و ریک و براده هر مر است به نظر میرسد.  
(در قسمت براده هر مر صد قیصد صدق نمی  
گند زیادتر براده ستگ جونه است) اطراف  
این نوع ستو په های مجسمه های بودا در  
حال تفکر یا (دیانا مودرا) تعلیم و یا  
(درما چکرا مودرا) و یا بعضاء حالات دیگر  
تمایش یا فته و هر مجسمه در بین روایها  
که توسط ستون پایه های گور نتی (تپ)  
چسبیده به دیوار ستو په های با داشتن  
پلاتلورم، گشید و هیر میکا و چند جتره  
(سا نسکریت) با ستو په قرن ینجم و ششم  
معبد کو چک نمبر (۵۹) و (۴۶) تپاشتر هد  
تفاوتنی گلی دارد.

اطراف آن سا ختمان های مر بعیتی قرار  
گرفته بود که روی آن، نقاشی و رنگامیزی  
شده و در آن ایکو نو گرافی بودایی به  
وضاحت هشاده میشود، هده مخصوصاً  
تپه اشت دارای چنین تکنیک های ساخته ای  
بوده که دو نوع سا ختمان مر بوط به قرن  
پنجم و ششم را در آن ملا حلته گرده می  
توانیم:

- در معبد کو چکی که به نمره (۵۹) نام  
گذاری شده، در قدیم در داخل دیوار عای  
محوطه عمومی معبد اخزه می قعیت نموده  
که بعضی از فاند اسیون یا (تهداب) این  
محوطه های بصورت پراکنده در فواصل  
 مختلف معبد عمومی، قرار داشت.

تا جاییکه از نظر تنا سب و سنجش  
ارتفاع مجسمه های داخل این معبد که عمه  
چسبیده بد یوار این معبد بودند، فعلاً  
باقیای آن (صرف یا ها) به نظر همیشه،  
بیش از سه متر بوده و نیز گندی داشت که  
از حادث جوی در امان قرار میگرفت.

این معبد کوچک بودایی مربوط بدوره  
پوست کو شان (باقیای شا عان کو شا نی  
که با قبا یل یفتلی فرم میشوند و از زیر  
سلطه ساسانی ها بر آمده اند) بوده و دارای  
چنین مهیزات مهندسی و هنری است.

معبد یا درسانسکریت (چیتیا) فولاده دخنه  
جدید معبد عمومی بودایی تپه شتر شده  
مو قیمت دارد و در واژه در آمد محوطه  
معبد مقابله ستو په دور این معبد بوده و  
بسیت شمال این مد خل باز شده است.  
بر عکس سایر سا ختمان های داخل معبد  
عمومی در بالای تپه می قعیت احراز نموده  
اند.

این معبد کو چک نمبر (۵۹) تپه شتر عده  
بغضو من ستوپه کدر هرگز آن قرار دارد.  
تو سط دیوار مر بعیتی و دایروی محاط شده  
قسمیکه بین دیوار اول و سوم را هرو یا  
دهلیز طواف که در سا نسکریت به اسم

(پراد کشنا) آمده شکل یا فته است و در  
چهار قسمت سمت یا چنان این دیوار ستوپه  
دهلیز طواف مجسمه های بودا و یا بوداستوا  
راهین و مو بدان نصب بوده و این دیوار  
در مجموع از خشت خام به اندازه های (۳۳)  
در (۳۳) و (۱۸) در (۲۹) از یکنوع گل سیز  
و مقاوم کار شده است. اطراف ستو په  
این معبد، دیواری دوری که غالباً از گل  
یخسه میباشد اعمار گردیده و اطراف این

دیوار دور دیواری دیگری از خشت های  
خام (۳۵) در (۳۳) وجود دارد که فعلاً از  
الداز؛ اصلی پنجاه سانتی متر یکنهمت آن  
بالقی مانده است این دور دیوار دارای تهداب  
از سنتگ در یایی بوده و به هرور زمان تخت  
تائیر حادث جوی و حریق بعدی معبد عمومی  
تخر یا تن در آن صورت گرفته است.

دیوار اول عموماً از گل یخسه بوده و خیلی  
مستحکم میباشد دیواری دو من که نکر  
میشود بیش از نیم هتر ارتفاع داشت و در  
واقع پلا تفورم مجسمه های و هیکل های بودا  
را تشکیل میداد، در چریان حفاری باقیای  
آن با خشت های که از یکنوع گل سبز قالب  
شده بود، ملا حلته شد.

عرض دیوار های اویی یا در اصطلاح  
محوطه اساسی معبد تقریباً ۱۰۸ سا نتی  
متر بوده و عرض عمومی دیوار اول بادیوار  
داشت که در هر گز دارای یک ستو په و

مرا عات شده چنانچه تکریه های ایندوره  
تشا ندهنده قرن چهارم و پنجم است یعنی  
ادامه حکمرانی کو شا نی ها از قرن دوم  
تا قرن پنجم تحت سلطه اسودیواها  
تریتیات مو ها چهره رنگا میزی وجود  
جین و برق های لباس و انا تو می از نظر  
تیپو لو جی با مجسمه های قرن هفتم و نیمه  
اول قرن ششم فند قستان مقاوم شده  
میتواند مجسمه که شاید سر بودا سواباشد  
واز مغاره (جی) بامیان قبل از چنگ عمومن  
دوم بدست آمده میتوان همدید آثار قرن  
هشتم تپه سردار و فند قستان داشت.  
... به تأسی از شرح مطا لبی گذشته که

## معروفی دو معبد کوچک بودایی قرن پنجم و اول قرن ششم تپه شتر و هد

شده از مجسمه های قرن ینجم و ششم و  
بعید تر از آن، از ساحات مر بو ط به قرن  
که در آن متررات و قواعد هنری یونانی  
انحطاط هنری هد و آثار فند قستان و تپه  
سردار یاد آور شدیم در این بخش از یک  
طرف که انا تو می منتو و رنگا میزی یا (پولی  
کروم) و همچنان (اوسترا تو پی) مجسمه  
های بعدی گندهارا را بصورت مختصر مورد  
بحث قرار میدهیم، از سوی دیگر لازم  
است تا سا ختمان های مقدس و روا قبای  
که در آن صحنه های حیات بودا وایکو نو-  
گرافی و باسته به طریقه های بودایی  
نقش بسته است با تفتری داشت مطا لفاساخته-  
تی این نوع ها بد طرز تشكیل و مواد مورد  
مذاقه قرار میدهیم.

سده اول قرن ینجم و اوآخر قرن چهارم  
قسمیکه قبلاً هم هنری شدیم یکدورة  
انحطاط هنری در سبک و شیوه هنر گندهارا  
بنابراین نفوذ سیاسی و اجتماعی یفتلی ها و  
کویتاه هانغیری ایونمایکردد این تغیرات البته  
دروضع ایکونوگرافی نه، بلکه در تشكیل انا تو می  
مجسمه های، مواد، رنگ و (اوستراتوبی) هنر  
مجسمه سازی گنده هارا است همچنان بـ  
همان پیمانه که در وضع ظاهری و انا تو می  
مجسمه های توان با مواد آن تغیر ای رو نمایم  
میگردد در ساختمان های این دوره نیز قابل  
تحقیق و بررسی است.

همانطور یکه در معابد قرن ششم و عتمت  
شمال و جنوب غرب کا بل چون فند قستان  
تپه سردار، سکندری تپه گردیز و معا بد  
متروک و غیره ساحات، ساختمان  
های مشا هده میشود که، ارتباط به ساختمان  
های قبلی بصورت کلی تک فته، حتی شباهت  
های سا ختمانی نیز با هم نمیرساند ولی  
آنچه هر بوط به یکدورة تاریخی و زمان مشخص  
اند بصورت گلیکه هر یاک قطاع هنر معماری  
و هنر مجسمه سازی آمده میتواند، میلا  
طوریکه در مطا لب گذشته تذکر دادیم که  
در معبد بودایی فند قستان قرن شش الی  
هفت میلادی در حین حریفات معا بدی وجود  
داشت که در هر گز دارای یک ستو په و

مجسمه ایستاده بوداستوا هر بوط بیکن از  
ستوپه های تپه شتر هد.



بود ذیرا پارامتر های در یا ثابت اند . اما بروزه مشترک اتحاد شوروی و امریکا مشکل در آنست که جریان در سواحل مایع مانند خود بطور کثیف پیچ و خم می شود .

(بولی موفر) که هدف سترایزیکی آن - مطالعه دنیا میک جریان او قیا نو می و تو پسیج چهت تجسم این لشنه سیستم مذکور را، لشنه آن در ایجاد دوران او قیا نوی می باهوازه ها و حلته های دودیکه از سیگار روشن شده بالا میشود مقایسه می کنیم ، مقیاس بزرگ است تحقیقات خود را در مورد طوریکه فطر حلته ها به صد هیل با لغ تحقیقات در قسمت غربی ای بعیره سار - گردیده بعد از جدا شدن از هم دیگر خود سرانه به او قیا نوی میز می کنند ، حاشیه ویستر آنها از آب گرم ، و وطه یا پرنکاه هزمان کشته های تحقیقاً تی و علمی اتحاد شوروی و امریکایی درین ناحیه کار می کردد ، برو گرام تحقیقاً تو نو آوری های دلجهیی را ایجاد کرد . اداره کننده سالانه از گلو للمتریم (جریان مایع گرم) تا پنج حلته اکadem علوم او کراین اکا دهیک استوریت اکادمی علوم او کراین اکا دهیک از رنگ ها نوع دیگری گرداب های که قطر شان تا پنجصد کیلو متر می رسند وجود دارند که منشاء آنها هنوز معلوم است .

تحقیقات نشان میدهد که در اعماق چنین مخروط ها آب سرد است . این کتل های بزرگ آب به قاعده خاصی حرکت نموده کنندی سلول ها (سوداخ ها) قیاس شود پس هر مسلول عبارت از تشکیل گرداب است که بوریس نیلیا بیان می کند :

- درین ناحیه در اعماق او قیا نوی گرداب های را کشف کرده اند که عیناً مثل سیکلو بید واتی میکلو بید در اقومو - سفیر است . اگر ساچه تحقیقات بشکل کنندی سلول ها (سوداخ ها) قیاس شود پس رادیو تیب مذکور جهت دادن معلوم مات به زمین باید فیله را خوبیاره دور بد دد این هر کدام دارای خصوصیات مربوط بخود القیم گره زمین را تعیین می کند سرعت آنها در یکشنبه روز چهار کیلو متر و بعضاً تا ده کیلو متر می رسد ..

از کا ندید علوم فریاد و منما تیک گک کرا تا یوف پرسان کردم : از دناد سرعت عن بوط به چیست ؟

- احتمال دارد که هر بوط دینا میک داخلی آن باشد ، و قیکه ارزی حرکت دورانی به ارزی حرکت انتقالی تبدیل میشود . اما به کدام اساس ؟ این سوال را کارا - تایوف از خود پرسیده لحظه سکوت اختیار کرده و دو باره ادعا میدهد : اما باید آنها را در جو کات ریاضی امتحان کرد . واضح است که گرداب ها نعمتیاند مجرماً مطالعه

شوند ، و اینجا یکی با دیگر عمل عتفا بل دارند که در نتیجه به الحال یکی و تقویه دیگری منجر میشود . جهت تغییر مکان آنها نایت نیست . ممکن است که جهت تغییر مکان بروفسور میشیک به تقلب و افسوس چنین حرکات انتقالی و دورانی آنها با هم متمایز اند . اقطار هر کدام از آنها از یکصد و بیست تا پنجصد کیلو متر می رسد .

امريکا یکی ها به آنها چنین تعریف

مستعاری داده اند : باغ و حش حیوانات درنده . هر یک از گرداب ها به اسم خاص مسما است . هنلا «بیک بیبی» که دارای ارزی بالا تر از عظیم ترین استثنی های بر قی جهان است .

منشاء بیدا یعنی گرداب ها چیست ؟ بعضی از آنها جریان مایع گرم گولفستریم) را تو لید می کند . جریان فرار غشانی بعزمی است که بین می بینند اکثر د رابحار کتل علیمی نبا تی را با خدا می تراویدیکنند . هوج تحقیقاتی با سرعت انتشار بلکه میستم مجزاء سیلاب ها یست که حر کت آنها غیر منظم و مغلق است . جریان سیلاب ها کمیت بزرگ ارزی را که در اقلیم حیات در اوقیانوس و بحر یمنی تائیر می کند با خود دارند . به این ترتیب بطور عادی صورت می گرفت شده بین ساد

مفقود شدن در ساچه مقنا طیپی جو نقصه های زیاد دیگری در مورد «مثلث» در اطهارات و تخیلات ایجاد شده است . تو جه کنید افسانه های عیو ما وججه مشترک دارند: یا آنها معمولاً دارای مشاهدین مجہول و بی نام اند و یا قصداً اثرات را از بین می برند .

منابع خبری خارجی اطلاع دادند که اقسام مصنوعی هوا شناسی در فضای میان ابراز می کرد از دادن اشارات و معلوم مات امتناع وزیدند کلمات عالم مشهور امریکا تو ترجمه شده است . «ما با قوه سر کار داریم که قوه معادل آنرا نمیتوان محا به کرد . و آن قوی تر از ماست ».

- واقعاً ارتقا طات قطعه هیئتاماً قطع رابطه هر بوط به قوه سار آمیز بود . علت آن بود که هر کز زمینی با اقسام مصنوعی در ارتباط بودند .

- یکی در الاسکا و دیگری در جزیره او لویس . اقسام مصنوعی مذکور و قیکه به جزء نزدیک میشوند «کیست» دادیسو - تیپ مشاهداتی هوابی به آخر می رسد . رادیو تیب مذکور جهت دادن معلوم مات به زمین باید فیله را خوبیاره دور بد دد این هر کدام دارای خصوصیات مربوط بخود

یک تصویر طنزآمیز از احداث فورفتن کشتی ها و طیارات در مثلث برمودا

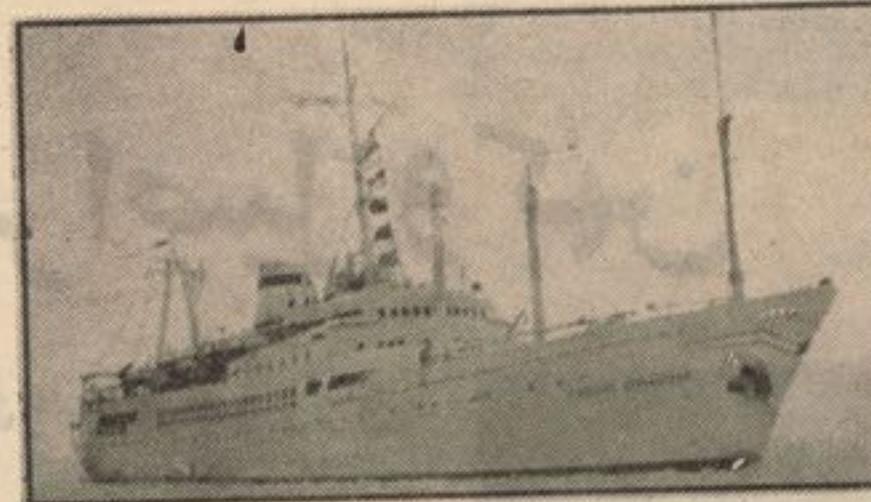
واقعیت امر چنین بود : مرکز ساچل بطور عادی اشاره خطی کرد «خط برومگ متوجه می است باید کنم کرد ». کشتی که در ناچیه خطی رسید کنم کرد توانست کشتی در او قیا نوی پر ملاطم غرق گردید این حقیقت در اسناد خاکا ظلت ساچل اصلع متحده امریکا درج است . قابل تذکر است و قیکه عابا اسناد ناچیه هاشم خا ظلت ساحلی امریکا و قیکه داد امور نجاتی در مثلث برمودا آشنا شدیم خلی متعجب گردیدیم .

کشتی را نی و برواز طیارات درین ناحیه با درآمد قیاد و عوارض کم مشهور است نادر است که سالانه یکصد و بیجاه هزار مسافر های بعزمی نشود . تقریباً باید هزار اشارات رادیویی از این نفوذ نداد کنم می طلب و کنم قاعدتاً عطا بقیه وقت می رسد . نمایندگی بیمه کشتی را نی لنند «للو تید» با دلجهیی از اهور بر رسمی می نماید . زیرا برداخت به عوارض وارد از حق بیمه تعاظز نمی کند . نمایندگی هواپی اضلاع متحده امریکا اعلان کرد که در ده سال اخیر درین ناحیه حتی یک طیاره هم مفقود شده .

منابع خبری خارجی اطلاع دادند که طیاره مسافر بردار کمپنی «استیران - آیرلینز» برای پازده دقیقه از بوده رادار کنترلی مفقود شد و وقتیکه به هوقیقت در میانی به زمین نشست معلوم شد که از کدام طرف نمایان شده است . طوریکه معلوم شد تمام ساعات دستی یکصد و بیست و عفت فرعمله و مسا فرین بینا می سه از وقت میدان هوایی ده دقیقه عقب ماند و بود . سرمهتمظم به بیلوت گفت : «رفقاً، مثلیکه مادر جریان ده دقیقه وجود نداشتیم »

چنین واقعه ای در اسناد هرا بی ملکی واسیلی شو لیکن که در ناحیه آرکتیک (قطب شمال) تحت الصوت را کشف و آزاد

یک از هنای بیعنی که باید این حادثه را لب جواب اکادمیک شولیکن قاطع نه و نیتواند باشد . با ازدیاد سرعت خبر تگا وان امریکا بی کو شیدند که حد اقل شاهد چنین حادثه غیر احتمالی و یا اشتراک گننده ای رادر یابند هگر هیسر نشد گرد باد ایجاد شده به مرا قیاده از حادثه حتی و قیکه یا اعتماد جمعی از کار کنان کمپنی «استیران - آیرلینز» در باره موضوع کمک خواسته آنها جواب دادند : «در صورت که واقعاً چنین حادثه رخ میداد . ممکن بود از آن همه با خبر میشد ». بهاین اساس نتیجه چنین میشود :



کشتی تحقیقاتی دریبرامون واقعات مثلث برمودا

همکار علمی ت . نورینه که در گروپ هو شنا سان کار می کرد گفت :

- بعیره سر گامی (سر گام - نیمات

غشانی بعزمی است که بین می بینند اکثر مفروض عبارت از هر یکی ها به این نوی نبود بلکه میستم مجزاء سیلاب ها یست که حر کت آنها غیر منظم و مغلق است . جریان سیلاب ها کمیت بزرگ ارزی را که در اقلیم حیات در اوقیانوس و بحر یمنی تائیر می کند با خود دارند . به این ترتیب اگر جریان یعنی گرداب های معمولی در خشکه بطور عادی صورت می گرفت شده بین ساد

بقدیدر صفحه ۵۷



میامده است که (هومر) شاعر نابینای یونانی در اثر معروف خود (ایلیاد) بانیزه های فلزی صورت میگیرد و یاهنر نمایی باطناب های عادی ازین مانند است که تاهنوز هم شکل هایی از آن یاد میکند.

سرکس معاصر که گونه گونه از آن رادر دهات کشور ما میتوان هنر های اکروباتیک آن باستفاده از دید - بازی ها و هنر نمایی ها بی که در اعیاد ملی اجرای جشن ها و روز های میاید نخستین بار در فرانسه کشور میاید گروهی از افراد اعیاد نخستین بار در فرانسه وجود گذاشت و دوران شگو قای خودرا بعد از انقلاب اکتوبر در سوریه بیمود.

\*\*\*

هیئت بیست و نه نفری سرکس کشوار دوست شوروی که اخیرا در اثر موافقت نامه فرهنگی و کلتوری بینان دو کشور به کابل مسافت ترد سلسله نمایشات جا لتبی را در کابل نتداری به اجرا آورده است که بیننده فراوان داشت و با استقبال گرم و صمیمانه تماشا گران رو برو گردید.

این سلسله نمایشات که شامل بارجه های اکروبات میگردید و در ده بخش جداگانه به اجرا میا مدار نظر محتوى و فورم اجرا تاز گی هایی داشت که برای تماشا گر ما جالب می نمود.

در این هنر ها که نرمشن اندام و حرکات سریع بدنه و توازن و ایجاد هم آهنتگی در اعضای بدنه و سرعت انتقال ذهنی ارزش فراوان در بیروزی اجرا گشته دارد تا هنوز هم میتوان نمایه های ز تده از شکل های ابتدایی آن را که صرفا به منظور فایق آمدن به دشمن ابتکار شده است



اکروبات و جمناستیک

## یک هنر اصیل و کهن

\*\*\*

### دو کمدی دین کشود دوست شوردی

### در نقش چیچو و فرانکو

\*\*\*

### سر کس پر بینندگان ترین نمایش

### خارجی سال در کابل



بازی ها و ورزش های اکروباتیک های خاص آن مورد توجه فراوان در شکل های گونه گون خود از دوران قرار میگرفت.

های کهن در میان مردم ما رواج ایجاد گروه های هنری سرکس داشته است.

آریایی های قدیم شاید نخستین جهت فرامه آوری سرگرمی نیز

قویی بودند که به ارزش حرکات تاریخی دور دارد و یاد گار هایی که

جمناستیک در تقویت نیروی بد نی در نقشها و سنگ نیشته های ازمنه و استفاده از آن در جنگها ی تن به دور بما مانده است موجودیت آن را

تن و پیروزی به دشمن پی بردن و به در دوران فراعنه مصر مولید میگرداند همین سبب در جشن های ملی و همچنان نمایشاتی از مانند هنر های

مراسم خاصی که بر گزار میگردید اکروبات و جمناستیک در استدیو اجرای این گونه نمایشات و شطرارت های ورزشی یونان باستان به اجرا

خود دوام مید هند و آیا آنها در  
زمینه کار خود دارای تحصیلات  
اختصاصی هم میباشند یا خیر  
گفت :

- در جمهوریت های اتحادشوری  
تعداد فراوانی از موسسات تربیتی  
برای امور جمناستیک، اکروبات و  
سرکس وجود دارد که سالانه  
هزاران تن محصل در آن به آموزش  
صراف میباشند، هم چنانکنون  
تعداد هشت هزار اکروبات باز ما  
ماهرو ورزیده در سراسر جهان همیز  
اشتراکی شوروی صرف ایفا  
خدمت در تماشا خانه ها میباشند  
که تعداد شان روز افزون است .  
رئیس هیئت سرکس کشور  
دوست شوروی در آخر این گفت  
وشنود فشرده گفت :

- از فرستی که برای معرفی شدن  
با هنرمندان کشور شما برا یم  
میسر گردید خوشوقتم و امیدوارم  
این آخرین سفرم به کشورزیبای  
شما نباشد و بعد از این زمینه های  
مساعد دیگری هم برای رفت و آمد  
گروپ های هنری فراهم آید که  
یقیناً چنانی میشود و هنرمندان  
دوکشور دوست و همسایه از تجارت  
ملکی و هنری همدیگر استفاده های  
بیشتر خواهندبرد .  
هیئت هنری شوروی بیش از  
سی نمایش را در کابل به اجرآورد.  
مندان اکروبات به فعالیت هنری

محتوی و تکنیک اجرا هم کوشش می  
گردد .

دریک گفت و شنود کوتاه و فشرده  
که با «لیری گلور من» رئیس این  
هیئت هنری به عمل آمد و در پاسخ  
به این پرسش که اعضای این گروپ  
بیش از این هم به کشور ما سفر  
کرده اند، یاخیر ؟

میگوید :

- از شمار بیست و نه نفر میز  
هنر پیشه اکروبات باری پس از  
پیروزی انقلاب شکو همند تور نیز  
به افغانستان یک سفر هنری داشته  
واز این دیدار دوستانه کشور  
شما خاطرات جالب و فرا موش  
نشد تی دارند و در جواب سوال  
دیگری در همین زمینه میگوید که  
اعضای سرکس از مدت ها در

آرزوی این بودند که دیداری از  
افغانستان انقلابی داشته باشند  
و اکنون که خود را در برابر مردم  
شجاع این سر زمین میباشند هنر  
شناسان افغان قرار گرفته است  
احساس شادمانی و مسر تدارند.  
ولیری گلوزمن ضمن اینکه از  
مهجان نوازی مقامات هنری کشور  
ما ابراز خرسندی و شکران گرد در  
پاسخ به این سوال که در کشور  
شوروی در حال حاضر چه تعداد هنر  
مندان اکروبات به فعالیت هنری



هنر پیشه گان که همه آنها دارای  
تحصیلات اختصاصی در موسسات  
هنری میباشند هر یک در بخش  
های هنری که به اجرا میباشد دندار  
چنان کارداری و مهار تی بر خوردار  
بودند که موجب اعجاز بیننده در هر  
قسمت میشد و تماشا گران در پایان  
هر قسمت نمایش بیتابانه تکرار  
آن را خواهش داشتند .

(خویندی ایگر یوه) و (وایسلی  
گزمن) دوتن از هنرمندان این گروه  
که حرکات و بازی های جالب اکرو -  
باتیک خود را دریک تخت روان گردانده  
به اجرا میاوردند از چنان نرمش  
بدنی برخور دار بودند که انگار  
بدن شان از گوشت خالی ساخته  
شده و فاقه استخوان است همچنان  
بازی های (جمناستیک هوایی) و بازی  
های حلقوی جمناستیکی بخشش های  
دیگر این نمایش را می ساختند که  
به وسیله (الکزاندر) و (ولادیمیر  
گورووی) و (بالاگینی) به اجرا

- نکته جالب دربارچه های کمیدی  
نمایش سرکس این بود که دو تن  
کمیدین با تقلید از آرایش (چیچو)  
نمایش بخشش های فولکلوریک نیز  
و (فرانکو) مک اپ شده بودند و در



چهره های تازه و امیدبخش دیگر  
در زمینه طراحی پوستر سازی  
اینها اند: سمیع سلیم، سید فاروق  
فریاد، طارق مرزبان، شیخ محمد-  
ترابی، تمیم رها، همایون کریمپور،  
مکمل رویا، روحانی و... که هر کدام  
آثاری خلق کرده اند و امکانات زیبا-  
دی در پیش رو دارند.

در مورد اشعاع و ترویج پوسترد  
میهن ما ذکر چند نقطه عظیمی مقد-

ماتی را لازم میدانیم:

نخست آنکه پوستر در جا معه  
ما پدیده است، کاملاً تازه و مدرن  
تاریخ و فرهنگ ما اینجا شنیده از کلمات  
است و بیشتر از همه شعر است. در  
فرهنگ ما تصویر کمتر دیده میشود.  
ما از طریق کلمات و خواهند  
کتب تاریخی و مجموعه های شعری از  
تاریخ گذشته خود آگاهی حاصل  
میکنیم. (ما از چهره قهر ما نان  
بیشمار خود تصویر یاری درست و مستند  
نداریم. ما چهره خلق خود ما نرا،  
فضای زندگی او را نمی شناسیم،  
چرا که تصویر یاری از گذشته نداریم...  
با یک عکس خیلی چیز ها ثبت و خبط  
میشود، از معمای ری محیط گرفته تا  
طراحی لباس، تا آرایش تامیزان-  
فقر، تا شیوه زندگی، تا شکل  
وسایل، تاطر ز نگاه، تا آنکه بتوانیم  
گذشته را خوب ببینیم. بدون حدس  
زدن و بدون حاشیه رفت و بند و ن  
انحراف آنرا بهتر از زیبا بی کنیم.  
عکس (همچنان نقاشی، طراحتی  
پوستر) واقعیت را نشان میدهد.  
تصویر نگاه را تازه و ای درست و  
دقیق دیدن، هدایت میکند. تصویر  
تاریخی روشناست. سندی زنده  
است زیانی بازو بدون اشاره  
است، و تا ریخ ما چنین روشنا بی با  
چنین استنادی کم داشته است)  
نکته دوم، کمبود تعلیم و آموزش  
نقاشی، طراحتی و بخصوص صفتان  
بروکش ذوق و احساس من زیبا بی  
انسانی در معا رفقوتاً بین بودن  
سطح درک و در یافت هنری در  
جامعه میباشد. نقاشی در معارف  
 بصورت کلیشه بی وجود دارد. شاید  
گرد مکتبی مادر جریان نه سوال  
آموختن نقاشی در صنف از کا بی  
کردن آفتابه و گیلان و جک آب پا  
فرا تر نمیگذاشد، احیاناً گا هم  
(رسم آزاد) میگشند. تازه همین در  
اقل هم از صنف نه بالاتر نمیرودونا-  
گهان تدریس آن قطعه میشود.  
در اینجا با یاد تصریح نمود که

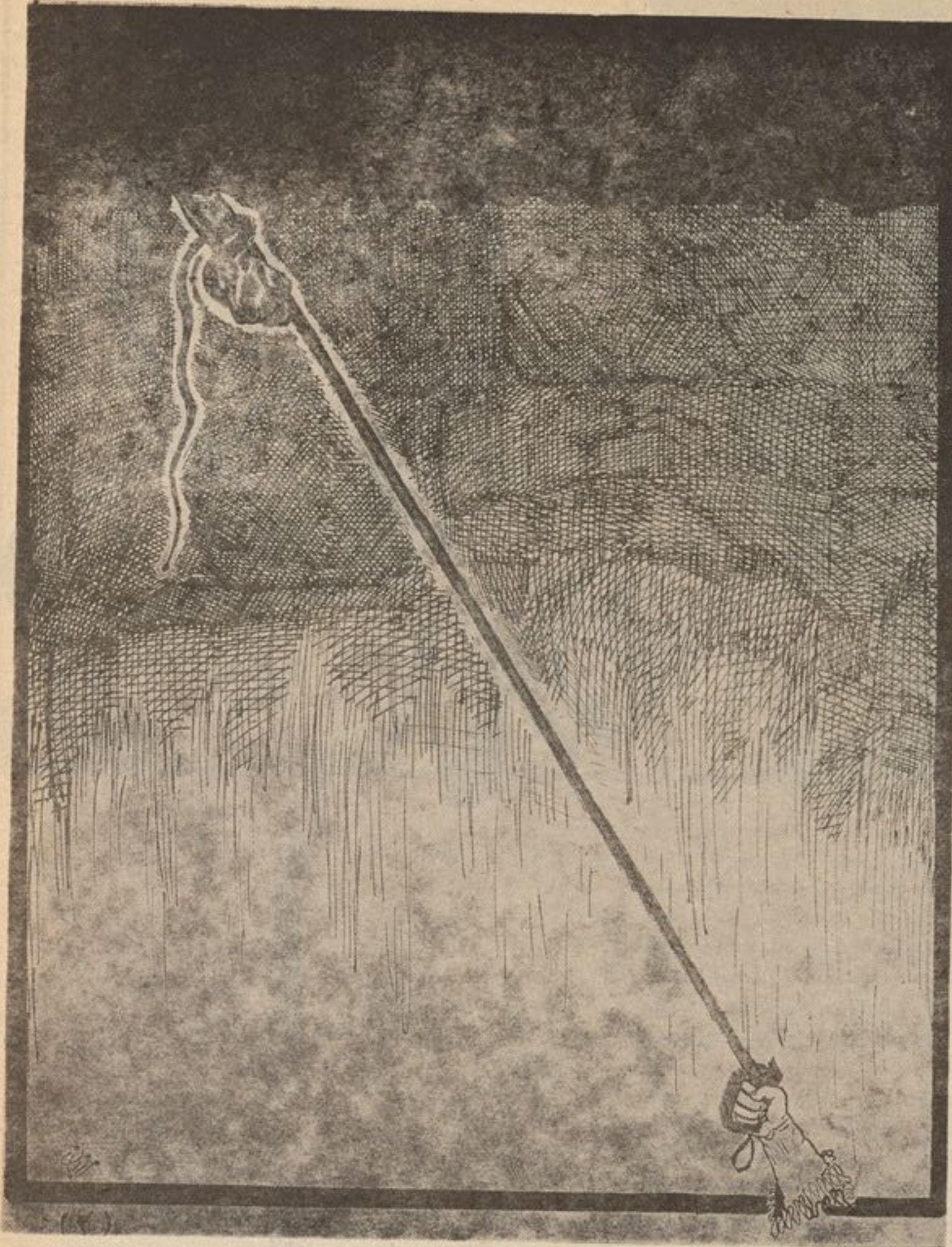


پوسترهای شماره (۱)

سیاوش

## پوسترهای جامعه

در کشور ما پوستر پدیده ایست این وسیله جدید از تباطط جمعی  
که ملاقاته وجودی دارد. در سالهای اخیر (رسانه گروهی) صورت گرفته که  
کوششها بی در زمینه ایجاد و رونق در شمار بیش قدمان آن از اسرائیل



فراتر از کا بی چند شی بیجان لازم  
است تا مضمون نقاشی، با آمو زش  
رموز، فنون تکنیک و کیفیت هنر نقا-  
شی همراه و همکام باشد. بخصوص  
باید به شا گردان زیبا بی شنا سی  
آمو خت، تا در بزرگی از زیبا بی  
هنری و تما شای آثار دلپذیروارز-  
نده هنری لذت ببرند.  
در گنار کار عملی شاگرد باید پروژه

و تنظیف دوق واحسما س زیبا بی  
شناسی وزبیا برستی نیز دست یابد.  
باید شا گردان را به «سینه هنری» برد  
و حین تما شای آثار هنری و آبدات  
تاریخی و آثار هنری جدید، برای شبان  
معلو مات همه جا بنه تقدیم نمود.  
مشلا وقتی وارد موزیم کا بیل  
میشویم و شا گردان معارف را به  
آثار بو دا بی فرا میخوانیم، باید در  
اطراف آثار تاریخی و هنری مذکور به  
تفصیل صحبت نماییم.

مثلثا شا گرد باید بدند که  
آثار مذکور در چه زمانی، با چه  
وسایلی و چگونه خلق شده اند،  
زیبایی و لطف هنری این آثار در کجاست  
آیا این آثار تقلیدی از طبیعت و آدمهای  
زمان خود است و یا هنرین از  
خود نیز چیزی بر آن افزوده است.  
آیا آثار مذکور هنعالی و متکا مل اند و یا  
چطور تعلی و درخشندگی آن در  
چه چیزی نهفته است؟ .... اینها  
مسما یلی اند که باید نزد شاگردان  
حل و روشن شود، در این مورد وظیفه  
معلم نقاشی است تا به برستهای  
فوق و امثال آن به زبان ساده و قابل فهم  
برای شا گردان (اعم از اطفال، نو-  
جوانان و جوانان) پاسخ بدهد.  
در اینجا یک ضرورت مهم آشکار  
میشود و آن اینکه یو سترساز، طراح  
ونقاشی ما باید کمبود آمو زش مکتب  
رانیز چیزی کند. ضمن کارهای  
ایجادی و آفرینشی هنری به آمو زش  
نیز پرداخته و نقش معلم را ایفا  
کند.

متعالی و دقیق گرا فیک (بر ستر، یک بوسټر خوب) حتماً نقشها و وجود  
پرداخته میشود. دوق حفیر تجاری،  
حتی خالی از زیبا بی ظاهری، یک نوع  
مفید و موثر است. این کار برای  
متکا زی سطحی و بی ذکر که از کچ  
مبارزه علیه بدانم زی نیز خالی از گذشته از قبیل نقشها معما ری،  
آنده یعنی وتخیل بیمار گونه، مایه  
نمایشی کاشی سازی، نقوش ظروف  
مفاد نیست.

هر چند یو ستر یدیده ایست غربی ووسایل وابزار، نقاشیهای خط ما  
میگیرد. اینها از تأثیر منفی این  
ولی برای اشاعه ورونق آن در عین نیز باید از اصل انتها گذشته  
برای جلو گیری از تأثیر منفی این  
نوع یو ستر هارا همای مختلف وجود  
ماباید دید و طنی و شرقی داشت، ملهم باشد تا بد یکنون نه ماند گاری  
دارد. مثلاً تحریر مورود و اشاعه آنها  
میتوان تکنیک را از دیگران آموخت و موثریت یو ستر تأمین گردد. این اصل-  
یا ارائه نموده های خوب و ارزشی  
ایجاد یو ستر خوب باید از مشتوانه میگند بلکه میتوانند به آن ارجش  
و.... برای بروز شذوق و سلیقه و  
فرهنگی و هنری بر خوردار بود. در لطفاً ورق بزنید  
توانایی درک زیبا بی، نمایش آثار

نکته دیگر مبارزه علیه بدانم زی  
است. تو پسیح آنکه در زمینه یو ستر  
سازی و طراحتی تالیر دوق و سلیقه  
یو سترهای تجاری و سینمایی کشور  
های دور و نزد یک را تنبیه نماید  
گرفت. بخصوص یو ستر های  
فوتو مو نتازهای سینمایی بازاری و  
مبتدل پاکستان، هندوستان و ایران  
این نوع یو ستر ها در سطح نازل هنری  
قرار داشته از ذوق قیاوسیله های  
بدوی ورشد نگرده متأثر است و  
بیشتر برای ارضاء ذوق قیاوسیله های

یکی از باب و دیگری دهقان. شلاق  
بدست از باب است و ای دهقان در  
حال گر فتن آن. دست دهقان این  
حالت را بخوبی نمایان میسا زد.  
بد ینکو نه قد رتد هر حال انتقال  
است، دهقان با دست خود ارباب را  
خیل قدر نموده و خود بر اریکه  
حکومت وجا معه داری تکیمه میزند.  
طرح شماره (۲) یک شلاق در  
دو دست، دستی از بالا از یک زمینه  
تیره تار بیرون شده و انجام شلاق  
را محکم پیچیده است. دستی دیگر  
از پائین در یک زمینه روشن دسته  
شلاق را گرفته است. بد ینکو نه  
در این طرح شب بد هفغان نعلی دارد  
رشلاق به از باب. دهقان ارتیله گی  
کدشته از شب نظام از باب سالاری  
میاید، ارباب به اتكاء نظام و سازمان  
اجتماعی خود در یک زمینه را حست  
می زید. اما داشته های هر دو  
(از باب و دهقان) در حال معاوضه  
است. دهقان از شب می آید، شلاق  
را از دست ارباب بیرون میکشد و او  
رابه تار یکی میکشدند از باب در حال  
از دست دادن شلاق «قدرت» و دریا  
فت شب است، شبی که او برای  
دهقان ساخته بود.

طرح شماره (۳) - این طرح به  
حیث پوسته نمایش قبول و چاپ  
شد. ولی متأسفانه فقط چند نسخه  
محدود آن در شهر کابل پخشش  
شد. در این پوسته دو چهره مسی

بینیم، یکی از باب و دیگری دهقان.  
در خطوط چهره از باب همه چیز به  
خوبی خواهد میشود. دو گانگی  
حال و موقعیت او آشکار است، در  
اولین نگاه نوعی خشنوت و تحکم به  
ملحظه میرسد. ولی وقتی دقیق

میشویم می بینیم که رگه های  
چندی از خوف و هراس با خطوط ط  
خشنونت و تحکم باخت خورد ده  
است. این دو گانگی حالت و خطوط

چهره مو قف دیروزی و مو قعیت  
امروزی از باب را با لطف هنری  
خاصی ترسیم مینماید. از باب هنوز  
هم شلاق را از دست نداشته ولی  
دیگر قادر نیست آنرا بکار بیاندازد.  
زیرا شلاق چون تناب دار بدور گردد  
میشود.

طرح شماره (۱) دو دست می  
بینیم و یک شلاق. دو انسان مقابل  
هم قرار دارند. یکی شلاق بدست  
باشکم بیرون زده ولی اس فاخر و

شلاق اثری است محیطی و متفرقی. در

رابطه با نمایش سه طرح جالب  
از مرز بان، داشتیم، سه طرح در یک  
زمینه واحد ولی با سه شکل مختلف  
این سه طرح بخاطر همها هنگی شان  
با محتوى نمایشنامه قابل تأمل  
است.

شب و شلاق بیان نمایشی و تیا  
تری می رزد میان دو طبقه عمده  
ومتخاصه جامعه ما است. می رزد  
میان از باب و دهقان و در نهایت پیر-  
وزی دهقان بر از باب،  
از باب میرود. و دهقان  
میاید. ارباب می افتد و دهقان استوار  
می ایستد.

حال ببینیم این حقیقت در طرحها  
با پوسته های نمایشی چگونه

جهانی بیخدش. در کلیه موارد هنری تیاتر عقیده دارد که: نمایش تیا تر  
همینطور است زیرا همین زیشه اساسا با الشاعه پوستر آن آغاز می  
های استوار و عمیق خودی است که شود. پوسته تیا تری سینما یی و با  
تนาوری و بار آوری آنرا تضمین نموده  
یک نمایشگاه نقاشی نسبت به یک  
پوسته بودن آنرا مسجل میسا زد.  
پوسته لحظات کذرا را ثبت میکند.  
غیره خصوصی تر است اند کی پیچیده دست گوشت آلد و فر به. دیگری  
مثلای یک شعار را، یک پیغام را، یک  
تراست و بار هنری آن سنگینتر.  
در خواست را، یک دعوت را یک  
نمایش را...  
پوسته سازی در مورد پوسته داشتیم بنام «شب و شلاق». شب و در رو و مقابل هم قرار گرفته اند،  
دنش حلقه بسته است.



زغورونکو په لویشتلویشت کې بى د  
خپلوا کى سېيخلى مبارزه تىوده  
وساتله .

ترەھقە لې مۇدە ورو سىتە چىـ  
زمۇر لە غۇنى او وياپارلى هيپاد دـ  
شىپا نىا نو، گور گا نىا نو اوصفوـ  
يانو داستعمارى امپرا طور يو ترـ  
مېنخ وو يېشل شو او دىزىار اىستـ  
نکو پر گتو بى كچە زېبىنماڭ اوـ  
استئمار جارى وسا تل شو زمۇرـ  
زيار اىستو نكى خىلکو دېپىررو بىمانـ  
بەمشىتابە بىز گرى لوى غور خنگـ  
بىل كىراو دەنخىپو، بېرىپەدانقلابىـ  
غورخنگونو په خىر بى دەملە زغورـ  
نەدە خلاصون دخۇنرى مبا رىزى دەـ  
تەورو دانگل او خېل ھود جى سىرـ  
نەبى د آزادى بە پەگەر كى وېتىنە لـ  
داھم بايدۇو يەلىشىچى دېبىمنانوروـ  
بىمانى غور خنگ دەتكو لواد تىس ئىسـ

كولو پە غرض لەتىلۇ ما دى او معنۇيـ  
وسا يەلۇ خەخە كاروا خىست او بـ  
دى لې كى بى د خپلوا تا لى خەتىو لەـ  
سېيدىلىلى تر مزى او اخوند درويزەـ  
تەھم كىھ وا خىستىلە درو بىـ  
انقلابى او خلاندە غور خنگ تەرخىـ  
كىدو ورو سىتە زمۇر دېتەنۇ خىلـ  
زغورندى مبارزى يايىتىت وەونداولەـ  
بىنکىلاك گرو غېتىلۇ دو لەن تو نوسەرـ  
بى دغىرى ووھلى چى دخۇشالخانـ  
ايەلخان او درىا خان سەتىنـ  
زمۇر لە پارە تارىخى وياپار و نە راپەـ  
برخە كۈلـ

ەمدا شان دىگور گىن او دەھقە دـ  
تالا نکرو لېنکىرو اوصفوى استئمارىـ  
امپرا طورى دار تجا عى چال چىـ  
پرەندە زمۇر سەتىنۇ نكى خىلـ  
دەميرە يەن نىكە تر مشرى لاندى دـ  
خپلواكى زغور نەجىدە ورپولە اوـ  
دېبىمنانو تەھى دخۇ لە ماتو نكـ  
گوزارو نو پەور كو لو سەرخىلەـ  
خاوارە ورۇغۇر لەـ

نۇدۇپا

# د خلاصون او آزادى

## غۇرخەنگ

دەھيپاد بېنکىلەلۇ پەغىرض بى تېرىپوـ

لاسپورى كې خۇ دەپىر و تەقا تو بـ  
وركى لو سەرە سەرە بى ونسواى كـ

ستگرـ

لائى چى دا غېر تى خاوارە تى تېرىـ

**بۇرى بېنکىلەلۇ**

سېكىندر د خپلوا خۇ نخورۇوا گـ

شەمير لېنکىرو بـ لاس زمۇر وطن دىـ

زمۇر وياپارلى هيپاد داد سەتسەـ  
حەمە سو او وياپار نو زا نكى دەسـبە گو گل كى دېۋە زوندى زېھ بـ  
خېر دى چى تىلى بى دەسىمىپ بـلرغۇ تو قازارىخى بېبىشۇ، نە هېر يەـ  
ونكى پاخۇ نو نو او انقلابى غورـ

خنگلۇ نو كى لوپە ونەپە در لود لـ

دەـ

نەك او غېر ت مېرا نە او پىـ  
سەرىپەندە او لە خانە تېرىدە دـدى وياپار جەن هيپاد دەنگىيا لىپا پەتىا لىپـ  
اوپەر آزا دى مېنۇ بېچىا نو يەختە كىـاخېنلە شۇي او دەتارىخى بېلاپلاپەر او نـ  
كى بى دىر غلڭىر او تالا نكـبېنکىلاك گىگەر او زېبىنلاك گرۇدۇلۇت اوـ  
تالان پەزىد دەنگۇ رون او خلاصونـ

دەنگەرە رپا نە سا تلى او سا تى بىـ

زمۇر دلر غۇنى هيپاد لە حەمە سوـ  
دەكپېپەنلىك او تارىخ دەسى شا هەـ

وركۆي چى زمۇر هيپاد يالو خنگوتلـ

تەرىلە دەنگىي كۆن كۆ او بېنکىلاك گـ

دەنگىي يە وپا نە د خېل كورا وـ

هيپاد دخپلوا كى بە لارى كى چىـ

سەتىنـ نى او قە با نى ورگەرپى اوـ

دەھر استئمارى قوت دەنگىي چىـ

بى ما تى كېيدىـ تارىخ شا هەـ

چى دەنگىي لوپەنکىلاك گـ

چى زمۇر دگران وطن افغا نستان دـ

نېپەلەنکىلەلۇ پەغىرض بى دەنگىـ

لاسرا اوپەنکىلەلۇ دى دەنگە بى داسـ

تارىخى ماتى خۇزىلى دى چى انتظارـ

بى نەدرلۇـ پەلرەغۇن وختو كىـ

چى يونا نى سېكىندرلە خپلوا فاتـ

او نە يخورۇپۇخۇ نو سەرە دخپلواپـ

لەپىسى بېرپا لىپا بو نولە نىشى مەستـ

دەنگىي يەپەرەخە بېنکىلە كېـ

بە ۱۲۲۰ م كى چى دېشىرىـ

خلاندە تمدن لە دېبىمنە تەمۈچىن چەنگىزـ

لە خېل سەر يخۇرۇ او تمدن ورائـ

ونكى لېنکىرو سەرە زمۇر دەھيپادـ

ورانلۇ او توقى توقى كولو بـ

غۇرض پەوحشىما نە تېرى يو لاسپورىـ

كىر، لوى بىشارو نە بى پە كەنپۇلۇـ

بەدل كۈلـ لە سەرە نوخەخە بى خەلىـ

و درول اووپىنۇ ويا لى بى وېپەرلىـ

مەگر تېرى كۆن نكى چەنگىز يـا نو لەـ

خېل تو لوھىۋا ئەعما لە سەرەـ

سەرە ونشوای كۆ لاي چى دەخەخاوارىـ

دەپەر نىپو بچىا نو ننگو نوپەك مەغىـ

اوپولا دىن تكل ايل كا مى چىـ

دەھيپاد دېباتورو زامنۇ سەرەتىنە اوـ

دېباتا هو تك دەملى چۇرۇن كار نامىـ

زمۇر دەخپلوا كۆن تو تو نكى دـ

تىسۈرى بېنکىلاك دلۇت او تا لانـ

پەزىد زمۇر دەخلى كۆن پەر گـ

دەھيپاد دەنلى شىتەنەتىنەـ

دەھيپاد دەنلى ش

# خانواده ها

## و مسایل اقتصادی

همان طوریکه این علم در مرا حل طی شده تاریخ ، نقش روشنی در امور حیاتی انسانها داشته و دراموز اجتماعی مقام وارزش والایی را کمایی نموده در بخش زنده گانی خانوا ده هائیز به گونه بی دا خل شده و خانواده هایی که توانسته اند نظم درست اقتصادی رادر فامیل برقرار سازند از حد اقل عاید مادی خویش بهترین استفاده را ببرده اند .

همین ترتیب روزانه استفاده صورت گیرد تا در جریان هر ماه ضمن سرو صورت بخشیدن وضع اقتصادی به مسایل دیگر نیز رسیده گی صورت پکید .

از آنجایی که نظم اقتصادی . خانوا ده زیر بنا و اساس روابط زندگی را شکل می بخشنند . باید در باره از مسایل دیگر تو جه بیشتر مبذول گردد چه اگر در روابط اقتصادی خانواده بی نظمی و انارشی رایج گردد به یقین امور دیگر نیز بدتر از آن مسیر خواهد داشت و در فرجم محیط فامیلی برا ی هر کدام دلزدگی بار آورده و با عنث گریز اعضا خانواده می شود .

گذشته ازین . خرچ های گزاف عروسی ها و مراسم دیگر حتی فاتحه داری در کشور ما چنان بی مورد بوده است که ضر بمنگین آن در طول سالهای عمر قویا احساس می شود و برای همیشگان تاثیرات سوء آن بر رو حیة فامیل سایه اند خته و نشانه ناآرا می های آن به چشم سردیده می شود گرچه درین باره سالهای تبلیغات صورت گرفته ولی نسبت عدم تلاش و پیکار دوامدار و نداشتن قاطعیت لازم نه تنها اثر مثبت مشهود نیست بلکه روز بروز به اشکال مختلفه دا منه آن گسترده شده واز هر را هی که می شود تشریفات و خرچ های نایجای این مراسم از میان برده شود و اگر همین طور دوام داشته باشد ، در بخش های دیگر حیات اجتماعی نیز اثر منفی داشته و برو گرا مهای اصلاحی نیز چندان موقوفیتی نخواهد داشت چنانچه تاکنون هم همین طور بوده است .

درین جا انتقاد بیشتر متوجه کسانی است که سالهای اسماگ مبارزه علیه اضافه خرچی را به سینه زده و اینجا و آنجا در باره صحبت می نمایند . ولی در عمل خواهان اضافه خرچی بوده و به خصوص در مراسم عروسی از گزاف خرچی استفاده می کنند .

پس بر تمام خانوا ده ها لازم است تا در امور زنده گانی خویش مسایل اقتصادی را از نظر دور نداشته با محاسبه و ارزیابی درست زندگی خویش را سر و صورت بخشنند .

آنچه درین بحث تذکارش ضروری می نماید . مسئله اقتصاد خانواده ها به ارتباط عاید خانوا دگی و خرچ روزمره است . اگر عاید تصاد خانوا ده نیز مختص را خانه واده گی ومصر ف شبا روزی تناسب منطقی داشته باشد از اکثر بر این هاییکه بروز نماید . باسا نی گرچه علمای اقتصاد در مورد تعریف این علم اختلاف نظر ها بی دارند درباره اهمیتش نیز چندان توافقی بهم نرسانند ولی بهترین تعریفی که میتوان از اقتصاد نمود این است !

اقتصاد علمیست که قوا نین خویش را درست بسنجدن تا اضافه

خرچی ها و اصراف بی چا شیرازه

نظم اقتصاد خانه واده را بر هم

وازین راه حساب . دخل و خرچ

نمیدهد و در مراحل مختلفه تاریخ

و در خدمت بشریت قراردادشته است .

علم اقتصاد . مانند تمام پدیده

های واقعی مرا حلی را گذشتند که ، عاید ما هانه

عملی خواهد شد که ، عاید ما هانه

در رشته های مختلفه حیات تازه

ملحوظاً باید قبل از علم اقتصاد

ایده ای داشته باشیم و در باره مسایل

دوانیده وائر گذاشته است ! یعنی خرچ ماهانه سنجش شود و به

از آنجا بی که خانواده ها در اجتماع مقام و مرتبه خاصی را حایز است هیچ مطلب پدیده یی رانمی یابیم که به صورت مستقیم وغير مستقیم با خانوا ده ها ارتباط نداشته باشد .

اقتصاد نیز از جمله همان پدیده های اجتماعی است که در صدر تمام پدیده ها قرار داشته و در زندگی تمام بشریت حیثیت زیر بنا و اساسی را داشته و بنا در امور خانوا دگی نیز تأثیرش روشن می باشد .

بنابرین لازم است تم ام خانوا ده ها ضمیمن درک کلی از اساس اقتصادی ، از اهمیت و ارزش آن آگاهی داشته باشند . روی این در رشته های مختلفه حیات تازه دوامدار و نداشتن قاطعیت لازم نه تنها اثر گذاشته است ! یعنی خرچ ماهانه سنجش شود و به



رقص و پایکوبی جالبی از سرزمین گوریای شمالی .

## نقش حساس ذن

بودن و پر بها بودن مسا عی مشتر ک  
جای شک و تردید نیست . در زن در عملیه اکشاف و پیشرفت  
خانواده همانطوریکه زنان حیثیت اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی اورا  
شمع و چرا غ خانه و خانواده را دارند متبارز تر و چشمگیر تر جلوه میدهد .  
ونسل های امروز و آینده گشور در در دوران ما که تحولات شکوف  
آغوش و دامان پر عطوفت و شفقت ایشان پرورش می یابند آنها می توانند  
یک رفیق شفیق و مهر با ن برای اطفال و یک همسر خوب و وفا دار  
براه همسر باشند . زن است که به اطفال خویش رموز دوستداشتن و  
زموز زندگی کردن را باید میدهد  
مسئولیت زن تنها و تنها مربوط آنرا حاصل نماید که درین دوران  
و منوط به چهار دیوار منزل و یا کلبه شکستن زنجیرهای بردگی زن درین  
اش تیست بلکه اثر ویل پایی او را دوران شکوفانی ، استعدادهای زنان  
در همه جادیده می توانیم از چرخ خشن  
و درین دوران قدرت نماییم این درین  
چرخ های عظیم ما شین ها گرفته  
دوران شکوفانی ، استعدادهای زنان  
تاهره از عوکارگاه های کار خانجات  
و درین دوران قدرت نماییم این درین  
صنعتی همه و همه کار مشترک زنان  
و مردان زحمتکشی ماست . این  
دو موجود که دور روی یک سکه را  
ساخته اند دوش دوش هم در صحنه  
گیرد .

های کارزار حیات مشغول نو سازی  
و خدمت به میهن عزیزان افغانستان  
انقلابی اند اینها تلاش دارند تا در  
اثر کار خلاق و انسانی انکشافات  
و تحولات چشمگیر نصیب این خطه  
گردد.

قهرمان زنان ما چون مردان این  
کشور بزرگ در طول تاریخ افتخارات  
بس عظیمی را کمایی نموده اند که  
نقش وسیم ایشان در همه امور  
زراعی و فلاحتی و یا هم دماغی و  
نوبیتی بارز و برجسته است به طور  
منال برای اینکه سطح تولید پلند برو و  
خانواده و فامیل ایشان در رفاه و  
آسایش بسر بردن بیکار گرماباید در  
دشت های داغ و سوزان قدم گذاشت  
فرار کار در دست به قلب و ما له  
هدرو و خرمن و دانه چینی و خر من  
همت گماشت و کمر خدمت به وطن  
محبوب بست . از گر ماوسر ما  
له هراسید و برای اینکه سطح تولید  
بلند برو و مردم زحمتکش و  
تعجب مادر آسایش بسر برداخوش-

بجزء اول از مقاله ای دیگر که در سال ۱۳۹۰ معرفی شد، میتوانیم محتوای مذکور را در مورد این مقاله بررسی کنیم. این مقاله درباره اینستاگرام و اینچه آن را میتوان استفاده کرد و اینچه آن را میتوان از نظر امنیتی بررسی کرد. این مقاله درباره اینستاگرام و اینچه آن را میتوان استفاده کرد و اینچه آن را میتوان از نظر امنیتی بررسی کرد.



## قهر مان اتحادشور وی ترویان نا دیز دا ویکتور و فنا

ترویان ن.و. در سال ۱۹۲۱ در  
ویرخنه - دو نیسک (دو نیسک -  
بالایی) ایالت وی نیسک جمهوری  
سوسیالیستی بلوروسیه بدنیا آمد.  
در شروع جنگ ترویان ن.و. در  
منیسک مرکز جمهوریت سو سیا  
لیستی بلوروسیه بود . مو صوف  
به گروپ پارتیزان ها بنام ((بوریه))  
بیوست . ترویان به همکاری دختران  
هم سنگرش زمینه فرار گردید  
سر بازاری را که در نزد دشمن اسیر  
بودند آماده ساخت . نامبرده در  
عملیات جنگی شجاعانه حصه گرفته  
واز پارتیزان های مجروه پرستاری  
نیز می کرد .

ترویان ن.و. به خاطر انجام  
موفقانه سپارش های بسیار  
در عقب جبهه دشمن و تبارز داد ن  
شجاعت و مردانگی درین عمل بتاریخ  
۳۹ اکتوبر ۱۹۴۳ به اخذ لقب  
قهرمان اتحادشوری نایل شد .

بعد از جنگ ترویان ن.و.  
انستیتو طب مسکورا به پایان  
رساند. فعلاً کاندید علوم طبی  
ترویان ن.و. ریاست کمیته اجرائیه  
صلیب سرخ اتحادشوری را به  
عهده دارد .

همچنان به معاونیت فدراسیون  
جهانی جمیعت صلیب سرخ نیز  
انتخاب شده است که امورات بزرگ  
اجتماعی را پیش می برد .

# کاروان حله... کارولان حله

## دیمین او نسکی

زما دورک آه په تودو خه  
دافق خیره سره کیپری  
زماد مات زبه گی له ببغه  
دبهار پانی رزپری  
زماد مینی پر آسمان نن  
دخوبنی خلا بیده سول  
تول جنادبی وفا ده  
چی تور کافی هم زبه بزی  
دنپری حلقه پا یز بی سول  
زما دغم په پیشو کی ناخی  
په کپ نکای عالم فواره  
دشبو په دود لپر زپری  
دسر و او پنکو طو فان غرق کرل  
زما دروح کبستی په تل کی  
دفلک عرش په په نگون سمو  
دآسمان زبه گی خور پیوی  
تول نظام دجهان که سمو  
تول مدار سو دهی و پری  
دختک تر چینی پاخشی  
او نسکی زما، جی را به پری.  
نجیب افغان

جزبر هدیره های خمو شن گذشتگان  
یابر کرانه های المیانی تپه ها  
محمود آن نبردی یکتا جهانگشای  
سلطان یمین دولت و مسعود پهلوان  
با جمله دودمان  
رفتند و دیگران  
دبیال کاروان  
نی گرده به جای و نه راه دلاوران  
چون سایه، فانی شب تاریخ گشته اند  
آن بزم هاو عربد گیها و عشقها  
آن خنده ها، غریوکوی هاونشہ ها  
گویی که خواب بود  
یا چرخ چنبری  
در هر ز خاوری  
برلوح پاک و ساده نفر نین  
نقشی عیث برای تفنن کشیده بود  
سلیمان لا یق

## غز نین خاموش

ای غز نه، ای خرابه خا مو شن و بی صدا ،  
ای کشتنی شکسته دریا ی روزگار  
آیا کجا شدند  
آن جنکا وران

آن های و هو گران  
آنها که از تخار و هری تا به مرز هند  
باخون خلق شهرت خود را بسته اند

آن خادمان دولت و آین غز نوی  
مداح دامغا نی واستاد عنصری  
آن خواجہ بزرگ

آن جمع افسران  
و آنجلمه شا عران  
در خا کهای غمزده در زیر تپه ها  
آیا کجا به خواب ابد آر میده اند ؟

نی کاخ مرمر و نه در آن سر ولعتی  
نی کو س دولت و نه شکو و موصلا بتی  
نی صوت بربطی  
نی چنگ و چنگیان  
نی شور مطریا ن  
نی های و هو، نه مستی خوبان بار گاه  
نی انگا س خنده به د هلیز قصر ها

نی پیلیان، نه پیل، نه خنگان نوبتی  
نی حاججان، نه قلعه گشایان، نه بندگان  
نی تخت طاو سی  
نی قهر یاسیان  
نی آیتی ز شوکت و نیروی این و آن  
تنها در آن میان دو منبار استاده اند

در شه بهار، نه بهاری نه سبزه یی  
در روپه ارم، نه رمی و نه جلوه یی  
لب های بوسه کیر  
از بازوan شیر  
وز زلف تابگیر

بزدوده شد زهستی و جز و فسانه شد  
تنها برای خاطره ثبت زمانه شد

زان برج و باره های عظیم وزکاخ ها  
نی آجری، نه باره سنگی، نه مشت گل  
چشم به جستجو ،  
در شیب و در فراز  
هر گز نگشته باز

## هزار خورشید

دل گرچه درین بادیه بسیما رشتمافت  
یکموی ندا نست و لی می شگافت  
ان در دل من هزار خورشید بتفافت  
آخر به کمال ذره بی راه نیافت



تا باده عشق در قبح ریخته اند  
و ندر پی عشق عاشق انگیخته اند  
با جان و روان بوعلی مهر علی  
چون شیر و شکر بهم آمیخته اند  
ابو علی سینا بلخی

# کاروان حله... کارولان حله

# للان حلہ ... کارولان حلہ

## آفتاب

گل خندان که نخندد چه کند  
علم از مشک نبندد چه کند  
نارخندان که دهان بگشادست  
چون کمدر وست نگند چه کند  
مهما باز به جز از خوبی و ناز  
چه نماید چه پسندد چه کند  
آفتاب از ندهد تا بشو نسور  
پس بدین قا دره گند چه کند  
تن مرده که برو بر گز ری  
نشود زند نجند چه کند  
دل از چنگ غم گشت چو چنگ  
نخرو شد نترنگ چه کند  
مولوی

ابو المعا نی بیدل

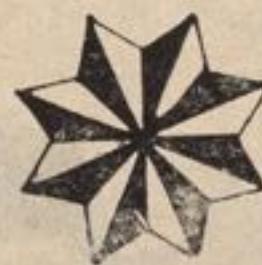
## دل خانه کیست

سر شکم نسخه دیوانه کیست؟  
چکر ، آیینه دار شانه کیست؟  
جنون می جوشد از طریز کلام  
زبانم ، لغش مستانه کیست؟  
دل گر نیست فانو س خیا لت  
نفس بال و پر پروانه کیست؟  
ز خود رفتم ولی بویی نبردم  
که رنکم گردش پیمانه کیست؟  
خموشی ناله میگردد میر سید  
که آن نا آشنا بیگانه کیست؟  
ندارد مزرع امکان د میده  
تیسم آبیار دانه کیست؟  
شعورم رنگ گرداند از کله ترسم  
ز خود رفتم ره کاشانه کیست  
گدا ز دل که سین خانمان است  
عرق پروردہ دیوا نه کیست؟  
نیاوردیم مز کانی فرا هم  
نمک پاش چکر افسانه کیست؟  
دل عاشق به استغنا نیر زد  
خموشی وضع گستاخانه کیست  
به بیری هم نه فهمیدیم افسوس  
که دنیا با زی طفلا نه کیست؟  
بدیر و کعبه کارت چیست بیدل  
اگر فهمیده ای دل خانه کیست؟

## کفر و کعبه

هر که در دامن او دست تمیازده است  
به بساط و به نشاط دو جهان پا زده است  
ناله ام کرد انر در دل جانان آری  
آه عشق شرور در دل خ رازده است  
به قیام و به خرام قداو نا مخدای  
که بهر جلوه خود طعنه به طوبی زده است  
دل به وجود آمده تا از بی قنام آن شو خ  
آستین از غضب امروز به با لازده است  
چشم جادوش اگر فتنه دوران نبود  
زچه راه حرم و دیر و کلیسا زده است  
منت خضر بی عمر ابد از چه کشم  
که لبس خنده براعجاز میجا زده است  
حال اسلام ، ندانم چه شود آخر کار  
کفر زلفش به رخ کعبه چلیپا زده است  
اگر از باده مقیش سیه مستی نیست  
محتسب از چه سبب سنگ به مینازده است  
غیر پیمانه کسی قابل پیمان نبود  
خاصه آنگه که گل خیمه به صحراء زده است  
نتواند که به هوش آورد ش نفخه صور  
طالب از میکده لعل که صبا زده است

طالب قندھاری



## ای وطنہ

ای وطنہ ! ستاد پاره ستاغلیم یہ سنگر نیسم  
یہ خاطرستاد عزت زه گوزارته خیل سر نیسم  
که غلیم لہری خوانہ یہ ماوکری گوزارو نہ  
د بولاد درخے یہ شانی ور تزم خیل آہر نیسم  
ستاغلیم نہ پر برد چیری چی نور بور نہ یو قدم کری  
لاس او بینی یہ ترنہ پری کرم خیل لاس کنی خبر نیسم  
دغلیم پولو چالو نه زه بنه خنک او بینی بیدار یہ  
عمر عمل یہ سالمن کنیسی تر خیل خارا و نظر نیسم  
ستاغلیم نہ پر برد گوره جی بہ چل رانہ خان خلاص کری  
تاریخ تاریخی غلیمان کرم شاوخو اسمه و غر نیسم  
زه بچی دانقلاب یہ انقلاب یہ بیر مختیا یہ  
دانغلیم مخه عر گوره یہ تدبیر او هنر نیسم  
قره گه بزه چنگیم خوغلیم له منخه یو سم  
دی هرام پاره قوی لام بسرا بر نیسم  
هرستگری بنه مفیبوط کرم جی غلیم و ره رانشی  
پیه یہ ترہ او همیرانه نول ھیواد سراسر نیسم  
پیه عیجانجاوڑ نکم تابه هم پر نیزدم چا ته  
پیش سعادت غواصم خیال پیت دشتر نیسم  
ستاد خاوری ھر یوموتی مانهزیات دی ترسرو زرو  
ستاد سیمی ھر یو کانی زیات تر لالا و گوھر نیسم  
(سمور) واپس کمزوندی و متابه هم واپس مسحور کرم  
پدید لاره کنی وطنہ ! ھر شان تپا و پر ھر نیسم  
۱۳۵۹ د کال دزه می دیاشت (۲۶) نیته  
کابل انصاری وان



جوانان بزودی از حوادث و برخورد  
های اجتماعی و فامیلی انتباہ می  
گیرند.

BRASS-CHROME PLATED

کاملاً دیگری از نظر عواطف و  
احساسات پای میگذاشد. درین دوره  
پسرو دختر که در دوره طفو لیست  
کاملاً متکنی بروالدین است بیک  
دوره نوجوانی عبور میکند که در آن  
اتکای آنها بر والدین به نصف  
کاملاً هشتماً می‌باشد.

یکی از روشین های درست تر بیه  
اطفال و نو چوا نان آگا هی عمیق  
از خواسته هاو تما بلات اطفال و نو  
جوانان است. درین میان با یه  
تمایلات خوب و مفید اجتماعی رادر  
آنها تشویق و تقویه نمود و تما بلات  
نادرست را طور علمی از آن ها  
که دنیا

هر گاه والدین اصرار ورز ندکه  
باید اطفال شان به سخنان و توصیه های آنان صرف از این جهت گوش دهند که نان شان از طرفوا لدین  
تمیه میگردد این کار درستی نخواهد بود خواهی اعتراض شدید از طرف اطفال بار خواهد آورد.

مرجع آنست که برای انجام کاری  
اطفال را طور درست بر فواید  
آنکار در حیات فردی و اجتماعی  
فهماند تا آنکه قهره و جبرا آنها  
را به کاری که در مورد بیعلاوه اند  
واز آن اطلاع خوب ندارند و داشت.  
وضع زمانی خرا بتر میشود که در  
یک خانواده با نوجوانی که از لحاظ  
سنی و عقلی با لغتمحسوب میگردد در  
عمل با او بر خورد خیلی طفلا نم  
صودت گیرد. این کار گذشته از  
آنکه عملیه رشد عادی فرد را متاثر  
میسازد عقده حقارت نیز تولید میکند.  
دوره نو جوانی، که نکره حل

حساس ویر هیجان زندگی برای افراد  
محسوب میشود میتواند بوجه  
خوبوسا لم سپری شود در صورتیکه  
در حیات فامیلی روا بط خوب دو-



# اطفال المعرفة

رسول یو سفڑی

ش و نگار حمه

# مسو و لیت والدین در مورد اطفال ونوحو انان در عصر کهنوژی

یکی از وظایف مبیرم والدین چه نقشی در جامعه خواهند داشت  
در تربیه اطفال و نو جوانان ایجاد و موثر یت آنها در اجتماع چه خواهد  
بی حیط سالم رشد برای اطفال و درک بود و تربیه درست شان به چه تر-  
از افکار و تمايلات آنها با در نظر تیب میسر خواهد شد سوالاً تیست  
داشت ایجا بات عصر و زمان میباشد. که پیوسته فکر و ذهن هر بذر و مادر

دورة بلوغ دشوارترین وحساست  
ترين هر حله زندگى اطفال و نوجوان-  
نان است که با يد والد يسن در  
زميشه محتاج باشند.

آگا هی پد ران و ما دران از جهان  
ذهنی اطفال و نو بالغان در روا بط  
دوستا نه فا میلی وا لدین و اطفال  
نقش عمدۀ دارد .

ینکه اطفال یک خانواده در آینده

متینج بین المللی شدت یا فته  
است. درین شکنی نیست که نمیتوان  
طور قاطع بسوا لات مر بوط باینده  
وسر نوشت اطفال در یک خانواده  
حوال گفت ولی با مو جود بت یک

سطح عمو می کلتوروفر هنگ، حس  
مسوو لیت اجتما عی تو ام بادا نش  
علمی وسر انجام محبت پد ری وما-  
دری میتوان تا حدی درمورد روشنی  
اندا خت که آینده اطفال ونو جوانان  
بیش از هر چیز دیگر مر بو طبکار  
وفعالیت آنها در زمان حال برای  
کسب علم ودا نش واو ضائع مسا عد  
اجتما عی است که آنها در آن بسر  
میر ند.

A black and white photograph showing three young women in an art gallery. The woman on the left, wearing a dark jacket over a light-colored hoodie, looks towards the center. The woman in the middle, wearing a dark top, has her hands raised as if gesturing towards a painting. The woman on the right, seen from behind, wears a dark top and a belt bag, looking down at something. Several framed artworks are visible on the wall in the background.



محیط آرام فامیلی در ایجاد نشاط‌درنو جوانان موثر است.



والدین باید جهان درونی اطفال شان را درک کنند و با آنها در گذار از دوره طفولیت به دوره دشوار و حساس بلوغ کمک نمایند

ستا نه بین والدین و اطفال از زمان طفولیت انکشاف یافته باشد این امر بیشتر در خا نواده ها یعنی صد ق میکند که در آن اطفال پدران و مادران شان را بحیث دوستان با فکر، غم خوار و با احساس تشخیص نموده و نظر یات و ذوق های یکسان و مشابه بین اعضای خا میل بر قرار باشد. نو جوانی یکدوره دشوار و حساس زندگی :

مرحله بلوغ یکدوره نهایی است پیچیده و حساس است برای اطفال است که باشد در این مرحله اهتمام همه جا نباید ازطرف را لدین در مورد نو با لغان شان صورت گیرد.

والدین بایست اطفال شان تراaleror عملی برای داخل شدن به سن بلوغ و پختگی آماده کنند و این پر و سنه طبیعی را تسهیل بخشند. تمیمه سر گرمهای آمو زنده و مفید، اشتغال در کلپ های سپورتی و مطالعه کتب ارزشمند در عبور آرام از مرحله طفولیت یدوران بلوغ کمک میکند.

#### اوضاع بین والدین و اطفال بحیث

یک پر ابلم دائمی : در قبال پیشرفت های مختلف در حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افراد و انقلاب در تو قعات نسل کنو نی، وضع پدران و مادران بسا اطفال شان بحیث یک مساله مهم عرض اندام کرده است.

انسان امر و زی هر گز نمی تواند از این حقیقت چشم پوشی کند که روابط والدین با اطفال بالغ بشکل خیلی جدی را بخود میکنند. چگو نکی این روابط تا حد زیادی به پرسه دوستانه بی که یک خا نواده در آن پسر میبرد مر بوط است.

علم و تجربه نشان داده است که تفاهم و اعتماد ذات البینی در خانواده در جلب همکاری اطفال و نو جوانان



والدین در ایجاد نشاط و اطمینان در اطفال مسوولیت بزرگ دارند.

برای پیشبرد امور امر لازمی است. موثر کار مذکور نقش بسیار دارد. پرسه نسبتاً طولانی است. بعضی درین شکنی نیست که والدین از والدین با بر عمار خورد به عوارض و مظاهرات مبنی بر استقلال خواهی اطفال نمی توانند در انجام جمیع امور از طرف اطفال شان دلیل بیاورند و اکثر اهادر مورد اطفال شان میکوشند تا جبرا این تمايلات شان را سر کوب و آن هار مطیع نه تنها والدین با این امر قادر نیستند بلکه نمی دانند که چطور اطلاع و نوجوانان شان را در این اتفاق گردند. این بخوبی آشکار است که هیچ پدر و مادری را نخواهیم یافت که طرفدار استفاده از زور و تهدید یا در اجرای کاری از طرف طفلش کشیده گشته باشد. در جمله علل متعدد گردد. چه مقاعد گردانیدن یک دختر یا یک پسر برای انجام یک کار و علت مشترک م وجود است که عبارت از سوال رشد اطفال میباشد که یک عقیده یکدسته از مطالعه کنند. گان امور فامیلی، در جمله علل متعدد کشیده گشته باشد. یک دختر

و یا یک پسر برای انجام یک کار و تفہیم ضرورت اجرای آن در انجام

تاریکی بازیجه را بیندا مینمود.

طبق معنول هر تا بستان چهت تغیر به دهات قدم زدن میر فیم . هنگامیکه نزدیک بیل میرسیدیم به پسرم میگفتمن « اولیگ بر و بکندر» او بر فتن ادامه میداد و من از عصب او را هوشداری میگردم . بیل خرابه، ضعیف ولزان بود اما اولیگ به آهستگی و گامهای استوار و بدون روی گشتنان بطرف من از بیل میگلشت.

« در سن هشت سالگی اولیگ تحت یک عملیات جراحی خطر ناک قرار گرفت . معالج مخصوص برای اینکله او را رو جیه داده بانشد برایش گفت « بین او لیک درین این همه زنها فقط دو مرد وجود دارد ، تو و من . بس هشیار باش که صدای بلند نشود و رنه به هردوی مانیشخند خواهد زد !

اولیگ بجواب گفت « مطمئن باشید من هم هر گز صدای خود را بلند نمیگردم » آبا فکر میکنید که من بی غیر است ؟ نه خیر حتی وقتیکه خیلی کوچک بودم بالای سر افتادم و بیشانی ام زخم بر داشتی اما من هیچ صدای خود را نمیگردم » البته گفته های اولیگ میباشد بیو بود . حین عملیات حتی یک لحظه هم سبب اذیت دکتوران نگردید و کوچکترین صدای ناشه و فناش بلند نداشتم

اولیگ هنوز خرد بود که پدرش را از

دست داد با آنهم فامیل تکذیث که او

احسان کمبوی کند بلکه کمک میشند که

شمیشه خوش احسان کند چه در خانواده

و چه در بین همبازیها یعنی خود را بحیث

یا شخصی از جمدد احسان میگرد . به مادر

مادر کلان و پدر کلان مجتب زیاد ناشت

و شمیشه حاضر بود که به آنها کمک برساند

جنانچه مادرش در کتابش نقل میکند .



اطفال خوش دارند تابا عمسالان شان مصروف بازی باشند .

ترجمه عبدالغیاث نوبهار

بیوسته بگذشت

## اطفال در سالهای قبل از مکتب چگونه

### پروردش یابند

اطفال خردسال فوق العاده حساس اند . در حق این مرد نامور تاریخی معطوف شده حواس شان بر عقل شان غلبه میکند و بدیده است .

در اوایل طقو لیت از مادر و پدرش آموخت بنام «قصه یک پسر» چنین مینویسد « از همه اولتر و بیشتر سعی کردم اولیگ راستکار و صادق باشد از آزو در مورد حقیقت و غیر حقیقت درک آن به او ذهنیت آگاهانه ایجاد نموده و از همان آوان طلبی در همه موارد راستکار بود . هارا به جیز های خرد و یا بزرگ فریب نمیداد و در هوا قیکه تصدیم میگرفت عليه نشمنان بینگند در عزم خود تاب استوار و صادق میماند . همچنان

از مادرش قصه دهانان را میشنید که چگونه اینتر قب احساسات و عواطف طفل را به آنها قبل از انقلاب زجر میکشیدند و قصه جست مطلوب رهبری میکنند و به او یاری میدهد که کار های شایسته را از کار های ناشایسته میگیرد . همچنان میگذرد که کار های شایسته را از کار های دیگر بود .

خانواده اش او را طوری پرورش و تربیت داده بود که از هیچ ناحیه ای کمبوی فا میلیمای که اکثر تو جه شافرا به اطفال خویش مبدول میدارند دقت قاتم بخرج میدهند تا از همان وحدة نخست طفویلیت عمه جوانب تربیتی او را مدد نظر گیرند .

در هر گشود چنین مثالاً وجود دارد که تبر مالان و عنان مر نجفه آنگشور در آوان طفویلیت تربیت نیک پدر و مادر را گرفته اند . در اینجا بطور مثال اولیگ کاشینوی گذشت نمیگرد و او را رهنمایی میگرد که از خوشن عواقبت کند و به سر و برش منظم ترس و لرز و هراس بخانه میرفت و در رسیدگی کند .

بقیه در صفحه ۵۶



عادت کند . حتی گمان می کنم از ارباب من مشترک هم بود که به او چنین یک زندگی مجللی داده است ، اما بعد متوجه شدم که در جوار این مرد آرام و جذب از دیگر هزاریای حیات پکلی بی بیوه می هاند و به همین چیز آتش شعله که در اوایل از روی حق شناسی در قلب دختر جوان نسبت به ارباب من شعله ور شده بود ، بزودی خاموش گردید .

دو آن هنگام بود که چنگ دوم چهانی در گرفت و سر با زان مجرب و از مدد برای معا فلت پاریس به اطراف اعظام شدند ، دسته ای از آنها به اینجا هم رسیدند و چون محل دیگری برای افامت نداشتند ناگزیر در قصر مستکن گزیدند ، در این موقع بود که من برای اولین مرتبه ملا حظه کردم که این دخترک زندگی حقیقی را درک کرده است و آتش عجیب از چشمانش شعله می گشید .

بزودی قصر مملو از سر بازان پاریسی گردید ، دعوت ها و مجالس مهمانی به انتشار گتسن «ایزاپلا» در قصر برای من شد مسابقه ایپ دواتی و شکار روبان ، مجالس رقص و باده پیمانی و موسيقی مرتبه خا طردو شیشه جوان و زیبا تر نیز هم گردید ، ارباب من هیچوقت در این مجالس سرگفت نمیکرد ، زیرا از آنها متنفر بود ، ولی قدرت هم نداشت که از برایا شدن این جلسات هما نعمت کند .

برای این افراد گویا سرنوشت و طن شان کو چکترین اهمیت نداشت و فقط برای این به اینجا آمده بودند که به شراب خوری و خوشگذرانی و تفریح بپردازند ... من هنوز آنروز را بعاظط دارم که محاصره پاریس از طرف آلمان ها اعلام گردید . مختصری تاجر و اتفاقاً نظر و تلقیر تنها عکس العملی بود که این سر با زان در قبال این جریان از خود ابراز داشتند و سپس مجدداً به خوشگذرانی و عیاشی روز های گذشته ادامه دادند .

از آنروز به بعد معلوم شد که ارباب من هریش شده است ، اشتباش روز بروز سقوط می گرد ، سرشن همیشه به طرف یا زین خم بود و گویی همواره در حال تفکر بود .

من برای اولین مرتبه ملا حظه کردم که پیشش هم کم کم دارد خم می شود ، گویا بار سنتگینی را بدوش دارد و علامی پسری بعقوبی دو حر کات و قیاکه اش هویدا می گردید .

مشوقة جوانش در حضور سر بازان بدون کو چکترین خطا لتی ، احسا سات حفارات آمیز خود را نسبت به او ابراز میداشت ، ارباب من احساس می گرد که مشوقة جوان و زیبای خود را از دست داده است ، ولی بروی خود تمی اورد ، گمان می کنم او با کمال میل حاضر بود یک چنگ را بیازد ، اما این دختر را از دست ندهد ، او از طرز رفتار او رنج می برد ولی سکوت می گرد .

در میان آن عده ، افسر جوان و با حرارت وجود داشت که همه چیز را بیاد مسخر می گرفت و از اینکه دارای اندام ورزیده و شانه های بردار و بازو وان قوی بود ، خلی بخود می بالست ، در همن از جمله چشنه ترین سر بازان جوان بشمار میرفت خیلی

که هو س و امیال جوانی مجدداً به سراغ ارباب من «مارکی دور ...» آمد ، این میل و هوس ارباب را با چنان نیرو و قدر تی در چنگال خود اسیر کرده بود که از همان روز اول پیشتر هرا لرزاند .

ارباب من در حالیکه پیش و سالغورده شده بود و هو های سرش رنگ خاکستری بعهد گرفته بودند با قامت دسا و کشیده راه می رفت و هر کسی که اورا میدید

ستش را بیش از چهل سال تخمین نمی کرد . قلب این چنگال سا لخورده باگذشت

ماهی خود بر خاست و چون دید که هما

او دختری بود پاریسی ، بیست سال از عمرش میگذاشت ، خیلی زیبا و جذاب و سر

شار از حوارت جوانی بود . گویی برای

این خلق شده بود که از زندگی لذت ببرد

و لذت به بخشید ، نه برای اینکه در این

قصر دور افتاده و آرام بهار جوانی اش آهسته

آهسته در سکوت سنتگین و هر موز فضای

کاخ او به خزان برود .

ارباب من او را به سرحد پرستش دوست

می داشت ، اما این عشق دیوانه وار او را

کود نکرده بود و عقل و هو شش را بکلی

زایل ننموده بود ، او فراموش نکرده بود که

بیشتر از این سکه علاقه داشت ، ولی

اگر از : «لیونارد گوارن»

ترجمه از : «خطار»

یک داستان در یک شماره :

«این داستان برندۀ چایزه شده است !»

در اوسط هاه چون سال ۱۹۴۰ سربازان آلمان وارد منطقه «لوار» شدند ، دسته ای که من جزء آن بودم دویکی از باعث هم ترین و زیبا ترین قصر عای این منطقه که از قصور تاریخی و دیدنی فرانسه بشمار می رود مسکن گزیدیم .

مالک قصر «مارکی دور ...» اندکی قبل از بود قشون ها به خاک فرانسه مرده بودوازین حیثیت را تکمیان قصر که یک بیرون مرد مو سپید بود ، بما افلاغ داد .

دو روز از اقامت ما در کاخ گذشته بود که همه ای سربازان در تالار بزرگ و وسیع قصر جمع شدیم و انتظار چنگال را داشتیم

تا رساید و جزئیات اعلام ترک مخاصمه را از طرف حکومت فرانسه برای ما تو فیض

بدهد ، سر با زان همراهی آرام چو کی های تالار نشسته و همه در لک آرامش و صلح بودند و با رساید هم درباره روز عای مشت

باری که گذشتند و بودیم لک می گردند .

روی میز های هقا بل ها گیلاس های شراب

بوردو ، که از عالی ترین شراب های

## دیگر شش

چیزی نهانده هو های سرس بکلی سپه

شوند بنا بر آن از شرکت در تمام دعوت ها

و هجا لسی که ممکن بود جوان های زیبا و

همسان معنو شده اش را به او نزدیک کنند ،

امتناع هی ورزید ، ولی در عوض از تبیه

آنواع هدا یای گرانبه و جوا هرات قیمت

برای معشو شده جوان خود ، خود داری نمی

کرد و زیبا ترین و فاخر ترین لباس های

پاریس را برایش خردیاری می نمود ، اما

تا زمانی که دختر جوان نمیتوانست خود

را با آنها بیاراید و در مجالس و مجا مع

عمومی ظاهر شود و تکاهبای تحسین آمیز و

اش بار مردم را به زیبا بین سحر انگیز

چهره و اندام و لباس ها و جواهرات گران

بهای خود جلب کند ، این همه جوا هرات

قیمتی و لباس های فاخر و زیبا چه ارزشی

داشتند ؟

دخترک در پاریس بزرگ شده و با مجالس

رقض و دعو تبای عمومی عادت گرفته بود

ولی ارباب من این چیز را تحقیر می گرد

دو شیشه جوان در روز عای اول زندگی خود

در اینجا احساس می کرد خو شیخت است

در اینجا احساس می کرد خو شیخت است

ترین سر بازان جوان بشمار میرفت خیلی

با او خو شیخت نیود .

بیرون مرد بعد از ادای این کلمات دو باره

متو جه سکه های گردیده و میغواست آنها

وا از سا لون خارج کند ، اما همانع آن

ما چکونه در فضای اطاق طین خفه ای داشت

کا یستان «ایتریش» یکی از خاطرات عجیب

تالار بیاند و گیلاس از شراب «بوردو» بوی

نش عاری از هر گو نه تا تیر شاهمه ما را

نو ازش میداد ، این محیط اخوت آور همه را

بعالی میان خواب و بیداری اندخته بود ،

بنابر آن هیچکس متوجه آن شد که چکونه

در تالار باز شد و دو سک بزرگ و قوی

عیکل وارد سا لون گردیدند ، این دو سک

از فشنگرین و بزرگترین سک های نوع

خود بودند که هن تا گتون دیده بود ، در

قیاده سان آنار و فادری و هو شیاری ظاهر

بود .

هر دو خاموشانه بطری بخاری سینک

دیواری تالار پیش رفتند و آنجا روی زمین

دراز گشیدند و در حالیکه بوز عای خود را

روی دست های شان قرار دادند ، هر افتاد

تمام حر کات می بودند .

درین لحظه بیرون مرد تکمیان کاخ سراسیمه

وارد سا لون گردید و با صدای که فرط

هیجان گیر ندگی خاصی پیدا کرده بود ،

تلوار را بیان می کرد :

«اگر این زمان میگذرد و می تواند به زندگی در این قصر دوست داشته

عقب رفت . اما بالآخره طاقت نیاورد ، فریادی از سینه کشید ، بزانو در آمد و چهره خود را با دستانش پوشانیده و مانند طفلی به گریستن شروع کرد .

ارباب من لحظه ای مانند مجسمه بیرون بر چای خود بی حرکت هاند ، ترس و پیشمانی دخترک که بزانو در آمده بود و می گریست زمین انداخت و سر و صدای زیادی بر با بعد به زحمت از جای خود بر خاست و شمعدانی را که در دست دوشیزه جوان بود زیرا او هم در مقابل کنتس به زانو در آمد چهاره اش را ترق بوسه نمود و مو هایش را مانند طفلی نوازش کرد .

بقیه در صفحه ۵۲

وارد سالون کردید و چون ارباب هرادر آن حال دید بجانب او خم شد و بالعن همدردی گفت : - خدای من ... چه خبر است ، چه واقع شده ... آیا بخود آسیبی رساندی ؟ ارباب من با صدای ضعیفی جوانداد : - که ، خیرچیزی نیست ... فقط شمعدان دستم زمین افتاد .

از هوبل های سالون تماس نموده و یکی از چوکی ها و بعضی انسای دیگر را روی زمین انداخت و سر و صدای زیادی بر با کرد و بالآخره خودش نیز در اثر التهاب و هیجان فوق العاده بروی زمین افتاد .

من میغواستم فوراً خود را به او برسانم اما ناگهان درب اطاق خواب کنتس باز چهاره دخترک که از فرط ترس و وحشت بکلی گردید و دختر جوان که فقط پک پراهن سفید شده بود ، خیره خیره نگریست . دختر خیلی نازک بر تن داشت و تمام بر جستگی جوان که گوشش می گردیدن نیمه عریانش های بدنش از زیر آن بخوبی نهایان بود ، را از مقابل چشمان او پنهان دارد ، عقب

شمعدان یا صدای دلخراشی از دستش بزمین افتاد صدای های که از اطاق خواب کنتس شنیده می شد خاکوش کردید . ارباب من نا سزا گویان مجدداً در تاریکی اطاق خم ساخت متوجه ساخت . او بنم اطمینان کامل گذاشت و به عین جمیت همه ای اتفاق و نشنه هایش را یا من در میان نهاد من با وحشت با خود گفت : «هر چه خداوند بخواهد ، همان میشود !» زیرا میدانست که اتفاق و خواهش من تائیری در تغییر نقشه هایش نخواهد داشت .

شامگاه هان ووز دیگر ارباب من در مجلس وداع سر بازان حاضر شد ، زیرا قشون آلمان به طرف پاریس پیش می آمد و سر بازان می بایست ووز بعد همه به پاریس بسر گردند و فرانسه به این ترتیب چنگ را با خته بود .

هنگامیکه شب به نیمه رسید و جوانان میخواستند مشغول قلعه بازی شوند ، ارباب من از آنها خدا حافظی کرد تا به بستر برود .

اما هنوز چیزی از شب نکشته بود که دفعتاً از بستر برخاست . من وقت لباس هایش را می پوشیدم تمام بدنه از وحشت گشیده بود ، زیرا اربابخون بصورت ندادست واژ چشمانش شعله عجیب میدوچشید حالتنی که در قیافه او دیده می شد انسان را به وحشت می انداخت ، شمعدانی را که در دست گرفته بود می لرزید ... راستی فراهوش گردم بگویم که ارباب من در چنگ عمو می اول یک بازوی خود را از دست داده بود و اکنون فقط یک دست داشت .

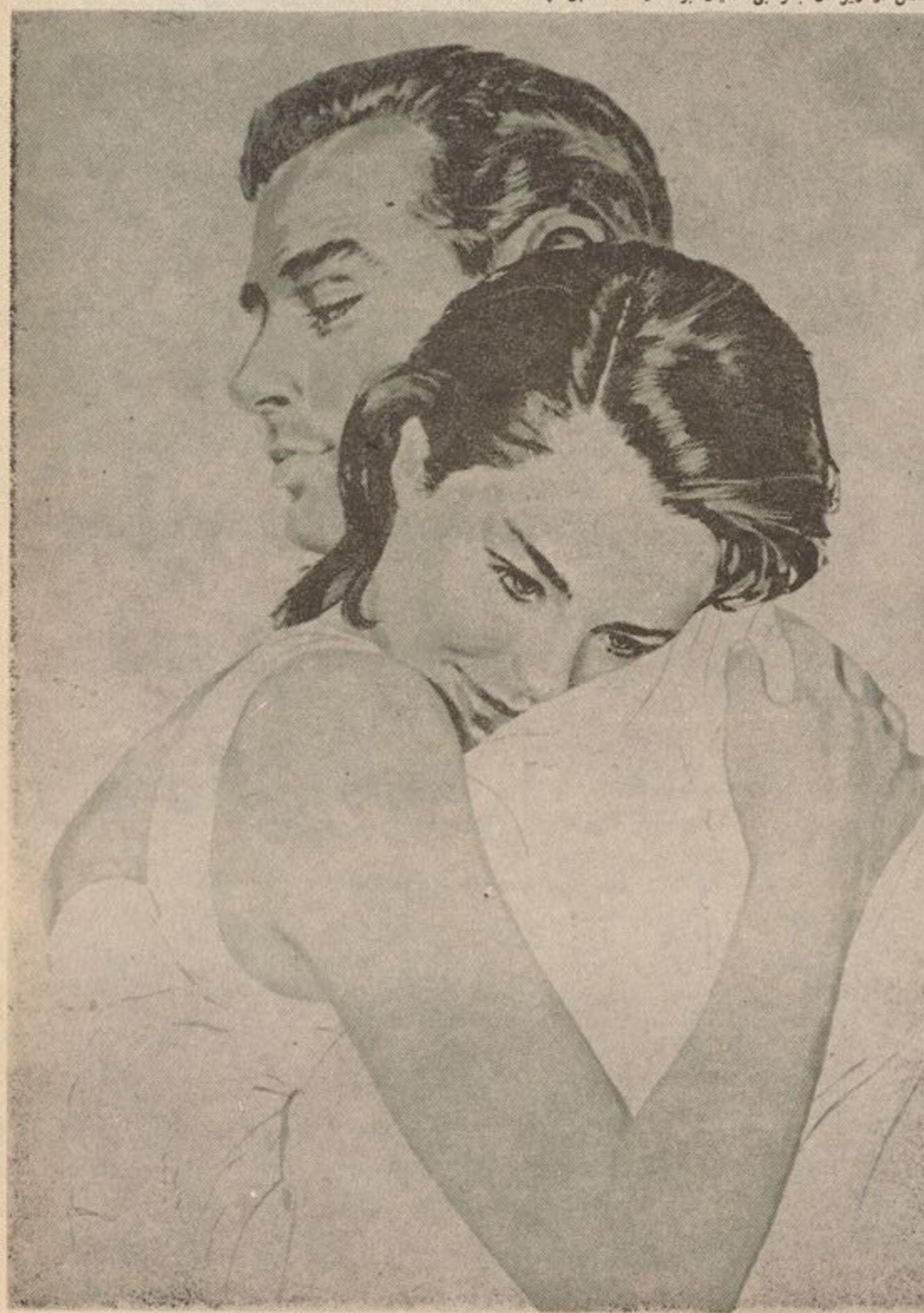
من درب اطاق خواب را باز گردم و او داخل کتابخانه شد ، کتابخانه بشه یک سالون کوچک راه داشت که یکی از درهای آن به اطاق خواب کنتس «ایزابل» باز می شد . او یمن امر کرد تا در جای خود بمانم و خودش آخسته بجانب در سالون پیش رفت

آنومت شمعدان را روی زمین نسباد و درب سالون را کشود ، من پیش خود گفت : «خداؤندا ، چرا می بایست کار به اینجا نکشد ؟ ، واژ صمیم قلب دعا می گردم که قبل از وقوع واقعه ناگواری که از روز توقف سر بازان در قصر احتمال آن میرفت ، این

آخرین شب نیز به آرامی و بدون کدام حاده ای بکندرد ، آنوقت صلیبی به سینه رسید و او را از یک در به در دیگر تعقیب نمودم .

ارباب من در سالون را کشود و تا وسط اطاق به طرف دری که خوابگاه «ایزابل» در عقب آن قرار داشت پیش رفت . در این موقع از پشت در اطاق خواب دخترک زیبا کلاماتی که به خوبی مفہوم آن درک نمیشد ، شنیده شد ، گاها هی صدای شعیف و ظریف خندق دخترک که به طور واسع به گوش می رسید ، با آن کلمات مخلوط می گردید ، من در روشنایی بی شمع هتو جه بودم که قدرت ارباب روبه تمامی میرود ، رنگ چهره اش مانند «چ سفید شده بود و ما ندانش خاص مست به این سو و آن سو خم می گردید .

بطوری که گویا تعادل خود را از دست داده بود ... در اینجا دفعتاً شمع لرزان در اثر بادی که از یکی از پنجراه های نیمه بازسالون وزید ، خاموش گردید . چون خودش نمی توانست دو باره شمع را روشن کند ، در ظلمت شب به اینطرف و آنطرف خم گردید و بالآخره



هاز جوامع دودمانی اولیه به فیودا لیزم منتقل میشوند.

وجود این مختصات، برخیهارا به انکار وجود قانون نمندی فرماسیون ها می کشاند. این نتیجه گیری به کلی تادرست است. در تما معرصه های جامعه قوانین دارای شکل بروز متتنوع هستند و غالباً به صورت گرایش مسلط بروز میکنند. این مطلب نباید موجب انکار نقش قوانین وجود قانون نمندی در پروسه هاشود.

فرماسیون اجتماعی، اقتصادی یک دور (سیکل) تکامل ملی کامل است که پس از آن سیکل دیگر یعنی فرماسیون دیگر آغاز میشود و این سیکل کلیه عناصر مترقبی سیکل ماقبل رابه ارت میگیرد و بدینسان یک تکامل واحد بیشرونده در سراسر تاریخ بشری فرماسیون به فرما سیون بعدی با انقلاب انجام میگیرد.

انتقال ازیک فرماسیون به فرما سیون بعدی از تبدیل انتقام میگرد که به اشکال متعدد بروز میکند. شاخص های فیودالیسم عبارت از تسلط اقتصاد طبیعی تولید برای مصرف نه تولید برای مبالغه از حدود زمانی حتی در دوران ماپایدار مانده و برد گی غالباً از حدود برگی خانگی و جنگی تجاور نکرده وقدرت دولت تا حد الوهیت سلطان واستبداد مطلق وی رسیده و فیودالیسم وسر ماپایداری نیز رنگ مخصوص به خود گرفته است. جامعه در مجموع خود نمیتواند از مرحل طبیعی تکامل خود که فرماسیون نام دارد خیز بردارد و به اصطلاح یک فرماسیون راطفره بزند.

ولی این بدان معنی نیست که یک جامعه معین قادر نیست این طفره زدن را انجام دهد. مثلاً جامعه ای کشوری امریکا تاریخ خود را بدین کشوری مغلستان دوران سرمایه داری غرب واپستگی سرف به سنبور است. واپستگی دهقان به ارباب در کشور مابه صورت محسوس وجود نداشت داشته است. یعنی رعیت مانند نیمه بردهای در اختیار ارباب بوده و این خصیصیه ای فیودا لیسم است با آنکه خصیصیه در کشور ما با آن خصوصیت و وضاحت نظام سرواز در اروپا نبوده و لی بهر جهت ماهیات نمیتوان گفت وجود داشته است. بخشی مهمی از دهقانان در دوران فیودالیسم افزار کارداشت اقتصاد کوچکی را اداره میکرد ولی شکل خانواده که برمبنای این یا آن

شیوه تولید پدید میشود فرق دارد. لذا میتوان گفت فرما سیون یک ارگانیسم تمام عیار اجتماعی است که دارای قوانین خاص زایش به گستر ش عملکرد است قوانین تکامل فرما سیونها میتواند برای همه آنها عام و مشترک باشد (مانند قانون ضرورت ساز گاری بین نیرو های مولده و مناسبات تولید) یا برای یکی به طور خاص صادق باشد و برای دیگری نه (مانند قانون بحران اضافه تولید برای سرمایه ای).

شکل بروز وظیور فرما سیونها در سراسر جهان یکسان نیست و یکی از تیور یکسان ها متذکر میشود (مانند شرایط کتو نی در دوران ماپایداری رشد و به سوسیا لستی که از تکنیک همانندی استفاده میکند) این مناسبات تولید است که مبنای تشکل مناسبات دیگر اجتماعی است. واز آن جمله

رابطه سطح تکامل نیرو های مولده با تیپ نظام اجتماعی. یکی از اینکه میتوان گفت فرما سیون دارای اقتصادی، اجتماعی است. که فرما سیون یا صورت بندی نام دارد. ما در باره اشکال مختلف صورت بندی های اقتصادی، اجتماعی در جای آن سخن خواهیم گفت:

صورت بندی اجتماعی، اقتصادی (یا فرماسیون اقتصادی - اجتماعی) یکی از مفاهیم بنیادی ماتر یالیسم تاریخی است و بیانگر مرا حل معین پیش رو نده تکامل جامعه است. این مفهوم کلید بورسی تاریخ است و به کمک آن میتوان خصلت قانون مندی پروسه ای تاریخی را در کرد و یک دوران تاریخی را از دوران دیگر دیگر اجتماعی است. واز آن جمله

دانشمنل:

# نکاتی چند پرامون سیستم فیودالیزم و ویژه گی های آن

متماز ساخت. در تاریخ بشر پنج اندیشه ها و موسسات که خاص فرماسیون یکی جای دیگر را گرفته اند. این فرما سیون ها عبارت انداز:

- ۱ - کمون اولیه - ۲ - برگی -
- ۳ - فیودالیسم - ۴ - سرمایه داری
- ۵ - سو سیا لیزم.

هر فرماسیون بر پایه ی شیوه معین تولید که خاص او است پدید میاید و شاخص این شیوه ی تولید نیز در مرحله ای معین است مثلاً فیودالیزم انجام نکرته است برای بسیاری از خلق ها طفره زدن از درجه ای تکامل نیروهای مولده و آن مناسبات تولیدی است که ویژه بی فرماسیون مورد بحث است. در باره

### ۱- بیکاری :

بیکاری شکل مسلط استشما ردر

آغاز دو ران فیو دالیسم است

دهقان، بخشی از روزهای هفترا

با آلات و ابزار زرا عتی خود در

زمین ملاک کار میکند و بخش دیگر

هفته را بکار تو لیدی خود می

پر دارد. بدین طریق کار لا زم

وکار اضافی دهقان کا ملامت شخص

است و در روزهای بیکاری دهقان

علاوه بر آماده ساختن زمین

برای کشت، کاشتن و درو کردن

و کارهاي دیگر را نند انبار،

مواظبت و نگاهداری حیو انا

مربوط مالک، تسبیه چوب سوخت

و غیره و غیره را نیز بو سیله ابزار

خود انجام میداد. اما از آنجا تیکه

دهقان در بیکاری چون به هیچ

وجه نفع در افزایش بهره دهد

کار خود در زمین ملاک نداشت پس

ملک برای مجبور ساختن دهقان

ناظر اجرای کار آنها می گماشت

جهت کار بیشتریک نفر را بهم تا به

باشد تدریجی فیو دالیسم آهسته

آهسته از اهمیت کار بیکاری کاسته

شد و بهره جنسی و یا نقدی جای آنرا

گرفت.

### ۲- بهره جنسی :

در آن زمان یکه بهره جنسی

جا کار بیکاری را گرفت، دهقان

تصور منظم مقدار معین گندم،

حیوانات تودیکر محصولات را به

صاجان زمین تسليم مینمود

ولی در اکثر کشورها منجمله کشور

ما اغلب این نوع بهره با نوعی

بیکاری توان است. بدین معنی

که دهقان علاوه بر تادیه بهره جنسی

موظف است کارهای معینی را بشکل

بیکار نیز انجام دهد. بهره جنسی

به تنا سبب بیکاری این فاید ها را

داشت که دهقان بصورت محدود

میتوانست به میل خود از کارلازم

و کار اضافی خویش استفاده نماید

و استقلال نسبی بدست آورد. که

این امر تا اندازه بی موجب افزایش

با زده کار دهقان میگردید.

با فیسدارد

عامل انقلابی درین مرحله ما تندوره

بردگی توده های زحمتکشی که از

طرف صاحبان وسائل تولید استثمار

میشوند میباشد. یا به بیان ساده

درین مرحله دهقانان که فاقدوسائل

اساسی تولید اند همواره عالم

چون خود مالک زمین نبودند میباشد

برروی زمین مالک کار کنند و بدین

سان مالک میتوانست به عنوان

بهرهای مالکانه نتیجه کاردهفان

را بلاعوض به نزد خود ضبط کند.

بهرهای مالکانه میتوانست جنسی یا

نقدي باشد یا به صورت بیگاری

(کار اجباری مجازی بسود فیودال)

در کشور ما ارباب و رعیت طبق

مزارعه تنظیم شده است.

فیودالیسم در خاور و باختر قرن

ها به طول انجامید و در کشور ما

همین سهم بنیاد اساسی دودمان

نادری را تشکیل میداد که این معمول

دوره آل یخیی با غرش طوفان خشم

خلق توسط انقلاب دور انساز ثور

پایان داده شد.

فیو دالیسم در کشور ما نسبت

به فیودالیسم غربی تفاوتها و ویژگی

های دارد ولی سرشت اقتصادی،

اجتماعی این نظام درخاور و با ختر

یکسان بوده است.

جامعه فیودالیزم دارای ساخت

طبقاتی بفرنجی است و در آن طبقات

و اقتصار مختلف و در درون طبقات

وقشرها و گروهها سلسه مراتب

مفصلی وجود دارد. که در جوا مع

فیو دالی اروپا یعنی سخت

تکامل جامعه انسانی به شمار من

رود. نظام بردگی که خود زمانی

با ابزار خود کشت نمایند.

و محصول اضافی تولید نمایند و

آنرا به صورت نقد و یا جنسی به

ملک تسليم نمایند. در فیودالیسم

زمان کار دهقان بدو بخش اشکار

نقیض گردیده بود.

#### ۱ - زمان کار لازم

#### ۲ - زمان کار اضافی

در زمان کار لازم دهقان محصول

را که برای زندگی خود و خانواده اش

ضرورت دارد تولید میکند و در زمان

کار اضافی محصول اضافی را بوجود

میاورد که آنرا صاحب زمین تصرف

مینماید. این محصول اضافی که از

جانب ملاک تصرف میشود از نظر

اقتصادی بهره مالکانه نامیده میشود

در دوران فیودالیسم سه نوع بهره

مالکانه وجود دارد.

عامل انقلابی درین مرحله ما تندوره

بردگی توده های زحمتکشی که از

طرف صاحبان وسائل تولید استثمار

میشوند میباشد. یا به بیان ساده

درین مرحله دهقانان که فاقدوسائل

اساسی

عبارت اند از دهقان و فیودال که

وسائل تولید رادر دست دارند.

# سپورت



هر بی تیم پامیر که از تجهیز کافی ، داشته های خوب فقبال بر خودار بود ، صد درصد امیدوار بود که درین بازی بدون یاری شانس برآنده میباشد . تیم پامیر طی سالیان متعاقب به حیث بر قدرت ترین تیم های فقبال کنور در خشیدند از بهترین بازیکنان با مهارت و متفوّل ترین شیوه بازی ببره هند بودند آنها به یاری تمرینات متداوم و پشت کار دایمی و همیشگی شان منکر به خود بودند . درین نهایی بازی مهارت های شاگردانه تماشاگران به نمایش میگیرند . بازی

کنان خط دفاع آن تیم با وجود آزمودگی و یغتگی شان در اندکی بی توجهی بازی سر-لوشت قهرمانی شاگردانه از دست نادید . دقیقه پنجاه و هفتم بازی که حالت مساوی را بین هر دو تیم حفظ داشت بازیکن شماره چهارده تیم هندو کش پاری بازیکن شماره هفت با یک حرکت سریع و نا آگاهانه از گوشش چپ میدان در خط حمله تیم پامیر داخل شد استادانه و در نهایت دقت توب را روی با گذاشت پاتاگتیک تازه و دور از تصوّر شد

بازی کنان خط دفاع تیم پامیر را در عقب گذاشته آزادانه و سبکبال برای به تمرس از

لین توب فاصله را کوتاه ساخت گولکیپر تیم پامیر حرکت نا موزون گردد به سرعت توب را به گوشش چپ گول فرستاد و تیم شاگردانه با این بیروزی برای قرار گرفتن در صند جدول امینوار ساخت چند دقیقه بین به ختم بازی مانده بود که بازیکنان جوان بر کار و بر تلاش خط نیمه مدافعانه با هم در کار شان فروتنی بخشنده .

به سرعت دست به کار شدند حملان مقابل و تلافی جو یانه خلاف روش احتیاطی شان را درین دیدار میبینند یکباره بند ها را گستاخ و با اطمینان به عبور از خط دفاع حریف آهنه که دروازه حریف را گردند صابر عثمان بازیکن میانه قد و بر تلاش با برادر خود زمان عثمان بازیکن بامهارت خط تیم مدافعانه با عده دیگر از یاران پسر قدرت شان آهنه که دروازه نموده و آنها چند مانور عجیب را بالای تیم هندو کش انجام دادند و راه گشودن ها چهت پیشوی به خط حمله حریف را دو چندان ساختند زمان عثمان چهره طراز با پشت کار چشمگیرش همگان را یار و مدد گار بود تا به بیروزی برمند لیکن یاریان کار بود و در نتیجه جز پاخت ازین دیدار چیز دیگر با خود نبردند .

\*\*\*

دوستان نهایت ارجمند درین بخش توجه شما را به نتایج دور اول مسابقات شاگردانه تیم شر کت گشته که در دو گروه مسابقات را یاریان دادند جلب می کنیم . قبل از ذکر وقت که تیم هایند دو گروه دسته بندی شدند چنانکه در گروه الف تیم های استیتوت تربیت بدنی ، آریا ، اتفاق ، آمو اکادمی خارندون گلوب عسکری ، ستور و بوهنتون و در گروه ب تیم های دافغا نستان پانگ اتحاد کاپوراء ، معادن و منابع ، کارگر ، و پامیر مریوط وزارت ترانسپورت ، میوند هندو کش حصه داشتند تیم آریا در طول

عبدالکریم «لطیف»

## دور اول مسابقات انتخاباتی فقبال پایان یافت

...

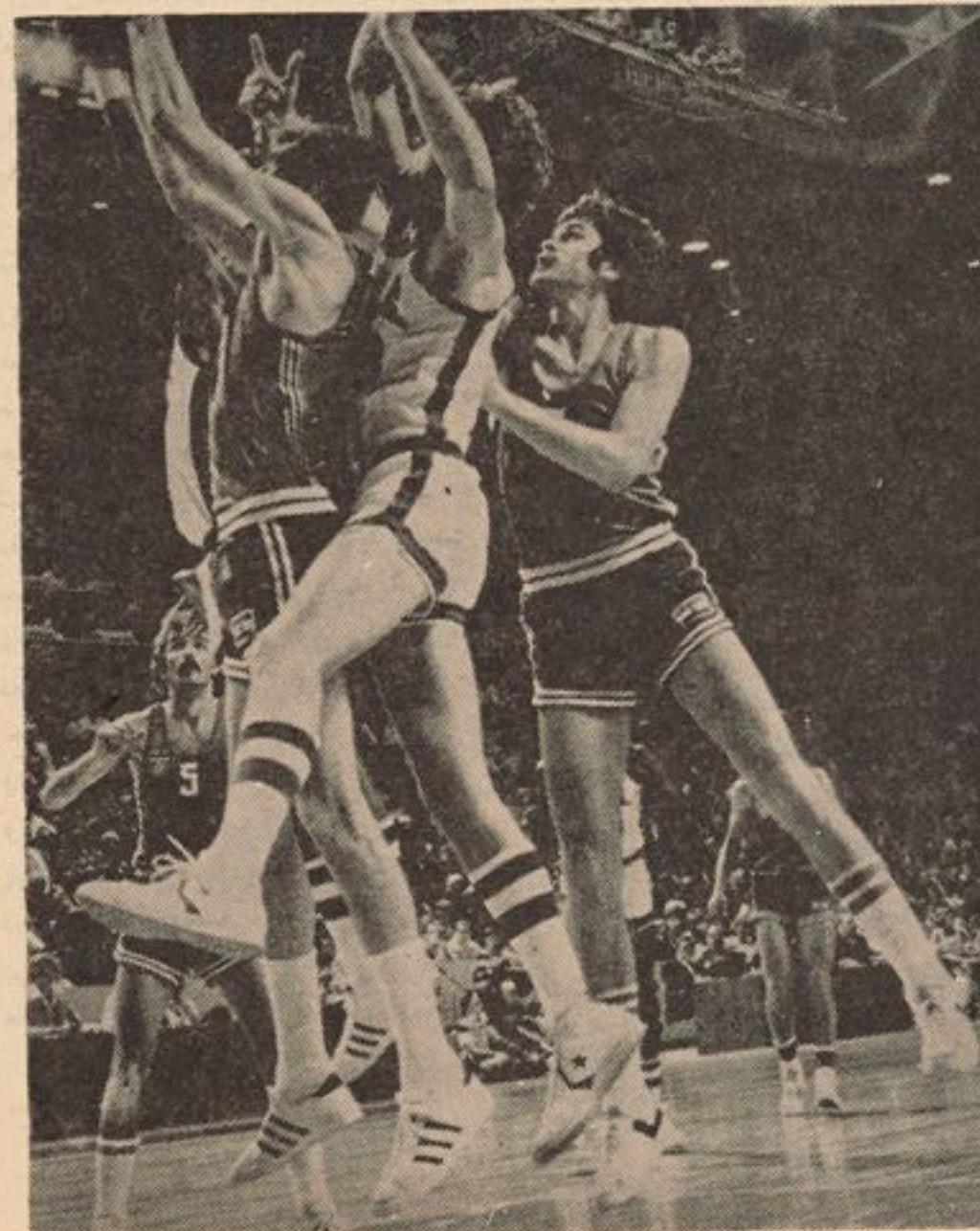
## ورزشکاران افغانی بعد از پایان مسابقات المپیک

### ۱۹۸۰ به کابل عودت نمودند

آن مسابقه را در نهایت دقت و هوشیاری با روشن مخصوص به خود شان این بازی

ورزش دوستان ارجمند فقبال اطلاع خواهد دنیال نمودند بازیکنان پامیر توجه داشتند سر نوشت ساز را به نفع شان بایان دهند داشت که از چندی به این طرف عده بی از تیم های فقبال کابل در یک رویداد انتخاباتی از طرف ریاست عالی ورزش در ستادیوم ورزشی کابل دایر گردیده بود گرد هم آمدند آنها بیکار های شاگردانه خاطر به میان کشیدن چهره های بروزنشده شان در تی منتخب و همچنان بمنظور اینکه توانسته باشند به حیث تیم قهرمان این رویداد انتخاباتی فقبال کابل ، سر بالا گشتد طبق برنامه اداره برگزاری مسابقات دنیال نمودند . مسابقات مرحله به مرحله پیش برد شد و در پایان دور اول ، چهار تیم طبق مقررات به مرحله دوم مسابقات پیش آمدند که آنان تیم هندو کش پامیر ، بوهنتون کابل و اتفاق بودند که چهار تیم مذکور دور دوم مسابقات را طبق برو گرام جدا شانه از مرگ فتند .

دور اول مسابقات در چند هفته بین ۱۶ تیم شرکت گشته در دو گروه با گروه می و گما هی با سری یکش برد شد از جمله همه مسابقات دور اول ، تیم پامیر هندوکش دو مدعا سر سخت جاگیری صند جدول حساس ترین مسابقه را پشت سرگذاشتند آنها یا یک بروزندگی عالی و چشمگیر دیدار نمودند ، بازیکنان هندو کش با بیروزی شان درین دیدار بازیکنان پامیر را زیر گرفتند هر دو حریف خوب و شناخته شده فقبال کشور در یکش بیش هدف های شان طرح بلانهای علی را ترسیم داشتند اعضا تیم پامیر برای اینکه در همه مسابقات قبلی شان بدون یاری شانس بازی هارا بیرون میگردند اینبار آنها و با مهارت دنیال گردند اینبار آنها و بازی کنان تیم مقابل شان با اندیشه اینکه داشتند



گوشه بی از مسابقات بسکتبال المیاد ۱۹۸۰ .

## ۵۵۵

ستو په داخلی معبد (۵۹) مدور بوده و گنبد و مشخصات دیگری این ستونه به ازین رفته است داخل آن توسط سنگ و گل برانه شده و فکر میشود که گاهی قبیل از خربیات دوازده دوره تپه ستر عده داخل این ستونه به سنگ فته شده و چبه همیر کا نیکه معمول است بودایی ها در آن موی سر، استخوان، سکه های شا هان معمول (از شا هان اندو- گریک و گوشانی هاویا ساکه ها، آنانی که حا می این دین بودند) و یا (اسیای دیگری که وجه مذهبی یا قدسی میداشت به حیث و دینه میگذاشتند، نه برای هرم زیر این گلمه یکلی در معا بد بودایی و آنهم گشیدن مجده چبه از داخل ستونه به بعد از سا ختمان ها مول نبوده و مورد پذیرش اکثر داشمندان قرار نگرفته است).

اکثر این نوع ستونه ها در ساحه نگرها قدمی و در ساحه هدف یا هیلو یا سپر جمجمه (بودا سا کیا مو نی) توسط سیاحات غربی مانند چارل مسون، مورکرات سپیسون، کومیناری و غیره از طرف داخل یا جناح سنگ فته شده و محتویات دا خل ستونه به که بعضاً حتی چبه های طلاسین و یا برونزی مبیود با خود می بردند بطور هنال و یا سند از زنده یکی هم چبه طلاسین هزین با یا قوت و اسکال مجسمه های (بود، اندر، و براهم) است و یازده سانشی هنر ارتقا دارد و فعلاً در مو زیم لندن مو جود است تو سط چارل مسون از ستونه به بیماران کشف و به آنجاه انتقال داده شد.

ستو په نمبر (۵۹) یکلی مدور بوده و این تیپ مشخصه تحت تأثیر آرت گو پنهان و هنر معماری هندی درآمده است، چند شبکه بی بوده مواد سطح خارجی آن از گل میباشد با رنگ سرخ قیلاً رنگامیزی شده که توسط حريق آخری معبد رنگ خود را به نرسواری تبدیل نموده است. در شبکه های این ستویه تا هنوز پارچه های ملمع طلاء به مشاهده مرسد اطراف این ستونه قسمی که قبل از تیم هما نا دیوار پخشی بی محدود کم عرض است که روی آن تصاویر رنگ بصورت پراگانده مشاهده شده و واقعاً به تیپ ساخته نی و هنری قرن ششم و هفتم معا بد بودایی شمال غرب و مرکزی کشور است.

از نظر تحقیقات با ستانشان سی و مطالعه قا نو نمنی ساخته نی معا بد بودایی گند هارا و مکتب هده این نوع معا بد که در فاصله دورتر از معبد عمومی قرار می گرفت تحت قواعدی سیمیتریک هنند سی اعمار میشد به این معنی که در چهار زاویه یا دو زاویه مقابله به هم در اطراف محظوظ معبد عمومی یا در داخل محو طه بوجود میامد. را هبین بعد از اتحاف و طواف و خواندن درود های مذهبی داخل معبد عمومی شده و در دورا دور سا نگارا هم عمومی طواف مینمودند، از آنجمله یکی هم معبد نمبر (۵۹) است.



منظمه بین از خیزبلند موتور سایکل.

مما بقات دور اول هفت بار مقابل تیم های گروپ شان ظاهر گردیده آنها بانو برد چهار بخت و یک مساوی کار شانرا بایان دادند در تمام مسا بقات شان نه بار توب را داخل گو لپهای تیم های مقابل نموده یازده گول خورده پنج امتیاز را نصیب شدند تیم اتفاق میکند آنها در دور اول مسا بقات از مجموع هفت مسا بقات شان سه برد را نصیب شده در سه دیدار دیگر سر سخانه شکست اتفاق صدر نشین دور اول گروپ الف دیدار میکند آنها در دور اول مسا بقات از مجموع هفت مسابقه شان شش برد داشته در یک مسابقه با تیم داغستان بانک مساوی شدند در یک مسا بقات سر نشانه شد تیم پامیر پیروز گردیده راه شانرا در صدر جدول هموار ساختند و تیم با میر در دیدار نهایی با تیم پو هنون کابل برای کسب کپ سومی دیدار میکند که جریان مسابقات نهایی چهار تیم را در شماره آنده گذارش میدهیم.

ورزشکاران افغانی از مسا بقات المپیک ۱۹۸۰ متعقده مسکو به کابل عودت نمودند همو طنان شریف ما اطلاع دارند که به تاریخ یازدهم سر طان ورزشکاران افغانی به قصد اشتراك در بیست و دو مین دور یازدهای اکادمی خارجی که در کشور دوست برادر ما ایشانه ایشانه هفت دیدار شان در نش میدهند آنکه در تیم ایشانه شده در یک دیدار به شکست مسا بنه بیروز شده در یک دیدار به شکست مواجه شدند. آنها نزدیک گول زده شش گول خورده.

تیم پو هنون در هفت مسا بقات ایکه انجام دادند نتیجه بهتر و عالی تر را از ناجیه گول زده و گول خورده نسبت به تیم های گروپ شان داشته به حیث یکی از تیم های جایزه ایشانه باشند آنها از مجموع هفت مسا بنه شان به سه برد و چهار با خست دست یافتند در تمام مسا بقات شان شش گول زده و شش گول خورده. آمو که یکی از تیم های شرکت گشته است.

شانزده تیم الف کابل بود از مجموع تمام مسابقات شان دو برد داشته و پنج بار شکست خورده آنها هشت گول زده بیست گول خورده و چهار امتیاز را نصیب شدند. تیم ایشانه تیم ایشانه شده در برابر تیم بیرونی ایشانه هفت دیدار گروپ دیده شد لیکن نسبت شکست شان در برابر تیم های پو هنون و اتفاق از پیش روی بر صدر جدول عقب زده شدند آنها در طول مسابقات شان پنج بار بیروز شده در دو دیدار مغلوب گردیدند مجموعاً چهارده گول زده هشت گول خورده و یا کسب ده امتیاز منتظر نتیجه.

میگری در دیدار های بعدی در جدول هانند تیم کلوب عسکری در هفت مسابقات مقابله با میر، میوند و هندوکش نایاب داشت

پسر دو ستایی دهقان پیشه بدارند. خبر کارش از طبیعت زیبا و قشنگ واز تماشای درختان کاج و صنوبر، از عطر خوشبوی گیاهان و شکل جوانان آلمان فدرال یا (زیکریید) که قلا از آن نام بیم به تماش شده و با پدرش که مرد هفتاد و پنج ساله بوده و معروف تا شای تلویزیون بود، غیر حرفه. پدر (زیکریید) تو تسبیح داد که زن گر فتن برای دهقانان جوان امریست زیاد دشوار، بتقییم که حتی کشیش‌ها نیز درین زمینه قیچه زن مینشانند وی توضیح داد که هر ده سال بود که به خاطر قامت رسا و چهره جذابش بطور تصادف خورده اش باوصاف ناقوانی‌های جسمی خودش را میکشد و برای پسر شن غذا دوسایل دیگر زندگیش را فراهم می‌آورد، زیاد اینکار او میخواهد باحیاتش بازی کند آلمان برخلاف به کار گران مزرعه به چشم خوارد و کوچک مینگردند. گرچه تکنا لو زی و تخفیک معاصر یک قسم



استاده از هوای آزاد رومتاها و تریه‌اسپ از جمله کارهای نیکو بشمار می‌آید.

عدمه کارها ازدواش دهقان برداشت و سلطه کار را نیز این ماشین‌آلات بطور مستحب بالا برده. با این وصف دهقان امروز بیشتر و دقیق‌تر از گذشته‌ها کار میکند تازه‌زندگی اش رنگ پریز است که روزگاری که داشت کارهای خانوادگی کردد لامک خواست که دختران به خواست فطری جوانان دهقان بیشه و قی کذاشته و تن به ازدواج او شان بد هند. در اثر قاعده ترین گفت و شنود هاییکه با دوشیزگان جوان بعمل آمده چنین استنباط شده که بسیاری دختران شیری و یا هم دعائی به خاطر تجدد بسندی که دارد از قاعده پدر و مادر شوهر خوشیش می‌شوند بدين مفهوم که باز هم خشو و خس او از طبقه دهقان بوده و پنام دهقان یاد میشود و باید شوهر آن‌ند ایشان منسوب به فامیل یک دهقان باشد. زیکریید چنان معتقدست که کارگر توانا وزارع خسوی

# نمازه‌هایی

## از هفت‌اول یم

### محرومیت‌های دهقان‌آلمن

### فدرال از طبیعی ترین حقوق

### انسانی، یعنی نیافتن‌همسر

زندگی در دهات و بالای مزارع و کار در بالای مزرعه و کشتزار و در مجموع اشتغال بوظیله زیاد مطلوب یعنی دهقانی، چه آن عیار تست از گرفتن زن و تشکیل خانواده میباشد محروم‌اند، و هیچکس حاضر نیست به دهقان که قما می‌عمر ش را برای آسا یش خدمت به همتوغ خود می‌گذراند. زن بد هد، چون قما می‌دار و ندارش را کار و بازوی مندانه اش تشکیل می‌هد. او که سا سب زمین فراوان نیست، او که نرود و قبیل در اختیار ندارد با وجود تحرک و پر کاری اش که پیهارده ساعت از شبانه روزش را وقف کار و نلاش مینماید، ازدواج کند، و وظایف مادری و همکاری در بالای مزرعه میدارند و این بیچاره دهقانست که استئمار میشود و همه وقت در خدمت از بیان و ملا کان بزرگ قرار دارد البته در جوامع سرمایه داری درد ناگزیر اینکه در آلمان مزرعه میوزد و خوشیهای کار و کارهای دیگر از بن قبیل را پیش ببرد. یکی از همین جوانان دهقان که زندگی اش سرا با غصه و اندوه بوده، وقتی شمال از صفحات غرب به فدرال نظر به گزرا رشات خبر نویسان،

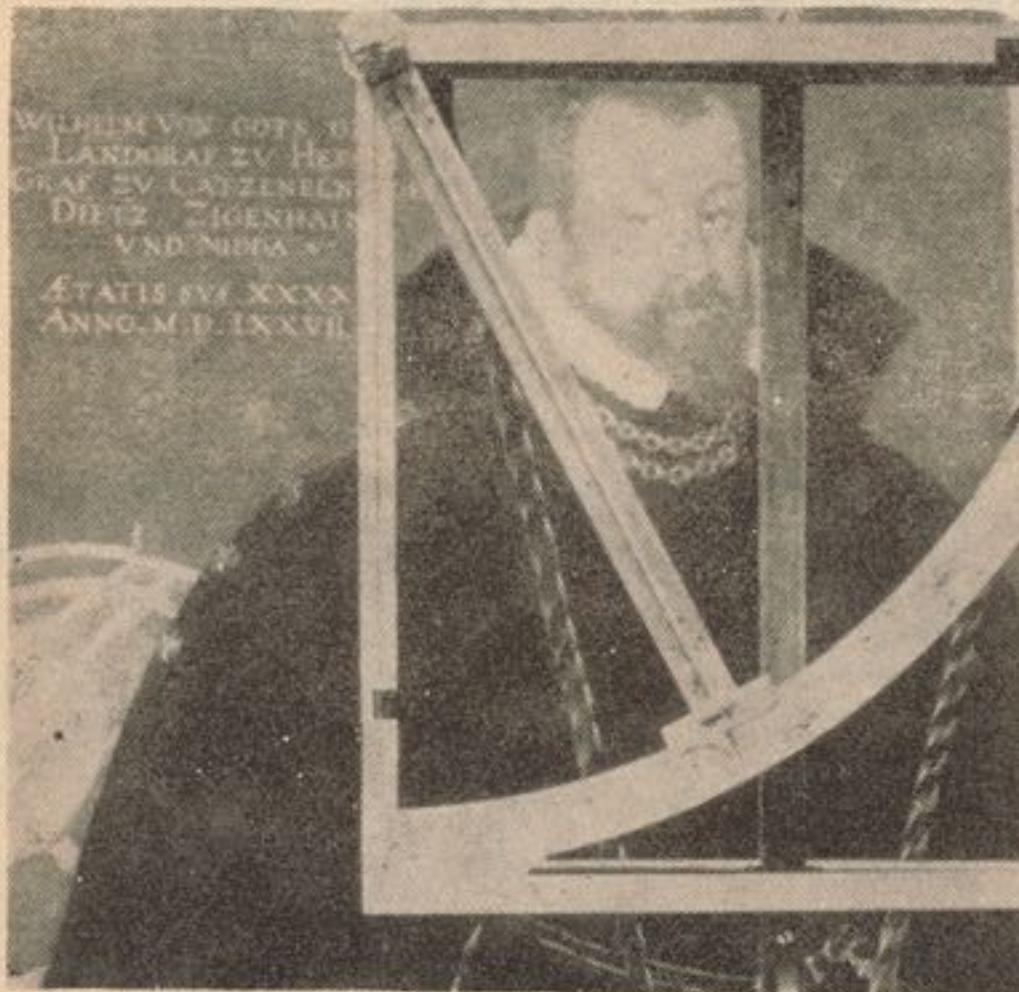


یکتن از دهایی‌المان فدرال را مصروف کارهای مالداری می‌باشد.

ترجمه، محمد اکبر نظری

## گردش سیارات

قبل از سال ۱۵۴۳ میلادی مارکیس هان و علم نجوم در کتب و رساله‌های تر نظریات خویش را در تحت هایی متعدد گزار شد دادند که باعث نودو پنج مواد مبنی بر گردش و راهیابی بی دانشمندان و نسل های حركت اجرام سماوی که در عصر بعدی بجهان سیار رات گردید. چندی خود پیر از زش ترین و کمیاب ترین بعد یکتن از متفقندین و سرمهایه داران شهر هیمس بنام و یلمپیلس اثر در علم نجوم محسوب شده. و چهارم نظر به تمايل و علاقه‌یی مفر- اثر قابل ملاحظه بی نظیر آن در طول طیکه باین پدیده علمی داشت و هفده سال پیش هش این دانشمند که فرمترسرا غ میشد، در دروازه بی در آوان تحصیل و جوانی نیز تبعیع و قصر کلیسا ویتین بر گذر معرض مطالعاتی درین مورد نموده بود مطالعات مطلاعه عامله گذاشت. این نظر خود را درین زمینه دنبال کرد تا



ویلمپیلس چهارم با آله نجومی قدیمی اش

یات مکمل عقايد قدیمی وصولی باشد به نتیجه‌ی بر سر همان بود در پاره حرکت اجرام سماوی و که دو تا بلوی بزرگ از گردش از تباطات آنها با مرکز زمین بود که سیار رات بدور ماها که در آن خطالسیر کپر نیک و بطیلیوس بنیان گذاران و گردش سیار رات برجسته تر به نظر بوده و چنین ابراز نظر گرده بود میر سید ساخت و در بالای بام قصر خویش در شهر کسیل قرارداد. و کسیل خط حرکت سیار رات قرار دارد. با سپری شدن چهارسال ازین پرداخت، این شبکاری وی برای مورخین درست سالروز بیدا یش نخستین رصد خانه و او لین گام در تحقیقات علم نجوم درارو پا بشمار می‌آمد زیاده از صد سال از این تا ریخت میکنند که رصد خانه‌های پاریس و گرین و یج اعمصار شده و فعالیت دارند. در آن زمان سرتاسر اروپا شاهد مبارزات بیکری بقیه در صفحه ۵۶

است. او از سیاری علوم چیز چیزی می‌داند چون خودش را با سواد مادرم بروم. تمام سال را مصروف ابا شتن غله و انتقال خر من به خانه شدم. باید با شوهرم کمال میکرد. سبیع ساعت پنج از پست خواب بلند شده ابتدا گاو میدو شیدم، بعداً کوسا له ها و گوسفندان را علف میدادم، سبحانه منت میمان من یعنی فا میلی شو هم را تهیه می‌کنم آنوقت باید دیگر بلکن غذای چاشت کردم. مجبور بودم هر چند لحظه سری به مزرعه من بودم. چیز ما شیئی شده ولی دختران از نام پدر و مادر شو هر یعنی خسرو و خشو بیم دارند و برایشان بی خسته تلقی می‌کردد که به چنین فا میلی او شان را منسوب بدارند و یکرد به خاطر تنظیم بخشیدن بهتر بین ند کیش سبیع ها اول وقت از خواب بر خاسته و قا غروب می‌تپد، می‌جنبد و کار میکند و کار برای او افتخار و تروت است و لو اگر تا آخر عمر هم به خاطر دهقان بودنش برایش زن ند هند. مسا ع قیام دهقان خان جوان آلان فدرال با وصف اینکه ما نند (زیکرید) انسان های خوب و دارای پشتکار الله، هنائلانه بعضاً بدوون یافتن همسر پیر میشوند. کارل یکشنبه دیگر از دهقانان چهل ساله ایست که قا الحال همسر یافته وی عوامل این عدم یافتن همسر را سیستم خان سالاری مسئله بر جا مده تعريف کرد. یا فتن زن یک کار پس بزرگ و یک افتخار برای خانواده های دهقانان است. کاکای کارل با آب و قاب بر شمرد که چنان در سو نه سالگی در یکروز یکشنبه در اثنای میا حت به کوه ها بادختری برخورد و به او رسید. علت آن هویدا بود. دختر عاشقش شده بود اما کاکای دیگر او تاکنون مجرد مانده است اینکه چرا دختران تن به ازدواج به جوانان یافته بیشه نمید هند در پهلوی عوا مل که دهقان بیشه نمید هند در پهلوی عوا مل که بر شعر ده شد سا پل دیگری هم است (ماریاپل) دختر نزد ساله ایست که پس از ازدواج به هیچ یک دهقان خاطرات ازدواج توده بیش و شرایق شدنده می‌یابند.

مترجم: ر-جرم می

## پوش بیولوژیکی بهای بالتهیک

علمای بیو لو زی اکا دمی علوم «لاتیوتون» پرو گرام سه ساله بی را درسا حمطا لعه آب های سا حلی بحیره بالتهیک انجام داده اند. آنها از عرضه کشته (زنثار - یورا) مشاهده اند و می‌دانند مذکور در مرکز تو جه جا من می‌شود و داشتند. مواد تحقیق شده به اثبات رسانند که پرو سه بصورت عادی انجام می‌یابد و سطح کشیف بحیره مذکور در مرکز تو جه قرار داشت. محققین مذکور یکصد و پنجاه نوع با کتریا را که بطور موثر می‌توانند شیدن مین میتا بد نظر اند ازی نموده و هر کدام بتو به خود حقایق و ترکیب نمایند ثابت نمودند.

دانشمندان مذکور تجا رب جدیدی را در باره تر کیمیات کیمیا و آب و نباتات در یا بین (بستر بحیره) و حیوانات آن بدست آوردند.

# درین زمان و سنه چه رخداد؟

تبيه و تنظيم: از صالح محمد كبسار

ما چند تاریخ از واقعات جهان  
را برای تان می نویسیم شما برای ما  
بنویسید که چه واقعه در آن زمان  
رخداده است.

۱ - در ۲۲ اپریل سال ۱۷۲۴  
میلادی!

۲ - در ۲۳ اپریل سال ۱۵۰۰  
میلادی!

۳ - در ۲۴ اپریل سال ۱۲۷۱  
میلادی؟

۴ - در ۲۶ اپریل سال ۱۹۳۳  
میلادی؟

۵ - در ۲۸ اپریل سال ۱۴۰۰  
میلادی؟

حالا شما تنها واقعه که در تاریخ  
های فوق رخ داده است برای ما  
شرح دهید.

## از نگاه

## طنز گرافیک!



این یکی از ستاره گان مشهور  
سینمای غرب است که از نگاه طنز  
گرافیک به این حالت در آمده است  
آیا میتوانید بگویید که طنز نویس  
او را چرا به این حالت نمایش داده  
است جواب را برای ما ارسال دارید.



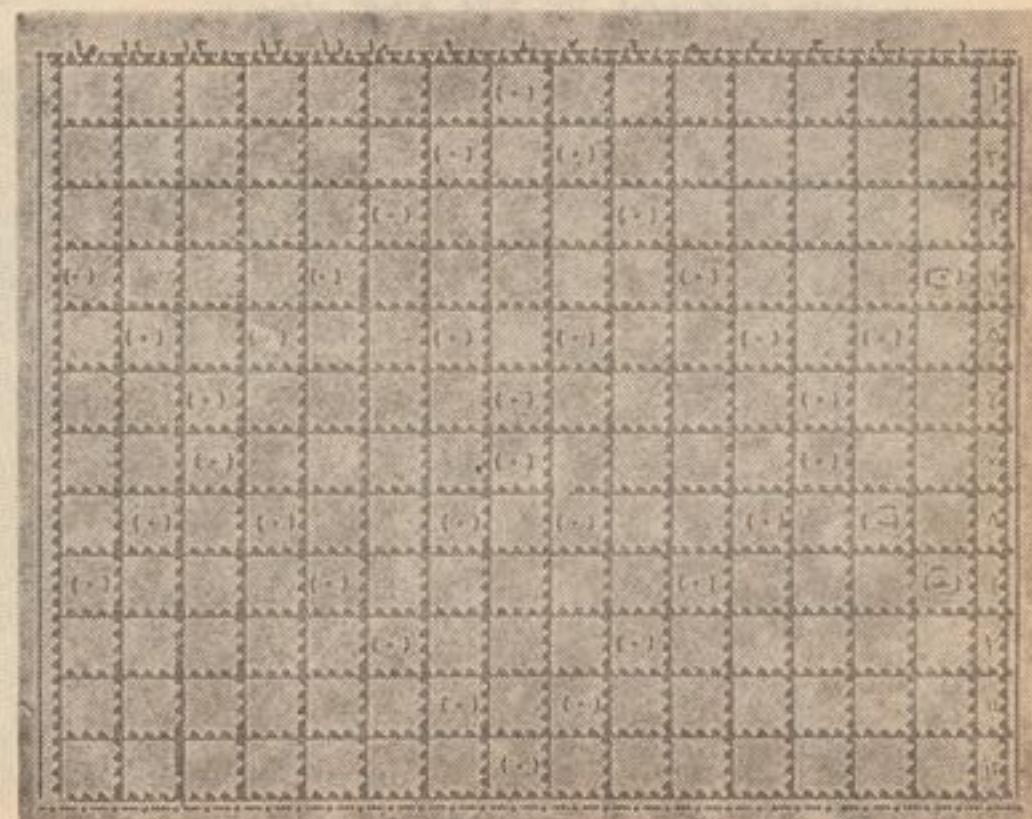
# سرآرزو، طاووسیات

## جدول کلمات متقاطع

افقی:

یکی از آبشار های جهان - اکتریت - از مکتب های استاد کمال الدین بهزاد - ۲ - به شمع خود رامیسوزاند - آغاز بهار - مشهور ترین عاشقه جهان - سه حرفا مختلف در سه خانه - از آن طرف لیسه ایست در هرات - لست کوتاه وظیفه جادوگر - خود اوانا چوچه یک حیوان باربر - ۴ - از وسا یط حمل و نقل - خالی نیست - بد و ن حرفا آخر از آنطراف شر ماست - انتن کوتاه - نوعی از پار چه ها - باعلاوه (ر) هرات میشود - ۶ - آغاز وانجام راه - یک نوع برنج اعلی در کشور ما - نام کوتاه - ۷ - شروع امتحان - تکرا رش صدای یک حیوان است - نصف هلال - خوب بود سرش قطع شد - آغاز ناله - ۸ - حاصل لبلبو - شاه نیانات - ۹ - اول ماه - خودم - آغاز وانجام مکتب در بین میتر - آغاز بیان - ۱۰ - دو حرفا در دو خانه اسم یکی از فلمهای هندی - نصف اماکن - ۱۱ - عکس بد - منسوب به صنم است - پایش را قطع کنید تا رفیق پری شود - ۱۲ - اکمال نشده گهر بیان - آن بیت در کشور ما شهرت جهانی دارد - ۱۳ - برای فوت شده گان استعمال میگردد - آماده ساختن - ۱۴ - وسو سه نا تمام - محل - مارکیت به زبان عوام - ۱۵ - در بین برودت - از پر نده های خوش خوان وزیبا - دو حرفا و سه خانه -

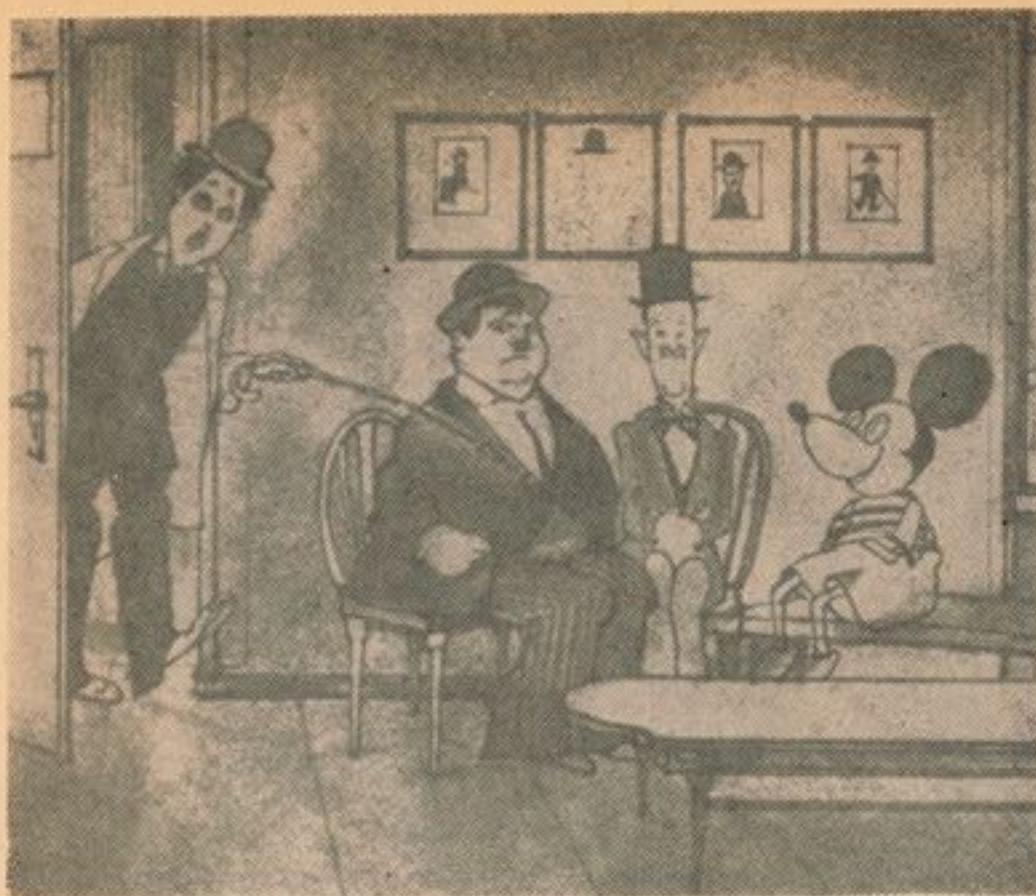
یکی از آبشار های جهان - اکتریت - از مکتب های استاد کمال الدین بهزاد - ۲ - به شمع خود رامیسوزاند - آغاز بهار - مشهور ترین آرتسیست جهان - ۳ - با تغییر حرف اول شهادت میشود - از پر نده گان شوم - قلت - ۴ - اگر منظم گردد نیم میشود - پیچیده - اکنون (پنستو) ۵ - آخر اول - اول آخر - سروپای مرغ - در بین بیهی - وصل نشده - در بین کتب - انجام کتاب - ۶ - پهلوان - بدون حرفا دوم گل جواری - از حبوبات - از پرندگان خوشخوان - ۷ - دو پنج به پشت - رمل میاندازد - خود بیمه - ما ده حیاتی - ۸ - شروع پنج - آغاز کار - حرفا نفی عربی - بین صدا - لیم نشدسر فیل - آغاز لاله - ۹ - مجرم دارد نوعی از کود کیمیاوردی - از اسباب پاک کننده - ۱۰ - پایتخت یکی از کشور های عربی - طالع - از غله جات - ۱۱ - یکی از ولایات کوہستانی کشور ما - شروع توت - یکی از ولایات کشور ما که انا آن شهرت دارد - ۱۲ - از مناطق زیبای کشور ما - بندی است در کشور ما که همه توریست هارا به خود جلب نموده است.



# جدول کلمات متقاطع

افقی :

- ۱ - اگر شعبده باز را بینید این نام هم بیاد تان می آید - با کم کردن حرف آخر سزا می شود ۲ - در روی میر وید خوشی ۳ - خود ما - پهلوان - یک عدد ۴ - زنگ آسمان - سوختن ۵ - بالای تن - نام کوتاه - رفیق سوزن - ثناو صفت ۶ - دندان (پنتو) - از حروف هشتم انتخاب کنید - جام آن معروف است ۷ - داناتا - مادر کلان بزبان پشتون - کم کردن ۸ - ... و تنها - آغاز و انجام سفر - سه حرف نیاکان - دو پنج ۹ - دیوار اگر چنین شد از آن نگذرید - عددی است - از آلات تجارتی ۱۰ - سوری مغشوش در مقابل کار - اولین انسان ۱۱ - از جمله عناصر - حرف ربط - ماهی کوچک ۱۲ - درین مجله عرفان - محفوظ - نصف واصل ۱۳ - اوریند خودم - هشت نامکمل ۱۴ - با جمع دال بیدرد ناتمام است - برادر به (پشتون) ۱۵ - به بر مانرسیده - عکس زن - تمام حیوانات ..... هستند -



## کدام اشخاص؟

به این تابلو خوب متوجه شوید این ها از بزرگترین کمدی های سینمایی اند و به این حالت که در یک فلم یشن تلویزیونی میباشند تابلو ساخته شده است ما از شما میخواهیم که اسمای این هارا برای مابتویید.

## کدام نقطه از کشور دما

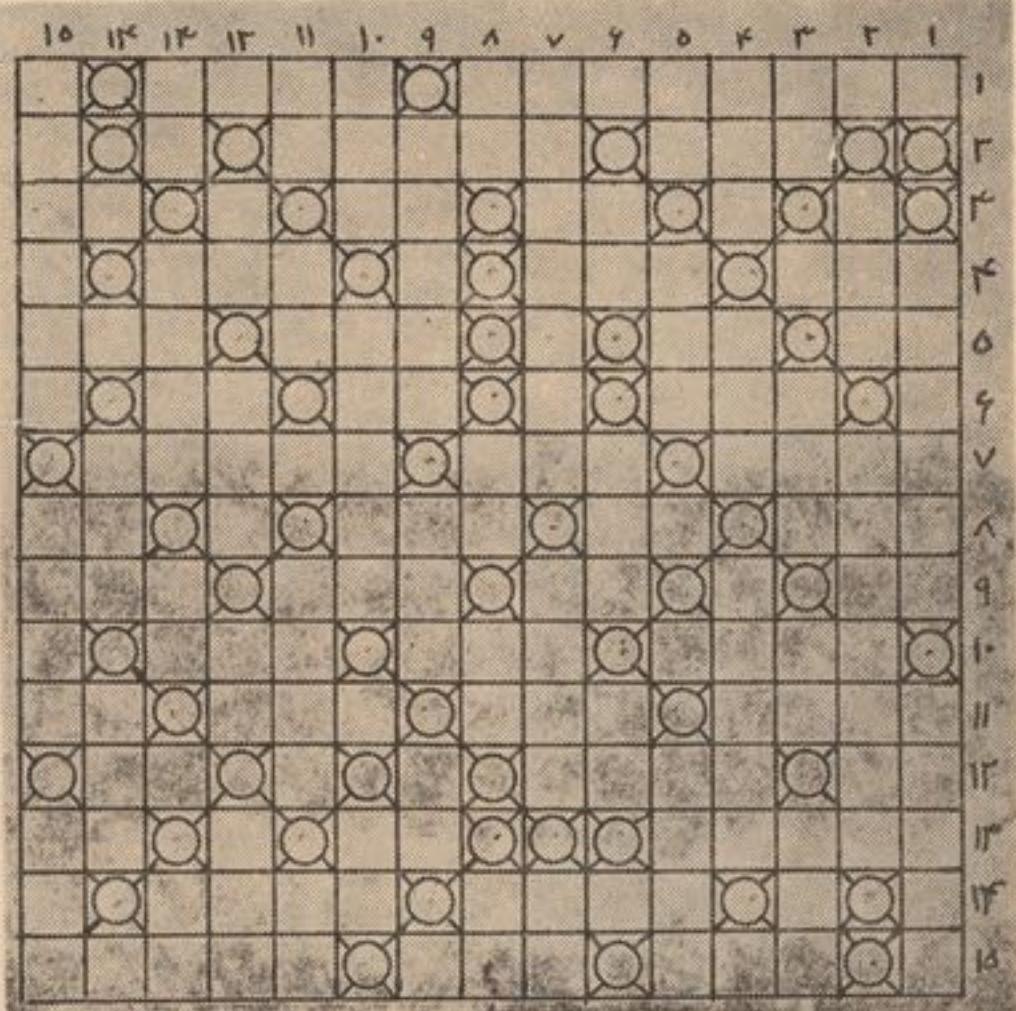
کشور هر یز ماقطه و مناطق زیبادیدنی دارد یا که از گوشه های یک منطقه زیبادیدنی را برای تان چاپ کردیم و از شما عنوان خواهیم برای ما بتویسید که کدام نقطه از کشور ما میباشد و فروشن اموال را در آن مناطق یه قام چه یاد میکنند؟



## این ستاره از کدام کشور است؟



ای، چهره یکی از ستاره های سینما ی غرب است شاید در کدام فلم اورا دیده باشید خوب اگر با جهان هنر و سینما آلمان باشید به هر چهره سینمایی جهان آشناز خواهید داشت آیا میتوانید پوکویید که این ستاره سینما از کدام کشور جهان بوده و در کدام فلمها کار کرده و کار میکند اسم او را از شما نه میتویم تنها از کشور و موسسه فلمبرداری که وی در آن کار میکند من پرسیم . اگر حل آنرا پیدا کردید برای ما ارسال دارید .



عمودی :

- ۱ - از جمله بیغمبران - رویداری ۲ - از آب میخیزد و به خشکه میباشد - در سر کسن نمایش مید هنده ۳ - خشکه - آدقه - حرف ربط - باشیخ یکجا میباشد ۴ - نا وقت اسما - لوازم ۵ - عددی نا مکمل - خرمن را در وقت برداشتن میگویند سیم شکسته ۶ - مخفف یکی از اجسام سماوی - بلی - عکس شادی ۷ - نوشیدن - رفیق تیر است - نزدیک ۸ - زاغ دم بریده - حرف اشاره - شروع و بیان راز - یک حرف و دخانه ۹ - تکرار گرد ن - عکس - فراموش - برادر پدر - ۱۰ - دوازده ماه - معلومدار جدید ۱۱ - عکس مرد - نوعی خنده - مسترد کردن ۱۲ - ضمیر واحدگایب - از جمله قلزات - آخرین حصه حیوانات - اول و دوم نیست - ۱۳ - زرم دوا مدار - بدون ..... راحت نیست - آدم سر بر یید - دردبی آغاز ۱۴ - آواز - خود ش در آسمان پا یشن در زمین - از صفات خداوند هج - تحفه - فلمی به اشتراک همچو کمار -

کشیدن نفس عمیق و استنشاق عوای ازاد و تمیز، عضلات و پوست را نقویت میکند و بر چهاره چذایت دلپذیری می بخشد پوست که از صد ها و هزار ها سلول زنده خود ایجاد کنند. اتفاقاً پوست صورت علاوه براینکه در بهتر چلوه دادن زیبایی نقش حساسی بعنه دارد، میین وضع مزاج و حالات درونی نیز هست، از همین روچهاره انسان را آینه میدانند گویای ضمیر انسان است والته پوست چهاره نقش اساسی در بیان حالات درونی انسان دارد، این راهه میدانند که پوست جزیی از بدن به شماره میرود و از همان سلول های که بدن را ساخته است و تشکیل داده اند، بوجود آنده واژ همان خونی که اعضا مختلف بدن نیاز خود را برطرف می‌سازد تغزیه میکند. بنابراین سلامت عمومی بدن و وضع جسمانی و روحی در آن تأثیر انکار نماید و مستقیمی دارد.

چافی و لاغری، سلامت و بیماری نفس تغذیه و کمبود ویتامین ها، ورزش نکردن، بیغواری کشیدن در چهاره آزار و علایم هویدا و اسکاری باقی میکارند بدین جهت خانم هایی که به زیبایی خود علاقمند هستند باید ابتدا بوسیله تمام این اقدامات بدون خواب کافی بی اهر و بی فایده است، خواب هم خستگی را از تن بدر میکند و هم قوای ازدست رفته را باز میکردن، و همچنان طراوت و شادابی پوست را محفوظ میدارد.

تستن صورت با آب گرم و ماسا بون، البته صابون ملا یم در امر تا دابی صورت نقش بسزایی دارد.

و پس از شستن اگر تنبا با چرب کردن گریم روی اکتفاء گردد خیلی بهتر خواهد بود.

هاساز با کریم های مخصوص که برای این کار تیبه شده در امر طراوت و شادابی پوست صورت خیلی ها هو تر است. البته این هاساز ها از خود شرایط و رهوزی دارد



که با یستاد از متخصصین این امور دستور گرفت و بعد آنکار برد. یک مو ضوع را همیشه متوجه باشید اگر زیاد به آرایش علاقمند هستید و این کار یکنون عادت برای تان شده است لذا اقل در شب و قیکه مس خوابید این آرایش را از صورت خود باکرتید تا لاقل پوست چهاره تان بتواند ازداده تنفس کند و افرزی لازم را حاصل بدارد.

بهر حال مو فو ع قابل یاد آوری یکی هم اینستکه آن عده دختران جوان که پوست صورتشان بصورت طبیعی از شادابی و طراوت برخوردار است نباید با استعمال لوازم آرایش که صرف روی تفتن صورت میگردد استعمال کنند. و قیکه صورت آنها خود بخود از زیبایی طبیعی بر خورداد است چه لازم که با پوشش از مواد کمیابی خوش تندستی و سلامت است به در خشند گی لطفه وارد سازند، و شفایت و تا دابی چهاره خود را از بین ببرند.

زیبایی مخصوصی دموختی برای چهاره خود وجود آورند، بیشتر اینست که بر طراوت و شادابی و خوش رنگی چهاره بیفزایند و بدبودی میکند و بر چهاره چذایت دلپذیری می بخشد پوست که از صد ها و هزار ها سلول زنده خود ایجاد کنند. اتفاقاً پوست صورت علاوه براینکه در بهتر چلوه دادن زیبایی نقش حساسی بعنه دارد، میین وضع مزاج و حالات درونی نیز هست، از همین روچهاره انسان را آینه میدانند گویای ضمیر انسان است والته پوست چهاره نقش اساسی در بیان حالات درونی انسان دارد، این راهه میدانند که پوست جزیی از بدن به شماره میرود و از همان سلول های که بدن را ساخته است و تشکیل داده اند، بوجود آنده واژ همان خونی که اعضا مختلف بدن نیاز خود را برطرف می‌سازد تغزیه میکند. بنابراین سلامت عمومی بدن و وضع جسمانی و روحی در آن تأثیر انکار نماید و مستقیمی دارد.

چافی و لاغری، سلامت و بیماری نفس تغذیه و کمبود ویتامین ها، ورزش نکردن، بیغواری کشیدن در چهاره آزار و علایم هویدا و اسکاری باقی میکارند بدین جهت خانم هایی که به زیبایی خود علاقمند هستند باید ابتدا بوسیله



پیوسته بگذشته

## از تاریخ با دید آموزه

برای اینکه ما به برگاه دگماتیزم متوات نکیم و هم جنان بشکل مسجم به باسخ سوال فوق العاده بر داخه بانشیم باید سخن را از یک مبداء اخماز نهایم و آن مبداء سازنده خود تاریخ (انسان و طبیعت او) است. انسان به شهادت تاریخ هو جویی است هو شفند اجتماعی، طبیعت او چنین است. لذابای دلگ آنچه متوفی است همین در غصه میتواند بحیث محک قرار گیرد.

این معنی که تمام عناصر فعالیت تاریخی انسان که به اصل فوق یعنی هو شفند بودن و اجتماعی بودن مطابقت دارد، هر قی محظوظ می شود. درینجا باید یک اصل تاریخ قادر بوده است واقعیت ها را بینند، شرعاً شر، تعاظزرا تعاظز و جنایت راجهای بنا مد فضیلت بزرگ دیگر است که از هو مانیزم سر چشم می گیرد و عالی ترین نشان ترقی محظوظ شده می تواند، کلمات شر، تعاظز و جنایت تعریف ساخته رویداد های نیستند اینها در حقیقت در جریان مبارزه و تکامل تو لد شده اند.

چوانان خوب وطن! امید است به درازا کشیدن بیث شما و اخنته نزد کوشش ما در این است تا بشکل همه جانه و میسوا و لایهای تاریخ را بشما عرض نمایم بحث و بی حالت میسازد و برای جاره آن و جلوگیری از این وضع تنبا و تنبایگر فتن روزیم خذاین است باشد که در جهت آمو زش شما قدم های و بس، همچنین لاغری زیاد باعث چین و فرایخی برداریم.

ادامه دارد

پس خود تاریخ به متابه سنت محک

## هر اقیمت از پوست بدن

لوازم آرایش گوناگون بندول میدارند و با این موضوع مهم توجه ندارند که همین لوازم آرایش بیشتر بچهاره پاک شان صفعه وارد میکند. این عده زنان و دختران باید بدانندگه این مواد کمیابی علاوه از اینکه برزیابی آنها نهی از ایزاید بلکه در مدت کم پوست آنها را مخصوصاً شاداب و طراوت صورت آنرا خراب ساخته و از زیبایی صورتش میکاهند. بنابرین این عده خانم های جای تندستی و سلامت است به در خشند گی اینکه بکوشند تا به کمک لوازم آرایش یک جوان سفیر و کوشش خود را بیشتر به تبیه

# حسابت و یشه سعادت خانواده را

## نه خشکد

گذشت روز گار هر چیز را تغیر داد ولی  
چیز یکه را که تغیر نماده حسابت زن  
است .

من شاید در این باره غلو کرده باشم  
ولی حقیقت اینکه حسابت های بی جای زن  
ریشه خانواده رامی خشکد و زندگی خانوادگی  
را بر باد میدهد .

چرا زن ها این قدر حسود اند ؟  
بعضی ها دلیل این حسابت را دوستی  
زن نسبت به شوهر و آنmod میکنند . اما  
من به این حرف یاور ندارم بظاهر اینکه  
 Hustend زنا نی که شوهر خود را می برسند  
ولی حسابت های بی جای بی مورد نداوند .  
شروع زندگی امروزی و مصروفیت های که  
پرای مرد ها مخصوصاً شوهر ها گاه گاه هی  
بیندا میشود بعضاً هو قیمت های وا پیدید  
می آورد که شوهر نمیتواند انتظار که لازم  
است بعنده خانوادگی اش بر سد و همین  
نارسایی که دلیلش مصروفیت های بیشیش  
ناشده است زن را عصبانی ساخته و توأم  
با این عصبانیت و حسابت که اکثر زنها  
هسته سفاهه به آن سر چخار اند زندگی خوش  
خانوادگی از هم می باشد و دگر گونه میشود .

چرا این کلمات را برای شهاگفتمن ؟ برای  
اینکه خود در این مشکل گرفتار و چنین  
است قصهای زندگی من : زن زیبا و تحصیل  
گرده دارم تحصیل گرده به این معنی  
که دوازده سال دوره مکتب را تمام گرده و  
شامل یکی از ادارات است . من هم کار  
میکنم و در یکی از مسات ماموریت دارم .  
مصروفیت های اداری من طوری است که  
کاهش اتفاق می افتد ، تا دیر وقت ها کار  
برد . اگر سو قلن در کار نیست پس علت  
این همه داد و فریاد و نا سزا گفتن ها  
چیست ؟

به یقین در بعضی از زنها حسابت ورزیدن  
یکنوع عادت وجز خصلت آنان شده است که

در این صورت وای بحال مرد بی چاره که  
سر چخار چنین زنی شود .

شما را چه درد سر بد هم زندگی دارم  
که دل هریشته بحال من میسوزد . تاسف  
من از این است که زن تحصیل دارد ، جمال  
دارد و زنی مشخص و امروزی است ولی با  
تمام این ها از او عمالی سر می زند که از  
زن بی سواد و بی تحصیل و دنیا نادیده  
سر نمی زند .

من چنین فکر میکنم که اگر هر قدر مرد  
در خانه اش احساس زیوندانه دیاره به  
قا گزیر یاری گزیر از این وضع جای دیگری  
را جستجویم نماید که در آن صورت و قسم  
زندگی خانوادگی چه میشود . با اینکه این  
اتفاق می افتد که کو چکترین حرکتی باعث  
عصبانیت و نا راحتی انسان گردد . من از  
آن روزی می ترسم که بدون اراده و خواست  
قلیل کاری کنم که بعد ها برای هر دوی  
مان سودی نداشته باشد و هر دو از عمل  
خوبی پشیمان باشیم .

\* بلی همسرم با اینکه تحصیل گرده و زن  
فیضیه است همینکه چندلخته نا وقت به  
خانه می آیم بنای داد و فریاد را میگزارد و  
خوب شنیدن خانواده خود می ژلند ؟



که فکر نکنید ها از همسر تان پشتیبانی  
میکنیم و او را حق بجا نمایند نیم و کار  
ها و اعمال او را که در حق شما روا میدارد  
بجا میدانیم ، ها هم با شما در این مورد هم  
عقیده عستیم که زن امروز دیگر زن دیر و  
نیست ، او امروز تحصیل دارد ، دانش دارد  
و مشکلات زندگی امروزی را میداند و از  
زندیک یا آن اشنا عست چه فرود گه زندگی  
خوش خانوادگی خود را دستخوش نازاختی  
گرداند .

درست است که یکنده زنها حسابت دارند  
و شاید تمام زن ها این حساس را دانسته  
باشند اما نه به این شدت وحدت .

اینکه گفته اند حسابت نهایانه عالمیاند  
زن نسبت به سو هرس است شاید نا اند از  
درست باشد ولی حسابت های بجا و معنی  
را گفته اند نه این حسابت که خانم شما  
در برابر تان دارد .

ها از خانم شما که زن تحصیل کرده و  
فهمیده است خواهش میکنیم که زندگی خانه  
وادگی خویش را دستخوش نا راحتی نه  
سازد و کمی به زندگی از دریچه دیگر بینکرد  
درست است که او زن است ، و هی خواهد  
که سو هرس دایم با او باشد ، امادر زندگی  
بعضی مواقع بیش میشود که پرو گرام منظم  
زندگی را بر هم می زند و در این مواقع زن  
نایابد در مورد سو هرس فکر های نا را ورا و  
بد یکند و زیاد حسابت بفرج دهد .

ولی یک مو شمع دیگر هم قابل یادآوری  
است که من بوط به خود شما میشود ، و آن  
اینکه ، کاری نکنید که حسابت همسر تان  
را تحریک نمایید اگر میدانید که همسر تان  
زیاد از دیر وقت آمدن تان نازاخت میشود  
چه اجباره که دیر به خانه می آید . بیا نه  
گیری نکنید و برای خود دلیل نترانشید .  
هیچکس شما را مجبور نسا خته که تا دیر  
وقت به خانه نمایید . واگر واقعاً کار دارید  
صمیمانه و رفیقانه به همسر تان پنهانیاند  
که مصروفیت تان از چه قرار است ، اگر باز  
هم باور نداشت از او بخواهید که محیط کار  
تان را از زندیک بینند چه عیب دارد که  
همسر تان به کار های که میکنید آشنایی  
داشته باشد و به یقین و قیمه همسر تان  
دانست که شما به او وفادار هستید دیگر  
حسابت نخواهد کرد و زندگی خوش خانواد  
گیتان صد هم نخواهد دید .

به امید زندگی خوش خانوادگی تان

## غیر او تو له

بوری چی دزوندانه دلارو چارو دموندلو او د  
لاسته را وارلو اویه هره برخه کی داریتاو د  
پوره کولو دیاره دیوی گولنی دغیریو یه من  
کی دهمکاری او تو ساند روچه نه وی موجوده  
او هریو دنورو دایتیاو دیوره کولو د پاره  
کو شبن او ز یا د نه با سی هیخکله .

نومویی اپتیاوی یه بنه اوپوره چول سرته  
نه رسپری تو همدنه سبب دی چی انسانی  
زوند لکی برشی خنده دکراو و تو سره مخانع  
کیزی . خرتکه چی په گولنی کی هرگزی  
نسبت و چهه گولنی ته مسوویت لری چی  
دنورو دایتیاو دیوره کولو لپاره هلی خلی  
پا تی ۵۱۴۰ مخکی

دائم باید وویل شی چی تر همه وخته

## در باغ وحش

یک پدر با پسر خود به باغ وحش می‌روند.  
پسرک نزد متصدی باغ وحش زاری می‌کند:  
— کاکا جان برای من یک فیل به بخشید.  
متصدی باغ وحش می‌گوید:  
— نمیتوانم پسرم، آنها حسابت شده‌اند.

## دزد هوشیار

بروفیسور به منزل می‌رسد، داخل گاراژ می‌شود. هنگام پایین شدن از موتر صدا یافته می‌شود می‌گوید درینجا کسی است دزد که در زیر موتو پنهان شده است صدا می‌کند: خیر! برو فیسور می‌گوید: من قسمی خورم که فکر می‌کنم صدایی شنیدم.

## قهرمه‌مان

مهمان به غصت می‌گوید:  
آقای پیش خدمت، این گفته شما اصلاً از خوردن نیست!  
— شما باید از گاو شکایت کنید!  
— من هم به همین سبب شما را خواستم.

## در هفته کار کنید که روز جمعه باشد

برای چه پست‌تان کار نمی‌کند?  
— برای اینکه او خیلی خرافا تی است و می‌گوید برای آدم بدینختی می‌آورد که انسان در هفته ای کار کند که در آن یک روز جمعه می‌آید.

آقای مولر چون خیلی گر سنه بود موثر خود را در پهلوی یک رستوران ایستاده کرد تا غذا بخورد. هنگامیکه در دروازه رستوران این اعلان را خواند:  
(در اینجا مانند خانه تان غذا می‌خورید!)

آنوقت فوراً وبسرعت از رستوران دور شد.

## غذای مزه دار

پیش خدمت از مشتری سوال کرد?  
— آیا غذا مزه داد؟  
— من بهتر از این غذا خورده‌ام.  
— اما نه در ترد ما.

## یک دیواوه چه می‌کند

— اگر بالای درخت بالا می‌شود و دیگر با یین شده نمی‌تواند?

— خیلی آسان، او خود را از یک برگ آویزان می‌کند و صبر می‌کند تا خزان شود.

## بیمه کردن دست و پا

رئیس کلوب فوتبال به سپورت مین های خود می‌گوید:

— شما در مقابل حادثه بیمه هستید. برای شکستن دست و یا پای ده هزار مارک واگر پای از دو جامی شکنند پنجاه هزار مارک دریافت می‌کنید. اما اگر گردن خود را بشکنید، میلیون نریم شوید.



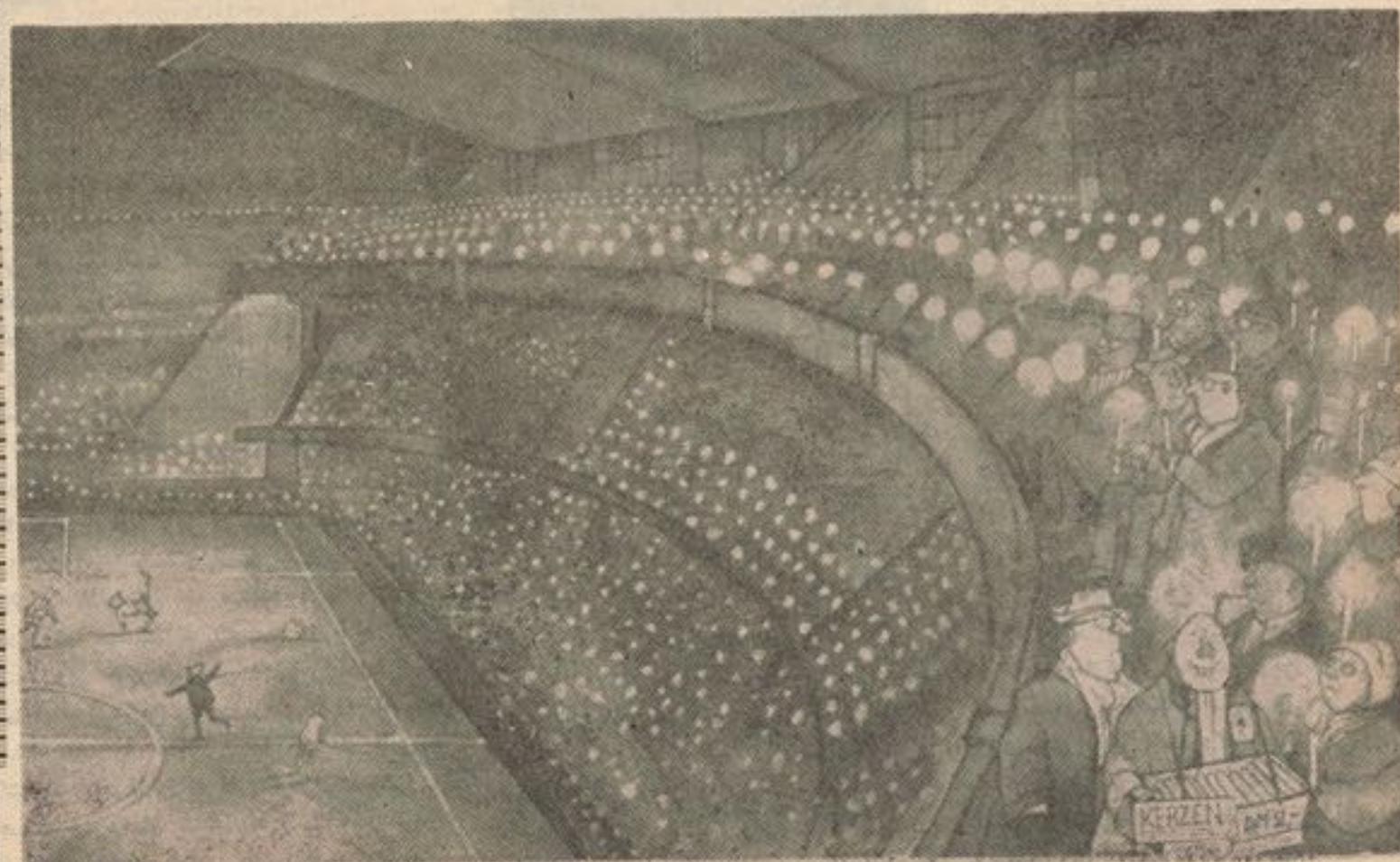
## ساعت دیواری

— کلاوس، زینه کوچک را از مطبخ بیاور تا ساعت دیواری را درست کنم، زیرا ساعت دو دقیقه بسی مانده است.

— آه پدر تا وقتی که من زینه را بیاورم، وقت دو دقیقه تیر شده است.

## زن هوشیار

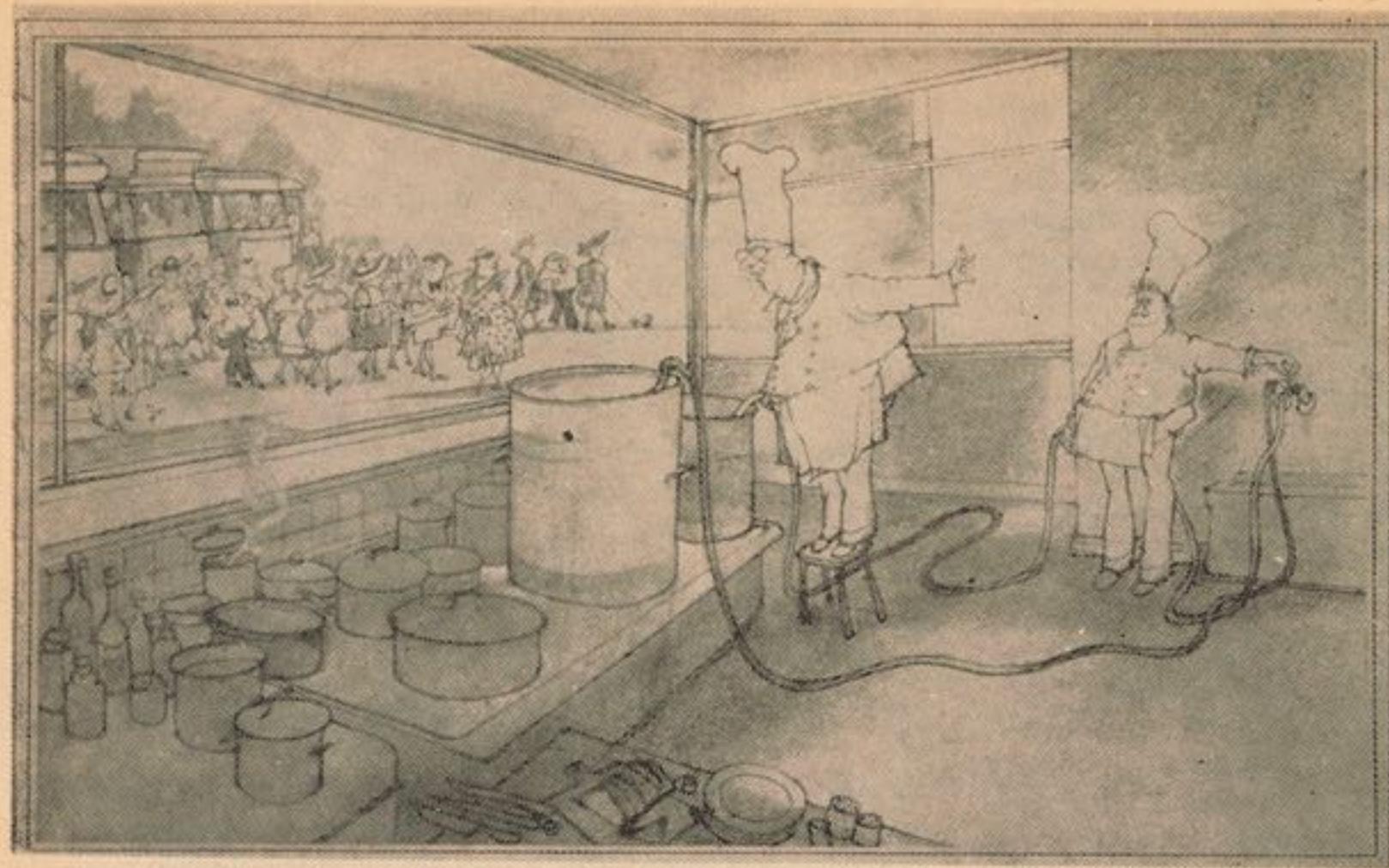
یک زن به رفیقه خود:  
شوجه‌رم فوق العاده طالع مند است. دو روز قبل خود را در مقابل حادثه ترافیکی بیمه کرد و دیر و زاو را موتور زد.



شمغ فروش به مشتریان: آیا بهتر نیست که برای هیدان فوتبال عوض روشنی انداز از شمع کار بگیرند. هم هیدان روشن می‌شود و هم مقبول می‌شود.

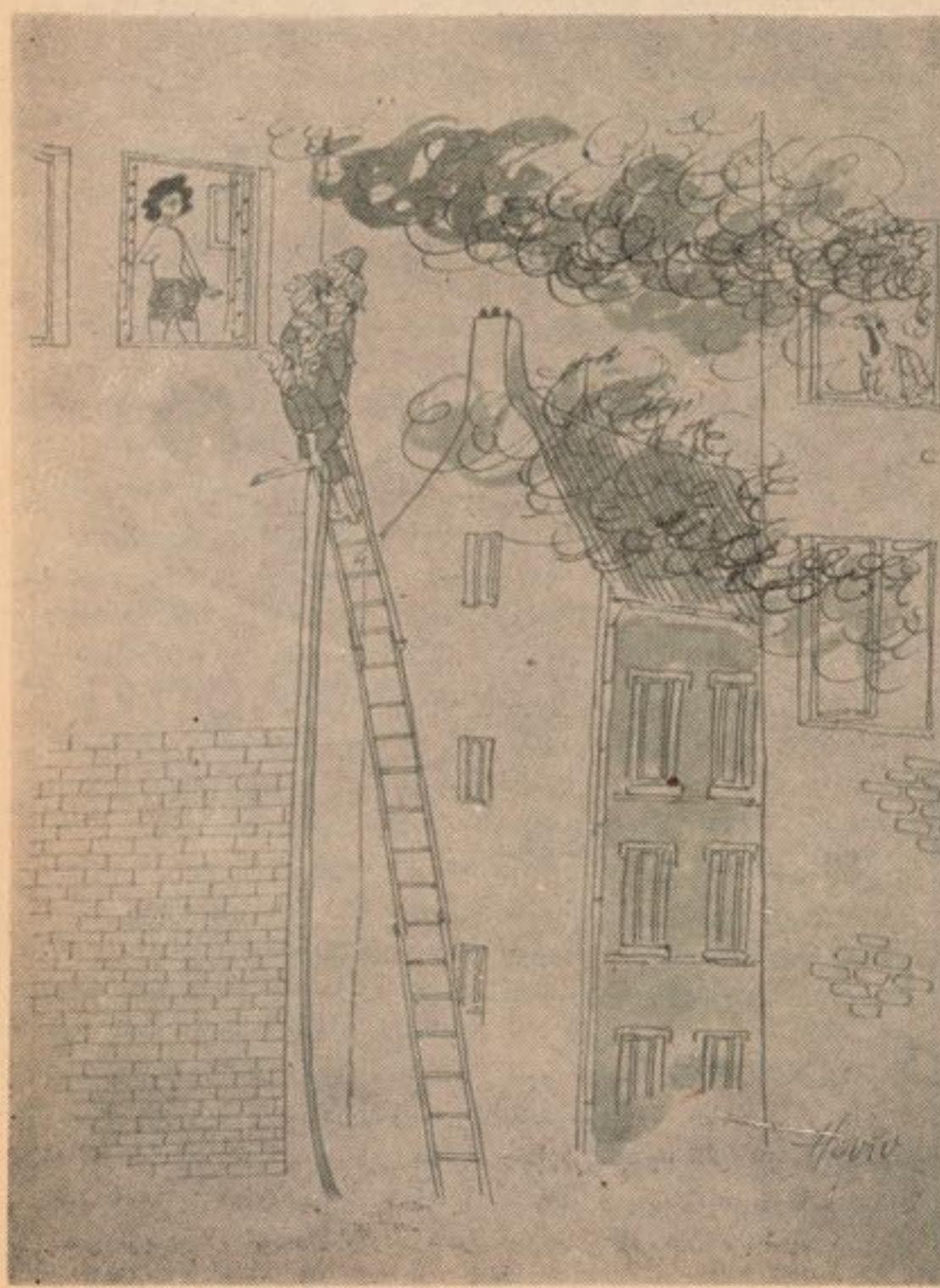
## خاطره

### اولین عشق



هالک رستو رانت : زود شو، زود جو، شیر دهن آب را باز کن و گرنه شور بای ما برای چهار  
شان برای صرف چای می رفتم سرو یس نفر کفا یت نمیکند .

جداب یعنی چه ؟ او یکی از زیبا  
ترین زنان پاریس بوده، ولی من  
هنوز نمیتوانستم در این باره قضاوت  
درست بکنم . من اورا زیبامی دانستم  
در حقیقت هم همینطور بود  
او دختر یک نقاش معروف بود  
رکه بایک نویسنده ای که شهرت  
جهانی داشت ازدواج کرده بود .  
نویسنده یکی از رفقاء نزدیک یدرم  
بود در آن آوان من هم بازی پسرانش  
بودم و در روزهای یکشنبه به خانه  
شان برای صرف چای می رفتم  
همه چیز در آن خانه زیبای بوده و از



طرف من چه می بینید ! آتش را خاموش کنید .

خوبشختی حکایت می کرد . خنده های او بر از محبت و چشمها نشان پر  
از لطفات بودند . من چگونه می توانستم که عاشق او نشوم ؟ این  
وظیفه من بود که باید اورا پرستم همیشه در این فکر بودم که چگونه  
این عشق آتشین خود را به او اعتراف کنم . آیا این کار را می توان نستم  
آیا جرئت آنرا داشتم ؟ ... خیر، خیر، بهتر بود ... پس چه باید  
کرد ، باید بهر صورتی که بود به او اثبات عشق کرده ... در این هنگام  
پلان جسورانه ای را در مغز خود طرح کردم ، بدین معنی که تمام پول جیب  
خروج هفته خود را پس انداز نموده و برای اوتتحفه گران بهایی تهیه کنم  
و این کار راهنم کردم . با هشت فرانک که تمام پول من بود دسته زیبای گل  
بنفسنه خریدم . این زیباترین دسته گل بنفسنه ای بود که من تاکنون دیده  
بودم دسته گل بزرگی که به ساختن می توانست آن را با دودست نگهداشتم .  
پلان خود را بدقت سنجیده بودم یعنی میخواستم به ساعت دو بعد از  
ظهر به خانه آنها رفته و به عنوان اینکه به اطاق اطفال بروم ، مستقیماً  
ورود خود را به اطلاع او برسانم .

اما این کار ساده ای نبوده . او وقت نداشت . با آنهم برای ملاقات  
او اصرار ورزیدم ، و خدمه اش مجبور شد مرابه اطاق او رهنمایی کند . او  
چون میخواست بیرون برود ، مشغول آرایش موهای خود بود . با قلب  
بر پسر بان دا خل شدم . بدون آنکه طرف من برگردد گفت :

- ((ساشا ، روزت بخیر ، چیزی میخواستی؟))  
بالکنت زبان گفت :

- ((خانم ، این گل ها ...))

و آنوقت دسته گل زیبای هشت فرانکی خود را پیش کردم .  
گفت : (اووه ... چه گل های قشنگی؟)  
در این وقت نزد خود فکر کردم که کامیاب شده ام و در حالیکه تمام  
بدنم می لرزید ، یک قدم جلو تر رفتم او دسته گل را گرفته و به چهره خود  
نزدیک کرد ، گویی می خواست آنرا ببوسد . آنوقت آهسته زمزمه کرد :

- (چه رایحة خوش دارند .)

قلب من از شوق می لرزید .

سبس افزود :

- (به پدرت بگو ، من از او تشکرمی کنم .)  
و با این جمله عشق من بایان یافت .

## درس ها و خشوهای ...

محیط فزیکی که زندگی دارد دارای یک محیط روانی نیز میباشد که بور اندازه که این محیط روانی با واقعیت ها تزدیکتر باشد روابط فرد نیز با افراد دیگر سالم تر و طبیعی تر میگرد و آنچه که محیط روانی فرد از واقعیت ها با صله میگیرد نحوه روابط نیز غیر طبیعی تر میشود.

بخش یکم : بررسی و انگیزه یا بی اختلا  
ب های چووانان با سالمندان

یغش سوم : کاوش راه های اساسی و  
طبیعی ممکن برای پایان بخشیدن به مهاجرات

این درست که اختلافات خانوادگی در میان بیشتر خانوادها زاده عواملی است که در هر فاصله میل وجود دارد، اما خود این عوامل از چه ناشی میگردد و چگونه راه حل میابد پویاند امین :

یکی از عوامل عدمده، مسایل اقتصادی است. به این ترتیب که در یک خانواده چند نفری صرف یک یا دو نفر کار می گشته، در پیش این مساله مسایل دیگری هستند اینکه اغلب باز هم به دلایل اقتصادی پدران و مادران تازه عروسها و دامادها را نمیگذارند در خانه‌چدا کانه‌وبا استقلال خانوادگی زندگی گشته منجر به کشیدگی هایی میگردد که این گونه رسم و رواج های ناسود هند بایستی با تبلیغات گسترده به وسیله وسائل ارتباط جمعی رفع گردد واز میان بر داشته شود و تلاش به عمل آید تا فامیل های هستوی جای خانواده های تو سعوی را بگیرد، البته باید یاد آوری گرد که پرابلم عای روانی به اشکال دیگر در فامیل های هسته وی هم وجود دارد متنها حجم آن کمتر از مواردی است که میتوان در فامیل های تو سعوی اینکه علل اساسی موجودیت اختلاف این میان همیشگی و حل نشده میان نوجوانان نسخه نمود.

جوانان و سا لمنان در چه مواردي خلاصه يكردد و خاستگاه آن چه ميپاشد در يك ديد مللي باید از عوامل اقتصادي ، فرهنگي و ميتوان به کشیدگي ها و ناساز گاردي هاي خانوادگي پايان يخشيده ممکن است هر يك جتماعي نام گرفت .

بزرگسازان زاده شرایط دیگري وجود از اين را ازديدگاه جدا گانه مورد بررسی قرار دهيم كه در نتیجه به گروه هاي جدا گانه تقسيم ميشويم ، مگر در ديرas ميتوان در دو بخش به مطالعه گرفت ، يكى خرد و در سن گتو تا زير چوانان اهرو زى وده اند اين همه و ساييل ارتباط جمعي مانند ادبيو ، تلو يز يون ، سينما ، تياتر و نشرات طبع در اختيار شان قرار نداشته و تجارب باز فکري شان در محدوده روابط خانوادگي شکيل ميافته است در حاليكه گودك امروز نو جوانان امروز تمام اين وسائل را در اقتصاد ، نفتخه است .

جهان بینی متکی بر اصل تو جه بسر  
مسایل و رخداد های تاریخی موید است  
که زیر بنای های اقتصادی در بین یک جامعه  
همان انگیزه حاکم و تعیین کننده در همان  
جا متعه میباشد به گو نه ایکه در یک جامعه  
اگر مسایل تو لید مشکل طبیعی را به خود  
پیگیرد روابط میان افراد خانواده نیز از نظر  
حقوق فی هنا سبات طبیعی است و عکس آن  
در جا متعه دیگر که گو نه روابط تو لیدی  
به شکلی سازمان دهنی داده شده باشد که  
طبقات محکوم و حاکم در آن عرض اندام گشته  
و داشت ها بش از مسائل زیر تأثیر این  
مسایل آگاهی دهنده قرار دارد ، به عنوان  
مثال تو جوان امروز در تلویزیون می بیند  
که از نظر سایکا لوژیک و سوسیو لوژیک  
چگونه با ظلل بر خود میشود و نوعی تفاصیل  
آنچه می بیند و آنچه با او عمل میگردد  
به وجود میباشد که همین تفاصیل موجب بروز  
اختلافات و کشمکش ها میگردد که اگر در  
خانواده های شکلی از اشکال همین خصوصیت  
های روانی در نظر گرفته شود این مشکلات  
مجدید نمی آید .

در گشور ها اگر از مسائل اقتصادی و این اصل دور نماند و خواه نفواد زیست جتماعی بگذریم ، مسائل روانی در چگونگی تأثیر این گونه روا بطا خا کمانه و معکو مانه روابط افسای خانواده نقش عمنه و تعین قرار می تغیرد .

شما عروس‌ها ...

وی مطالعه میگردد و نه در دارابوند خواهر سرد بسازید و همه را  
ویا نادار بودنش فورا میخواهید دشمنش وانمود کنید - نه خاتم  
همه خواست هاو آرزو های بر نیامده ها، نه عروس های این طور نمیشود این  
تنان در طول زندگی تان به خانه پدر راه زندگی نیست - راهی که شما  
برآورده گردد - یعنی پیراهن عروسی  
شما در فلان خیاطی نام آور شهر  
دوخته شود - محفل نکاح تان در  
فلان هو تل در چه او ل انقاد  
یابد وزیورا ت شما - از  
فلان نوع و به فلان مقدار باشد و بعد  
از عروسی هم آرزو دارید خوب  
یخورید ، خوب بپو شید و خوب آفاده  
فروشید شما به بیانه اینکه دو شش  
به دوش هر د کار میکنید و کارداداری  
دارید دست به سیاه و سپید خانه  
نمی زنید - در جا رو گردن وظرف  
شویی و بخت ویز وغیره امور خانه  
سهم نمی گیرید و در همه این موارد  
هم می خواهید دیگران آن یکنندگه  
شما می خواهید و آنگو نه به انجام  
آورند که شما دستور میدهید .

شما که اگر عقب ماندن فلان کار  
منزل باشما طرح گرددبا خشنونت  
عزیز در مورد خشنو هایین است که  
جواب میدهید که (کوفرصت)؟ هر  
آنها به تریت فرزندان شما مداخله  
صبع و شام ساعت ها وقت تان را در  
میکنند - آنها را ناز دانه و بی تر بیت  
پای میز آرایش صرف می کنید و  
بار می آورند که اگر حرف حسابی  
ای کاشن که این آرایش به خاطر  
شما همین است میتوانید نه از راه  
خوشنودی شوهر باشد که چنین  
طنز گفتن و نیش زدن بلکه باصفا  
قیست و همیشه پیش از  
وصمیمیت چیز هایی را که میدانید  
خارج شدن از منزل عملی میگردد و  
با آنها در میان گذارید و آنها را با  
برای شوهر بیچاره همان پیرا هن  
زیان خوش ملتقت گردانید .

لیف حانه است و در این نشسته و سخن‌های فراوان دیگری هم آرایش نشده باموی شا نه نشده در روابط شما با خوش‌های تا ندارم و بی‌اعتنایی هایی فراوان دیگر در همین که بعدها آن هارا به وزین نامه زمینه.

شیادر زندگی خانوادگی انتظار برای یکبار هم شده شما عرو سها  
دارید مادر شو هر یعنی خشوبی شما سر به گریبان تان فرو کنید و عاقلانه

به هر عمل درست و نادرست شما ترا اندیشه کنید تابعه از این تنها به صحه گذارد و نه تنها آنرا تایید قاضی نروید و در همه‌ای موارد تنها کند که مورد ستایش نیز قرار دهد خودتان را محقق ندانید - والسلام

شمامی خواهید که از شهر بر ده اداره:ما این نامه را بی آنکه  
بسازید و موج بی اراده و عرو سکنی محتویات آنرا رد یا تائید کنیم بچاپ  
که جز به اراده شماکاری انجام سپردم و اگر نامه هایی دیگر هم  
ندهد شما در بگو مگر ها و مشاجرات در همین زمینه و دیگر مسايل  
خود باشو هر فورا پارا از گلیم خود خانوادگی برای هابر سد نشر می  
بیشتر درا ز می کنید ، اشک کنیم تاباشد حقایق آشکار شود و  
تمساح میریزید و به مادر شو هر مقصرمتوجه اعمال خود گردد و در  
اهانت میکنید واز همه ی این ها رفتارش تجدید نظر کند - منتظر  
گذشته در این آرزو میباشد که با نظرات و پیشنهادات شماره مورداين  
پس گويی های خود دل او را از مادر کار تازه ژوندون میباشيم .

## مسو و ایمت والدین

را از طرف والدین مینماید. باین معنی هنگامیکه طفل تو لد میشود یا که فرد نهایت محتاج است ولی در مرحله جوانی، یک شخص متفسر و فعل که تنها به محیط ما حول نمی تکرد بلکه به جهان دا خلی و آند یشه نیز توجه دارد. اور در مرحله اول آمدن خود را بدینها در محیط خانواده چنین اعلام میکند: (من بد نیا آمدم ام، از من مرآقبت کنید، من بید فاع و بیجاره میباشم، حتی برای یک دقیقه هم مرآقبت مطلوب را پشیوه درست از او دور نمایید و در پهلوی گهواره ام بمانید) هنگامیکه او بار دوم تو لد میشود

۵۴۷ مخ پاتی

## غیری او تو له

تو له چی له نفسی انسانانو خخه جویه وی همه دبل دیاره په مشکلات او گرانیاو او بی مومنی شی او چی کله دفعه هدف تر لاهه سونو دیوئلی دیوئل ارمانو یه تحق کسی کوم مشکل او خنمه به ونه لیدل شی. خکه نو هر یو غیری په تو له کی دزوند کولو سره سم بايد خیلی وجیبی او وظیفی په پوره دول و پیترنی او دهفو ستونزو او که اوونو دله منخه و پولو لپاره هاند او کوبینس و کری چی دهیواد والو دزوند تهدیدیو، پدی صورت کی بی بی نهیا زی دیوئلیزی عو سا ینی په تا مینو لو او منخه ته را ور لو کی بر خه اخستی وی بلکن خپله ارا متیا او هو سا نیه بی بی هم تامین کړی وی او داعفه عمل دی چی مسرو لیتو نه او مکلفیتو نه دهفو په تر سره کو کو سره سر ته رسپری.

هر یو غیری په تو له کم وظیفه لری چی مترقب او آباد افغانستان د خبل عیواد دیوئل زیار کپنا نو لپاره د نیکمر غر ارامه او هو سا ینی هر کز و ګر خوی. دخه رسالت چی تاریخ زعوید د گران هیواد داو سنت نسل په غایه اچولی لکه خرنکه چی زعوید زیار ایستو نکو مسلما تو خلکو دافغا نستان د خلک دو کرانیک کوند تر لازیتوونی لاندی دا خبره تابته کړه چی دوی دا قدرت او ویا لری چی یغیل گران هیواد کی او همدا رنکه یغیل سر نو شت باندی دظامانو او شیطا نانو واکمنی پای ته ورسوی او انقلابی بریالیتوونه و ګټه.

نوددی دیاره چی دوطن او انقلاب په ورلاندی دفعه تو له ستری تاریخی وظیفی په غوره تو گه تو سره شی، خبل بیو والی او بیو ستون د تو لئی په تو له تو خو کی په بشه تو گه تینک کړو یغیل گوند، هلس او دموکراتیک دو لئی باندی خبل نه هاتید و تکی باور او اطمینان زیارات کړو خو چی ذمود د تو له دشمنان او ارجاعی بانهونه په عیش چول و نشست کړی چی ذمود په تو له او ذمود د زیار کښو مکو به نه بیلندو نکو صفو دو کی قدرت پیدا او نفوذ و کړی چی دفعه باور او پیوستون ذمود د راتلو نکی غوریدلی تو له او مکلفیتو نه مثلو خخه غایه و نه غریب دمسوولیت هنل په یوه تو له کی او د هفه سره رسالت یغیل دیو انسان دروشنکری او وطنپرستی لوبه نبه او علامه ده او کوهه له کو هی هلی خلی او هاند و کړو.

از طرف والدین برای اطفال میباشد. دختری گفت که بهم ضمومات کلای که این نیز طفل را به بیرا هم می سینک خیلی علا قمند است در حا کشاند. البته کار درست جلو گیری لیکه والدین او عقیده داشتند که از افراد و تفریط در مورد آزاد یهای او به ساینس بیشتر علا قسے اطفال و نو جوانان است که بحیث خامیلی از طرف آنها است. تجا را پیشترین معلمان اتحاد منابع کشید کی فا میلی عرض شوروی نشان داده است که میتوان اندام مینماید.

نویا لغزان را بخوبی در نظم و اداره قرار داده صور تیکه از برخورد درست با آنها استفاده شود. والدین ناگزیر شان آگاه باشند و آنها را در مرحله حسا من زندگی شان رهنما بی درست نمایند. هر حله بلوغ تاکید میکند یاراند برای ایجاد تفاهم بین اطفال و نو جوانان یاراند که پدران و مادران آن در این سن خیلی

میر من تی مال کوو سکا یا یک معلم مجرب لینکرداد اتحاد شوروی پیشامد نمایند و با دید و سمع مسائل را لزنظر پسرو دختر نیز تحملیل یکصدو بیست خانواده در مسورد کنند. البته تحت این شرایط عملیه روابط آنها با اطفال شان انجام داده مینکارند که اکثر مصالحه شو ندگان نه تنها والدین از این اتفاق شا فراز بیه میکنند بلکه اطفال نیز خود در بیرون از نظر را بطره با اطفال شان در یک رویه والدین شان در میان در مقابله آنها وضع فوق العاده دشوازی قرارداد. ایجاد تسهیلات مینمایند.

والدین از جهان روانی اطفال و نوجوانان این وضع را دشوارترساز خاطر نشان میسازد که جمیع مشکلات مبنی بر تربیه ای این شان از این خته است.

در نتیجه سو الا تیکه از نو با لغان خانواده های مصالحه شونده بعمل آمد در حالات معینی جوان بات آنهاطور غیر مترقبه بر عکس جوان بات والدین شان بود که نهایا نکرند. هارا در خود بجا داشته ولی نمی خواهند اطفال تکنکنتری داشته باشند باشدند باید تاکید کرد که نو جوان نیست در مصالحه مذکور سری گفت که اوزار در میان کیمیا و بیو لور بغير نجات یعنی مرحله زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

است در مصالحه مذکور سری گفت که اوزار در میان کیمیا و بیو لور بغير نجات یعنی مرحله زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب ترلاسه کولای شوچی له یوی خواهی رو خپله وظیفه و پیزنو اوله بلی خواهند چی دستون زن و او که اوونو یا داسپارل کیمیا په بشیارل شویدی او ورسو چی په نتیجه کی بی هم زمود و جدانی هوساینه او آرامیتا تا مین شی او هم مو د خلکو او هیواد دیاره نمر بخشیو نکی او که از

کیمیا و بیو لور زندگی ای این مرحله است در حا لیکه زندگی کی هفده وخت پوره بریالیتوب تر

## دستکش

است، جبران نماید. من بعدا به آن شخص گوشزد می‌کنم، قبل از آنکه او را یک مرد جبون و تو سو بنا هم از میان دیگران بیرون بیاید!

احتمال اینکه در چنین موفعیتی ارباب من هر تکب چه عمل شدیدی خواهد شد، هر این در میان درب نگهدارشته بود تا ناظر حال او باشم و اگر لازم بود با استفاده از فوت اورا از چنین عملی بازدارم. اما اکنون دیگر هاندن خود را در آنجا بیش از این لازم ندیدم و آنسته از آنجا دور شده به اطاق خواب او باز گشتم، پس از گذشتند کوتاهی ارباب نیز باز گشت و از چهاره اش آناریک تصمیم قطعی نمایان بود، در چشمهاش برق عجیبی مید رخشید، قاهنش مانند روز بود در حالیکه یک دستکش چرخی خاکستری رنگ را محکم در میان دست خود هم شرد یعنی امر کرد تا سک ها را بیاورم... همین سک هارا که می بینید... من از جای خود حرکت نکردم اما او نگاه جانب من افکند که سرا پایی هر لرزاند و فریاد زد: «اطاعت کن!» من دیگر چاره ای جزا اطاعت امر او نداشت به عجله از اطاق بیرون آمد. هنگام که از مقابل تالار... همین تالار گذشت، افسران و سر بازان را مشغول خدمت و محبت دیدم، بالاخره با سک ها به اطاق خواهی خود یدم.

سک های وفادارش عینکه چشمان شان به او افتاد، در اطراف پیش به جست و خیز در آمدند، بعد در حاشیه یک دستکش سر او گردید و بجانب خارج شده و بجانب پلکان رفت... زینه را بیمود و در مقابل درب تالار لحظه ای تو قفت کرد. آنوقت بمن اهر گرد، همای نجا با سک ها منتظر او باشم و خودش داخل سالون گردید و درب را از عقب خود بست. من لرستان و مفترض گردن بند سک ها را گرفته در بیرون درب ایستاده بودم و بداخل تالار گوش میدادم. بمجرد ورود ارباب در تالار سکوت عمیق و مذهبش در میان سر بازان حکم را گشت. لحظه ای بعد صدای او را شنیدم که بالازم عجیبی می گفت:

«آقایان! یکی از شما امشب در اطاق خواب زن من بوده است، من از این شخص توقع دارم که از میان دیگران بیرون بیاید، اما من سزاگیر این تو همین و خیانت او را کف دستش بگذارم!»

بعد از ادای این سخنان، تالار چند در سکوت و حشت انتظاری بود و قلت، من بیش خود ذکر کردم، اندیش مقص در میان آنها نیست. بدین جایز اندیش متفهمی دو - قلم رخته یا قلت، زیرا اگر مقص در میان آنها بود واقعه ناگواری که من انتظار آنرا داشتم، روی نمایاد و صبح آفروز که سر بازان به جانب پاریس باز می گشتند، دیگر تمام غم ها و مشکلات بر طرف میگردید و آنقدر وقت هم باقی نمانده بود، زیرا وقت رفته سبیده صبح هوا را رنگ خاکستری بشکید و با دمین صبح و دفتن آنها دیگر مساله ختم هی شد. در این وقت دو باره صدای ارباب مرا بخود آورد که می گفت:

«طوری که می بینم، همه در اینجا حاضر هستند و بنابر آن یکی از شما ها حتماً آن مردی است که باید تو هشی را که یعنی گردد

## به پیش بسوی

پیه سفه ۱۶

بدست ویای ارباب من می هالیدند، هارکی دستکش خاکستری رنگ را که در دست داشت و از این در اطاق خواب گشته یا فته بود، در مقابل پیوza سکها گرفته و گذاشت تا آنها آن را خوب بودند. بعد بدون آنکه کوچکترین عضله ای در رخسارش بجهد، با صدای که سا لوون را از وحشت لرزاند، خطاب به سکها گفت:

— «سازار، هائیبال، صاحب این دستکش را بگیرید!» سک ها بدون مطلعی زو زه کشان و بو کنان در میان جمعیت سر بازان شروع به جستجو گردند، در سالون سکوت عمیقی حکمفرما بود هیچ مردی جرئت افرا نداشت تا کلمه بر زبان آرد و رنگ از روی همه ای آنها پرواز کرده بود. سک ها بعد از بو گردند سر باز ها و تجسس بالآخره در مقابل کیستان «گرامونت» همان جوانی که از عمه فشنگتر و نیرو هند تر بود و به زیبایی اندام و چهره خود می پالید، رنگ ایستادند، رنگ از چهره کیستان پرواز گرده بود و با چشمان از حد قهقهه ای آنده و با لکن زبان خطاب به ارباب فریاد زد:

— سعادتگی، آیا دیوانه شده اید... این سک را از من دور کنید... اگر همچوایید داشت تا به این قصر منحوس قدم بگذارد.

پیروزی خیز ش ظفر هند شش جدی ۱۳۵۸ را بیشتر نمود، راه رستگاری، راه رسیده و جانبه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و بالاخره راه بپیروزی و بیزیستی را گشود

و باز هم بر هاست تا با دفاعی دریغ از دست آورده های انقلاب تور و هر حله نوین و تکا ملی آن، با دفاع از وطن، بادفاع از صلح و آرامی این انتشار را هر چه بزرگتر و هر چه وسیع تر سازیم، تاریخ، مسویت بس سنتگیشی بر عده همه هموطنان به خصوص من روشنگران گذاشته است و آن اعمار جامعه نوین، شکوفان و عاری از دریغ از وطن پرسته ای اندیشه ای سوادی، عاری از استیمار انسان تو سط انسان دیگر میباشد. در شرایط خاص گنو نی که با خیزش تلفمده و نجات بخششش جدی همه امکانات نیل به اهداف بالا میسر می باشد ولی امیر- یا لیزم و ارتتعاج بین المللی بس دمادی امیر با لزوم جها نگوار امریکا با صدور باند های خرابکار و آدم کش و ویرانگر این فضا را بر هم می زند مسویت، وظیفه و رسالت همه وطن بر سلطان مجده روشنگران است تا با مبارزه بی وحدت و صمیمت باشد که روشنگران وطن پرست و شریف نیز شا هل آن است لذا روشنگران هانه نه تنها هشتگرین این جبهه اند بلکه در تکامل قویه و بسط این پیروزه نیز سهم ارزشمند دارند.

روشنگران ارجمند ها باید بدند که انتشار بس بزرگی تعییب تسلیم شده است ها تحو لات کمی ای را که دد اثر مبارزات قبرهانه و جایگاه اسلام شریف ما ایجاد شده باشند که این اصول اساسی بیان شوند. این اصول اساسی موقت دولت می شد با به بیروزی رسانیدن اثقلاب کوتی و قیمت خواهد شد که وطن را از شر ضد انقلاب پاک و همدون سازند، ها امید قوی داریم که در آینده نه چندان دور این آرزوی همه وطن بر سلطان بر آورده می بسیار، زیرا این تحو لات کیفی یعنی پیروزی انقلاب شکوهمند تور و بخصوص من خواهیم گرد. زنده باد روشنگران انقلابی آنکه وطن پرست ها.

# هیو

بی پارول ، او په روح کی به بی  
هستونکی تخیل په کار بیل کاو .  
مهه له اتر زی دک سپری و، چیر زری  
تصمیم و نیو چی یو تا ریخولیکی . خو  
موده بی دموضو دمیندلوله پاره هخه  
و تکره او په آخر کی بی دروم دامپرا -  
توري دو همی پیپری نظر خا ننه ور -

ویلی وه ، وکری . دشتو په فکر کی  
دو اوپه پورهاندا زه شته بی دز لو دی  
دمسایلو په شان مسایل به مطرح کری

چی په ایتالیه کی زوند بی وکرای  
شی . فکر بی وکر چی دبی اهمیته  
خلکو دوره او ناخیز و دعوا اکا نسویه  
خلاصو لو کی دروند د تلف کو لو بیه  
خای ، کو لای شی چی په یوه بند کار  
لاس بوری کری . هیخ تاکلی نقشه  
بی ندر لوده . فقط غوبنتل بی له  
هفه زونده چی هرخه چی بی په وس  
بوره وه ده ته ور بینلی وه و بتنتی  
گومان کوم دو ستانوی هفه لیونی  
باله . حتما بد هفوی یوشمیر دده  
دستنو لو له پاره هرخه چی له وسه  
پوره وه . کری وه ، دخبلو کارونو تر -

عادت شوی بی وه چی به آرام  
سیند کی لا میووهی او په زده و پنکیو  
تیبات بی برابر کرل . غوتی او ضروریات  
انکور با غونو کی او بز دی گر خیدنی  
بی و ترل اور هی شو .

کاپری په آرام سمندر کی نا شته  
بوه هواره و چی دله دیری ساده  
طر حی سره ، خو بشنه اوله طر او ته  
وکرو .

په کار کی هخه او تلاش بی له  
هغه اندا زی نه دیر و چی به دتیریت  
کی بی له خا نه بشود لی . غرمه بی  
شروع کوله او درسته شپه به بی

په کار تیرو له ترخو چی به دبخار د  
بی پری شپیلی ، چی هر سپهار لسه  
کاپری خخه نا پل ته خی ده تاعلام  
کره چی سا عت پنخه بجی او دویده

کید لو وخت دی . دکار مو ضوع بی  
پرا خه او له لازیات اهمیت سره مخی  
تاغوره ید له او ده دداسی اثر خیال

په سر کی روزه چی دتل له پاره یس د  
تیرو سترو تاریخ لیکو نکو بے  
دله کی ودر وی .

دکلو نو په تیبر ید لو دخلکو له  
کرو ورو خخه لری او ور هم لری  
معماودکی خا طری هیخکله نه تری  
لری کید لی .

هی هیو د خبل کور له گر کیمو  
شخه ، چی منخ د تاپل ، په خلیج  
ندی و تلو و سو سه وا چول شی .  
پاتری په ۵۶ منځ

او د ووزیریو له جلاله دکی منظری  
چی دنورله هر بد لون سره بی رنگ  
بدلون مو ند . خلاصیدی ، دیر خایونه  
لیدل چی درو میا نو اوپو نا نیا نو  
پادونه بی زوندی کول . مخکی زما نو  
ورو ورو په ده کی خای و نیو ، هرشی  
چی به لو مری خل لیده خنگه چی  
تردی وخته هیخکله له وطنہ بھیر ناو  
تللی . د هغه اند یېښنی او تصو رات

شو چی دا دو ستان دشرا بمخنبلو  
له نظره چندان دتعریف و په نه وه  
یوله هفوی خخه په دی نزدیو کی له  
ایتا لیخی خخه را غلی و او دوی ته بی  
دیوه کور په باب خبری کولی چی سه  
«کاپری» کی بی لید لی و .

دیوی لوپی په سر کور ، دنا پل  
خلیج ته مخا منج ، چی لوی او لهونو  
چک بنی دی در لود . هفدهمده یرا نسی  
دبیری دویز بلکنی په بشکلا  
دوی ته بیا نو له .

می هیوووو یل :  
— باید په زړه پوری وی ، دا کورد  
خرخلاو دی ؟ .  
— په ایتا لیه کی هرشی دخ خولو  
دی .

نوبنی په وی چی یو تیلکرام ور  
ولیپرواد کوره پیر لوغو بشتنه  
وکرو .

— او بابا ، په کا پری کی کورستا  
په خهدرد خوری ؟  
می هیو خواب ور کړ :

دزوند کو لو په درد .  
وی ویل یوه دیلکرام پا نهه بی  
ورته را وړه ، هغه بی ولیکله او وی  
لېږله . خو سا عنه پس خواب رانی د .  
رانیو لو غو بشتنه مثل شوی وه .

می هیو ریا کاره سپری نه و اودا  
حقیقت بی پت نه کړ چی که نیشه  
نهوای هیخکله به بی داسی کار ته  
لاس نهوای ور اچو لی ، خواو س چی  
یو و راچو لی و د هیخ پېښما نسی  
احساس بی نه کاوه . هغه یو نه زر  
تحریک کیدو نکی او نه احساساتی  
بلکه دیر شریف او صادق سپری و .

هیخکله بی هغه لاری ته چی پوهیده  
عاقلانه نه ده د خپل خان دزه ور  
بنود لو په قصد ادامه نه ور کوله .

تصمیم بی و نیو عینا هغسى چی بی  
خانته بی خهشته سره را غوند کری و او  
دروپندا نه زوند په وره کی ولاړ و .  
تیز هو بن ، جاذب شخصیت او عادلانه  
کړه و په بی در لوده دلیل بی نه  
در لود چی هغه دی ما لی یاسیا سی  
کارو نو لمجهته په هیواد کی دواک  
خښتنی نه وی . یوه شپه له خپلی  
یوی ډلی دو ستان نو سره په خپل  
کلپ کی ناست و . شاید ووی یسای

است صورت نگرفته است لذا مردم به سطح از هموطنان ما استیقاً میگویند که احمد ظاهر مکتب جدید و سبک جدید را بوجود آورد، عاقلانه و دقیق قضایت نمایند داوری های است. و اینسته از هموطنان محترم ما شان خالی از غرض و مرض نیست منطق ملاحت نیستند زیرا چند قبیل در یکی از پروردگار مهای رادیو که بینا سبیل اولین سال مرگ احمد ظاهر تبت کردیده بود نظری هنری پائین است....

انتقاد هنرخاست بالای همین قسمت مقاله پس و گرام از یک هنرمند برسید که: خوب شما که از مکتب هنری احمد ظاهر بپرسی میکنید نظر شما درباره هنر احمد ظاهر چیست؟

درینجاویش شنونده رادیو متوجه می شود که از یک ارگان با صلاحیت احمد ظاهر را صاحب مکتب میداند لذا از این گفته باجایی تمام پشتیبانی میکند. و بالاخره بدین نتیجه خواهیم رسید که استادان موسيقی افغانی

در حال برای موسيقی افغانی ازین لحظه مصدر خود هست نگردیده یعنی سطح دانش مردم را در رشته موسيقی بالا نبرده است.

در چای دیگر (م- مانی) می برسید که هنرمندیکه لیلی لیلی جان بخواند هنرمند بی هدفی پیش نیست آقای مانی- بایسند بگوید که آیا از هنر فلکلوریک افغانستان

چیزی میداند. زیرا لیلی لیلی جان یک آهنگ فلکلوریک ماست « احمد ظاهر هم با

زمزمه کردن این آهنگ فلکلوریک از یکطرف اصالت فلکلوری آنرا زنده کرد واز طرف دیگر آنرا آهنگ روز ساخت. و تئیکه احمد ظاهر شعر های میهنی را در قالب آهنگ زمزمه کرد شما آنرا ناشود آگاه توصیف کرده اید و این بدان ماند که شما تمام پیشرفت ها و اختر اعات پسر را نخود آگاه تو صیف گنید و تلاش برای بدمست آوردن را انگار کرده اید.

واقعیت های هم راجع به احمد ظاهر و هنر وی تیز در مقامه شما اینکه به چشم میخورد که اگر همان چند جشن پوش در آن صورت

نمیگرفت بر دل میشست و امکان آن میرفت که مردم در آینده مر تک چنین قضایت های غلط نمیشدند، اما وقتی که مقاله افغانی

را کسی مطا لعه کند نظر به بعضی چشم پوشی های شما چنان بر آشته خواهد شد بطوریکه متوجه حقایق مقامه تان خواهد شد و شما را یک نویسنده محسوب خواهند

کرد که اصالت خود را از یاد برده باشد. ویز بعضاً از خوانندگان محترم مجله وی اینکه ذمیت نظر را از یاد برده باشد که شما اینکه در خانه

از شما یاد خواهشتمد تا مهر ظاهريان را بر کسانیکه در یتیباره نقد مینو یستند بزرده و بگذارید مردم از یعنی طرفی بر عمل مات خود در ساخته هنر موسيقی بیافزایند.

**چواب نویس**

از لطف و محبت شادوست عزیز منو نیم عرض شود خدمت حضور مبارک تان که این دشنا منامه ها فراوان است و تاهنو که هنوز است گرهی از کار فرو بسته باز نگردیده و گره هایی هم، من هم خورده است...

من ندانستم که شما از اصحاب «باطلیان» اید و گر نه به «ظاهريان» چیزی نمی گفتم، چونکه ظاهر و یا طنی در کار نیست، همه به ظاهر چسبیده اند و همه از ظاهر میگویند پس چه باشد یادی از «باتل»! گفته بودید

شما همه، هنرمندان خوب را تشوق کنیم و هنر آنها را تایید نماییم و اگر سبسوی از باطلیان هم نقد خواهند نوشت اینو بتویسند

من که تاهنو چیز ندیدم. و همه سخن ها بر یک مدار سیر میکند و همان الگ قا مت یارست که چنین است: احمد ظاهر خوب میخواند، احمد ظاهر بینان گذار مکتب موسيقی

و هنر آنها را تایید نماییم و اگر سبسوی از باطلیان هم نقد خواهند نوشت اینو بتویسند

اما باید متوجه این نکته باشیم که تاریخ به گرات ثابت گرده است که هر یدیده جدید

متفرقی تر و با گفیت تر از سایه های یعنی گفته میباشد گفته آنها صحیح است که از نگاه گمیت جای احمد ظاهر برای اند در

موسيقی خالی خواهد بود اما از نگاه گفیت بیجو قت خالی خواهد ماند، زیرا اگر ماو

شما همه، هنرمندان خوب را تشوق کنیم و هنر آنها را تایید نماییم و اگر سبسوی از باطلیان هم نقد خواهند نوشت اینو بتویسند

من که تاهنو چیز ندیدم. و اوج گیر ندادشته

و سیما و صدای برهانی و اوج گیر ندادشته اند در جامعه آن درخششی را که باید تیافته کرد. احمد ظاهر هنرمند خوب و باستعدادی بود و خدمت های برای هنر خوب میگردید

دگران اند، بازرنگی و تر دستی وجود خوش

را بر مردم جا مهه تحلیل میگردید و بعد این تابلوی قشنگ شما در یکی از شماره

ها، به پشتی مجله چاپ خواهد شد و با

برگواری خویشتن مارا بیخشید که به مسماطی احمد ظاهر است طوریکه واقعیت

# چواب به شاعرها

سلام علیکم خوانندگان و همکاران عزیز حافظ

دوست عزیز محمد یاسین عمر گندهاری محصل پوهنخی انجیری!

نخست از همه سلام های گرم خود را خدمت کار کنان محترم مجله هنرمند ژوندون

تقدیم میدارم امید از صحبت کامیل بر خوردار باشید. مجله ژوندون و اعاده لجسپ و خواندنی

است که میتواند خوانندگان ساعت های بخود مشغول دارد. و من موفقیت بیشتر تائرا تمنی میکنم.

از چند شماره قبل بدینسو چارو چنگالی بعد از مصالحه طاهر همراه ژوندون کار

استعداد و توانایی قابل درخشش دارید. اگر توقع و آرزو دارید که تنها در رشته

مینا تور کار گنید، باید در وقت رسم گردن یک پدریده مینا توری سمع گنید که رنگا در

حین ترکیب، چرک نشود، چرک روی یک اثر

میناتوری نمایشگر یک تحلیل ویک رو یا

یاک و شفاف باشد.

و استادی با مشاهده و تکریش به تابلوی کار شدید شما چندین نظر داد که ماده وار از

زیر نظر میگردد:

۱- تابلوی مینا توری شما از نگاه کپوز- پسیون خوب است.

۲- رنگ های دو درخت سرو، رنگ بسیار زنده است و مطبوع بودن خود را از دست داده است.

۳- چین مرداگر بیشتر کارشود و دیزاین های بیشتر گرفته شود با پیراهن دختر ها هنگی خود را حفظ خواهد کرد.

۴- خم به تناسب این دو فیگور بسیار کوچک است.

۵- فیتنه کمر دختر، شاخه درخت با برگها بشیار خوب کار شده است.

۶- رنگبایی استعمال شده بصورت عموم چرک است، بایست رنگبایی شفاف میناتور در نظر گرفته شود.

۷- رنگ پوست چهربا دخترو پسر بسیار فرق دارد، باید روی مرد از زردی متایل بسرخ شود.

۸- طرز کار رنگ آسمان برای یک رسم آزاد خوب است، ولی برای یک تابلوی مینا

توری انگیزه خوب بی بایسته ایجاد درخشنده ایجاد

رنگ و دیزاین پیراهن دختر خوب کار شده است.

۹- اگر پیراهن مرد سفید میبود تا زاده

پس زنگها را در تابلو ملایمتر میساخت.

۱۰- این تابلوی قشنگ شما در یکی از شماره

ها، به پشتی مجله چاپ خواهد شد و با

برگواری خویشتن مارا بیخشید که به

دارد اما وزن آن باوزن رباعی تفاوت دارد و در دویستی های ارسالی شما توافق مدنظر نبوده است که باید مبینه اینک چند دویست شما :

دلی دارم که سر نا پا شکسته  
چو زلف پار از صد جا شکسته  
پجا پاشد که میگویند مردم  
بزیر پای او دلها شکسته  
سیحان الله ، همه دلها به قریب پای دل  
شما شکسته ، علاج درد این دل شکستگان  
مشوق ندیده چه خواهد بود ؟  
دو چشمها نت هرا بیمار کرد  
هر از زندگی بیزار کرد  
الهی خانه هجران بسوze

که بیرون طلم ها بسیار کرد  
دعا میکنیم که خانه هجران آتش بکشد و  
چشمانش همچون آفتاب آتشکوون بر شما  
پتابد ، خدا کند چشما نش همین گرمی را  
داشته باشد .

مرا یک مهر و دو مر جان بگوین  
مرا خا کستن دیگران بگوین  
مرا خا کستن دیگران نگوین  
مرا رفیق شیرین ین جان بگوین  
میرسیم به فکاهی شما :

میگوییم ، بیمارک یادت شیرین جان ا  
از پسر ستاره سینمای ها لیود پر میباشد  
که پدرت چه کار میکند ، گفت : یکی آن  
تاجر است و دیگری عالیرتبه دولت و شغل چارنای  
دیگر را نمیدانم

\* \* \*

مردی یا داشتن زن و فرزند میخواست  
مجدداً ازدواج کند . یکی از دوستانش مانع  
میشد که میگفت اینکار خوبی نیست . آن  
مرد از دوستش پرسید ؟ به نظر تو غیب  
بزرگ اینکار چیست ؟ دوستش بیلا فاصله  
جواب داد :

در این است که صاحب دو خشو خواهی  
شد .

\* \* \*

عجالتاً جای صفحه دوستان را صفحه بر  
گزیده ها گرفته است و بر گزیده ها بس  
گزیده های از توشه های ارسالی را جاپ  
میکند که بیترین آنها باشد ، با آنهم برای  
قایم نمودن روابط بسیار صمیمانه با خوانندگان  
گان و تو چه به علاوه امنی و نظر ایشان  
صفحه جواب نامه ها نیز از این بعد به نشر  
مطاب ارسالی خواهد گان و همکاران عزیز  
خواهد پرداخت تا ارتباط خوانندگان و مجله  
به شکل بهتر و سریعتر الجام پذیرد و  
دوستان خوده نگیرند که مطلب ارسالی ما  
برای دیر تر جاپ میشود . حال هم میتوانید  
که مطالع انتخابی خوش را در صفحات  
جواب به نامه ها و بر گزیده ها درج نمایید  
و جای اعتراض یافی نمی ماند که بگویند  
جواب صفحه دوستان نیست . و به دوست عزیز  
ما تذکر رود که «طوبای را «توبای» نه نویمند  
و طوباشکل درست آن است که بمعنای یاکینه  
تر و پاکتر و بالاخره بمعنای درخشی است  
در پیشست که خدا کند همان درخت پیشست  
در روی زمین همین شما باشید .

والسلام

صفحه ۵۵

شخص همه شب بر سر بیمار گریست  
چون صبح شد او بمرد و بیمار بزیست  
به خبر نکار مجله فرموده اید که هر چه  
زودتر بوت ها را رنگ گند و چند عدد قلم  
و چند تخته کا غذ را که قته به سراغ  
شمس الدین مسروور برود و خبرش را بکشد  
بسیار خوب ، به شوشی عرض شود گه  
تشابه اسمی علاقمندی عاطفی را بار آورده  
است و چنین خواهیم کرد و این فر صفت را  
میگذاریم به خبر نکار مجله که هر وقت  
بوش رنگ داشت و چند هد قلم هم داشت  
به یاد شمس الدین مسروور به یاد آوری  
شمس الدین آرین به معا جبه پردازد و هنگار  
مارا شاد سازد .

از خواهشات شما بیچوجه آزرده نشدم  
آخر شما سخن بیدی نگفته اید که از مایخشن  
بخواهید . از میزبانی و تشویق شما منویم  
و از پسکارت ارسالی تان یک جهان تشكیر .  
به خدا من سپاریم تان .

یک سخن ماند که به مدیریت عمومی  
توزیع باید گفت مجله زوندون را به دوست  
نش هر چه زودتر بر ساید و صداو شکایت  
ایشان را نگذارید که یلنده شود و بگویند که  
هذا جبه های را که ما میخواهیم اگر از  
زند گان است مو قیمه بدست مان می  
رسد از مرد گان است ، ما تمدیانیم «اصحه  
کدام هنر هند را خواهد الله که وقتی بدست  
آنان رسیده ، به این دنیا نیوده است ...  
بپرسی صورت دعا میکنیم که مدیریت عمومی  
توزیع روز نامه و مجلات ، مجله و اخبار  
هشتگر کین را سر وقت بر ساید و خوانندگان  
هارا خوش نگهارند .

دوست عزیز آصفه شاداب از فاریاب .  
پاریجه شعر شما به اداره رسیده و به نایید

گپهای گذشته ، شعر بسیار بخوانید و در  
زمینه های اجتماعی مطا لعه بسیار نمایید .  
اینهم پاره از شعر تان .

بیا ساقی بده چام شراب  
نا شاد مکن پشمیر بر آیم  
ز نور عارضت دل را بیارای  
تو بی در زند گانی آفنا بیم  
صلقاً کن قلب خود از کینه اکنون  
ز روی مهر با نی ده جوا بیم  
ز روی مهر و لطف عیش و مستی  
بپریز در چام دل زان شهد نایم

دوستان عزیز روشانه زرین و طوبا و زین  
از لیسه حوا پلغمیری

ما هم سلام میگویند و صحتمندی شما را  
از خدا منی خواهیم ، از اینکه تو هنگاری  
میگنید ، خوستدمیم . دویستی های شمارا زیر  
عنوان «گلهای کوهی» خواندیم لیک دقت لازم  
را در تو شتن دو بیتی ها صرف ننموده اید و  
پاره بی از دو بیتی ها شکل درست دو بیتی  
را ندارد . دو بیتی تو غی از شعر که عبارت  
از دو بیت یا چهار مصراع است و مانند  
رباعی مصراع اول و دوم و چهارم آن فاقیه

دوست عزیز ، عزیزه رسولی از یکه نو  
نامه بی شما به اداره رسید اینک فسمتی  
از مضمون «جوانان و زندگی خاتوادگی» شما  
«چقدر سخت است مو قیمه جوانی بفهمید  
که در زندگی زنا شویی شکست خورده است  
جوانان بایست قبل از اینکه ازدواج میگنند  
و بیان زندگی مشترک راهی نهند ، در مورد  
انتخاب همسر دقت زیاد نمایند »

و اینهم نمونه بی از نوشتة دیگر شما  
«غالباً بسیار بی از زنان احساس خوشبختی  
و مسرت می نمایند اگر شوهران شان فاقد  
اقارب و خوشاوند باشند ، چنانچه بی  
هذا همه میرسد مو قیمه مردی از دختری  
خواستگاری میگنند بیش از هر چیز دیگر از  
خوشاوندان وی پرسیده میشود . اگر مرد  
تنها زندگی کند و خوشاوندان او کم باشد

همان است که مرد مذکور واحد شرایط ازدواج  
شمرده میشود ولی در غیر آن له ، این سوال  
در ذهن پدیده می آید که آیا بر ای اینکه  
شخص واحد شرایط ازدواج گردد لازم است

خواهش خود را از ریشه بر کند و راه فنا  
و نا بودی را در پیش کنید . دختران و خانم  
های محترم باید بدانند که انسان موجود است  
با گزینه میگردند و بیانگر در نزد  
شده ، و بالاخره هزار ها کمپودیگر را چگونه  
علاج کرد... و آنگاه بعد از رفع این کمپود  
های ایشان در مسائل گون زندگی  
امریست اجتناب نا پذیرین »

دوست عزیز ، تو شنه های قبیل شما ،  
خوبتر از این تو شنه های بود . تو چه شما  
را به مطا لعه و خواهش خواهیم آزرد  
مندیم که در آینده ، مطالب خوبی از شما  
دریافت داریم ، خدا حافظ .

دوست عزیز شمس الدین آرین  
پیشترید سلام مارا نیز . خوش قیم که  
محبت خوب دارید ، گفته اید که «خبر نگار  
مجله زوندون زمانی به فکر هذا جبه با هنر  
مندان می افتد که آنها میبینند» . اینگونه نیست  
دوست عزیز . اگر در وقت در گذشت هنر  
مندی ، سو گناه بی به تحریر کشیده می  
شود ، ارج گذشته به کارش است و پس ،  
شما بپریز می فهمید که مجله زوندون بار ها  
با هنر مندان هذا جبه های العجم داده است

و تنها در کمین هر که نه نشسته است که  
هنر مندی پمیرد و آنگاه مرگنامه بنویسد .  
خداسکی را به دارفانی نبرد و دست مسا را  
شما میگویند که «هر چند نگار مجله  
هم به قلم نفرساید ...»

در وقت زندگی هنر مندان به سراغ شان نمی  
رود و یادی از آنان نمی کند ... عجب !!

مکر این هدا جبه های را که میخواهید ، چیست؟  
پا احمد ظاهر بیش از چهار هر تیه در چار  
سال هدا جبه شده است ، با نا شناس  
همینکو نه یا استاد سر آهنگ همینطور .

ما اطلاع تفاویم و قاله هر گه هم نمی کیریم  
که کی می میرد و کی بیز است ، تا دیسر  
نشده هدا جبه بی ای او در نظر کیریم و  
آنهم از کجا معلوم که آن هنر مند بیمار  
(خدا نکند) میمیرد و آن هنر مند جوان زندگ  
میخواهیم ، بیشتر چه خواهید گفت ؟ خدا  
حافظ تان .

خواهد شد ؟ یکدیگریم .. هر کشور و سر زمین  
مشکل و مانع دارد ، یکی چسون فلسطینیان

جان بده که گذاشته اند و به هیز فمارسات  
و بیکن به پر بخشی کار تر نمی نشینند و

یورش و حمله می برند که چرا به حق ما ،  
به حقوق ما ، معا مله کنند و ما چرا صدا

بر نکشیم و نگوییم که غلط کاری میگند و  
انتخاب همسر دقت زیاد نمایند »

و خوش و منفعت جا معا عرب ، پل اسما  
میریزد که چگونه از نفت استفاده کنیم و  
هوش را از دست نمی داشتمار به

جان مان بیافتند ... ولی ما در نمی دیگر  
یا در کل فرو بردیم و دست از کارها

بر داشته ایم . کسی نیست بگویند که  
برادر در فکر نان باش که خوب نمی باشد .

کا هی در فک افتاده اید که دیار و مردم ما  
جه مشکل دارند ؟ و در این مقطع خاص ،

مشکل بیکاری را چگونه مردی سایر و سلوک کرد  
چگونه مردم را به شنگ قایی اند یشه رسانید

چگونه حق را از باطل جدا کرد ، و چگونه  
با گزینه میگردند و بیانگر در نزد

شده ، و بالاخره هزار ها کمپودیگر را چگونه  
علاج کرد... و آنگاه بعد از رفع این کمپود

ها به فک خوب نمی باشد همین واز خوردن آن ،  
کیف خواهیم برد ...

من به نظر و سیلنه شما احترام میگذارم  
و به هر کس دیگر هم حق میگذارم که نظر

و خواست خود را بیان کند ولی این حق را  
من هم دارم ، چنانکه شما داشتید و نوشیده

که بنویس و حاد ترین مساله را بجای  
مسایل غیر ضروری در نظر بگیریم و علاقمندان

صفحه جواب نامه ها را به گذشت و مشورت  
بنشانم ، اگر مهر ظاهریان بر با طبلیان می  
زلم ، سخن همین است که گفتم ، و سخن

آخر را از زبان سعدی میگوییم که «ما کجا می  
دریم پر تکر تو کجا میم » ، ای برادر !

دوست عزیز پرتو نادری  
شعر «پدرود » شما را خواندیم ، لذت

بردم و زمزمه کردیم ، اما سیاهی ها را بجا

ساخته جواب نامه ها را به گذشت و مشورت  
بنشانم ، ای مهر ظاهریان بر با طبلیان می

لاده های شرق گون و شعله رنگ رویانده  
شده بود ، پنهان برید که فقط شما ، آزاد

و سر کش است و یا شب در چنگ ... مکر  
دیگران را نشانه میگذارید؟

و تنها گلیم خویش را از مرگ که بدر می  
برید ، شما با مردم ، لاه برو یا تید و با

شب در چنگ شوید ، نه اینکه دیگران را  
به یاری شب بخواهیم و خود بسوی شفق  
بشتا بید ... بپر حال ، شعر شما را به نظر  
من گذاریم و چنگ نکه را که گفتیم جواب  
میخواهیم ، بیشتر چه خواهید گفت ؟ خدا  
حافظ تان .

د ۵۳ مخ پاتی

# ۵۰۰ هیو

خوبییده بی چی خپل ماغزه دبل  
چاد مغزو پهورا ندی کار ته ابراسی.  
اووس نه بیوا زی په تا ریخ بلکه په  
فلسفه او علومو کی هم دیرا خسی  
مطا لعی خاوند و تیز هونبه، خیر ک  
او با منطقه بحث کوونکی و قخوله خو-  
شخو بی او نر می خخه برخورداره وله  
دی سره سره چی له بریا لیتوبخخه  
بی انسانی او پیر خوند اخیست خو  
بی نشه کی بی دو مره نهور کیده چی  
دنورو دخوا شیمنی سبب شو.

کله چی تایو ته را غی زور و راو  
هیور سپری و له گنی توزو و بنتا تو  
او تویی بزیری او غبنتی بدن سره  
خو په تدریج سره بی دیو تکی رنگ  
و با یله اودموه بی شان شو او  
دی دنگر او کمزوری شو. یو عجیب  
شا نته تنا قص و چی ده سره لدی چی  
واقعیت بینه او زده ور و جسم خو-  
ار گانه. دیوی تیپی و سیلی په ستر گه  
بی ور ته کتل چی کو لای بی شوه هفه  
دروج فرمان و پلو ته اه باسی نه  
ناروغتیما او نه هم سستی کو لای شوه  
چی هفه کار ته له دوام ور کولسو  
خخه اول ولای شی خوار لس کا له بی  
برله پسی خوا ری و ویسته. په زرها  
و مطلبونه بی یادا شت کرده. هفه بی  
سره سه اودسته بندی کرده. دخبل  
کار موضوع بی بنه و روز له او با-  
لآخره بی خان چمتو که چی شروع  
و کری. کبیناست چی ولیکی اوامر  
شو.

جسم بی چی دده. ددی ما دی فکره  
انسان کرده و په دهه پهورا ندی دیر  
له اها نته دک و خپل کسات تری  
واخیست.

هفده په هی لویه زیر مه دتل لپاره  
ه نیسته شوه. دده جاه طلبی، چی  
غوبنیل بی خپل نوم «کیبون» ۱ و  
«همسن» بی دله کی و دروی، غونه  
بی خا به له منځه لاره. یاد بی دگو تو  
په شمار دوستا تو په دله کی، چی  
متاسفا نه! دکلو نو په تیر یدولاپسی  
لزیده، ژوندی او محترم دی، اودنی  
له پاره د غسی چی په ژوند کی ناییز-  
ندل شوی و پهمر ینه هم ناییز ندل  
شوی پا تی شو.

لدی سره سره زما په نظر دهه  
ژوند له بر یا لیتوبه برخورداره دی.  
 بشپړه او بنه نمو نه، ده هفه  
کاروکر چی زده بی غوښتل. اوداسی  
وخت هر شو چی مقصده بی خانه  
نیژدی لیده او هیڅکله خپل مقصده ته  
درسیدو په تر یخوالی ونه په هیده.  
لدون

بی آن گردیدند که تبعاً تشنان در  
علم نجوم، تدوین تا بلو های دقیق  
و فورمول بندی قا نون کپلر که ګفتنه  
است: سیا رات در یک خط بیضوی  
حرکت دورانی دارند و درست در  
نقطه بی مر کزی این بیضوی آفتاب  
باتشمعنعت داغ و سو زان قرارداد،  
از کنجینه های بزرگ در علو م بوده  
و بزرگترین خدمت را برای سا-  
کنین و نسلهای بعدی کرده بی زمین  
موفق بکشف لوگاریتم و محا سبیه  
نموده اند.

ولاب بی او چیر ته گوری؟ چی مون هم  
ورته و گورو،  
هلك ویل.

- تامو ونه لید؟

- خوک؟

- مظفر خان!....

- مظفرخان خوکدی؟

- ولی، همه مظفر چی تیره اوونی بی د

یوه یانک په پیره ستره جایزه کی دوهه دانی  
دوود گبان یو په ل. بنه ورته و گورو،  
مظفرخان دهه لویی و دانی دردیم پسورد  
کوکه تو شا ناست دی او خپله هازدیکر-  
ن، قبوه خپسی!!...

پیشنهاد صفحه ۲۴

## اطفال در سالهای

بعضی کارهای را بر وفق خواسته خودش  
اجام دهد اما هیچکدام اخسای خانوده باین  
نوع خوسته های و روی موفق نشان نمیدهد  
بلکه و را با نجام اعمالی اجازه میدهیم که  
آنرا بحال او مفید بدانیم.

اویگه کچکاو و مجسس بود و می-  
خواست هر چیز را بداند. محیط و منبع  
معلومات و آهوزش او خود زندگی و طبیعت  
بود. هاند ګل افتاب پیرست که وخت هیته

بسی آفتاب دور میخورد بطریق مردم لکاه  
میکرد و چشمان پرگه نسواری اش را

کشاده باز میکرد و مشاهده مینمود.

عاشق طبیعت بود و پدر کلانش او را بدرک  
اسرار طبیعت کمک میکرد. در اینباره کتاب

مذکور چنین قول میکند: «بروی پرازدیش

پدر کلان تبیں نمایان میشد و شروع میکرد

بگفتن دامستا نیا در پاره زندگی ګلها،

نباتات و گیاه، سر زمینهای شگفت‌اکیز

و پرندگان همین پدر کلانش بود به او

آموخت او کراین زیبا را دوست داشته

باشد. همچنان تمام جهان و تمام زندگه جهان

را نیز دوست داشته باشد. بدینتو تب در

حاخواده کا شینیو یو سیقی ملاقه فراوان

داشتند. در اینباره کتاب یاد شده می-

نویسد: «و سیقی و یا آهندگ مستقیماً به

قلب او لیک چنگ میزد. او با شنیدن

آهندگ او کراین شور وجد نشان میداد...

الآن خوب بیاد هست که تا دیکی شب فرا

رسیده و دقیقه ها از ساعت معین خواب

اویگه گلشته است اما اویگه بخواب

نمیرود و در زیرا کاکایش که سخت او را

دوست دارد در بغل گرفته باواز نرم بگوش

او این آهندگ را زمزمه میکند:

هان بگذارید در اینجا کودکان بخوابند

هان بگذارید از سر ما در امان باشند...

## گردش سیارات ۰۰۰

و خفه قان آور بین دو گروه بود. آنها-  
بی که ما یل به اصلاً حات در امور  
بنیادی و عقیده وی بودند و آن ها-  
بیکه عدم این اصلاحات را خواهان  
بودند. سر انجام این زد و بند ها  
باعث دوام سی سال جنک در ارو را  
گردید. ویلیم که بزرگترین  
رفیق منجم دانمارکی تیخوا برآ و  
متعلق بفرانسی رو خا نی-  
پرو تستانها (فرانسی از پیروان  
انجیل) بوده و آن هانه تنها معتقد به  
برخی پدیده های علمی نبودند، بلکه  
میخواستند همه چیز را به چشم دهند  
سر مشا هده نمایند، روی هم فته  
این مفکرها ویلیم را برآ نهاده  
تا به صفت یک منجم حر فه بی دست  
بکار شود. همان بود که به تحقیقات  
ومطالعات دامنه دا ری در زمینه نی-  
علم نجوم پرداخت و تا سال ۱۵۶۷

دقیقاً کشف پنجا هشت جرم  
سما وی تو فیض یافت. چندی بعد  
روی بد چا نسی در سال ۱۵۷۲ قصر  
آن در گرفتوبا یک جمیش خود را  
به قسمتی از بام قصر که محل ترصید  
ش بوده و سالم ها نده بود رساند، تا  
فشار شعلهور شدن ستاره بی را که  
از جمع کیکشان ها افول نموده و گویا  
مانند اتشی بار چه بی به طرف زمین  
ضعود و سقوط میکرد، تحت نظر

ومطا لعه داشته باشد، و بدند که  
سیا رات چکو نه در حر کت اند و  
جریان حر کت آنها چکو نهدر وقت  
و زمان صورت میگیرد. سر انجام  
در طی این همه زحمات، گذشت از  
دستر س و علم بیدا کردن برآ نهفته

بی طبیعت، نتیجه بی این همه سعی

وتلاش سر ها یه دار بزرگ ساختن  
برخی سامان و بازار دستی نجوی می

بشکل بسیار ساده و ابتدایی و تصور-  
بری از محا سبیه بی تو او قات بود

که بمرور زمان در سی هشت ساعت  
و تختیک آن کمک به سزا بی نمود.

افتخارات در علم نجومی تنها

به ویلیم نعلق نمیگیرد، بلکه

نمیست بور گی سا هشت سیاز سو بی

که بتاسی از دو شی ویلیم در علم  
نجوم در سال های ۱۵۳۲ - ۱۵۵۲ با

او یکجا دو میان ساعت «مو نستر» را

سا هشتند نیز این افتخار رات بی  
نصیب نمی باشد. هورخین این

ساعت ساز سو بیسی را تنها کسی:

میدا نند که بزرگترین نهاده گلک مقاومت کله.

دیولیسی مرسیا یه دهک سهی ویلیم  
ولیده خان ورود ساوه او بیسته بی و کرده.

- اوصیین ستر گیه، دخه له پاره دله

## و یت نام د تو ل نیزی

وطنپالو نکو منور ینو اور وشنگر انو روحی سره دویتنام تول دا کتران به سو بی دامر یکا بی جگره هارو پر خمد رو غنو نو نو کی کار کوی . محصلین او په اساسی تو گه سره دبو هنتون به زده کوو نکی په بو هنتو نو نواو بشو . خپله مبا رزه سخته کره او دی بیا . و نخیو کی په زده کری لکیادی . رزی ته بی داحتراوم په ستر گه کتل . انجینیران په کار خانو او فابریکو مکر بیا هم د ۱۹۵۷ کال په پسر لی کی بی کار او زیار بو خت دی او برو . کی تقی فتی اوکلتو ری شخصیتو نو ، هان په تحقیقاً تی هر کزو نو او مو . عالمانو بوهانو متخصصینو ، محصلینو سسو کی تجربی او آزمایشتوه ترسه کوی . دویتنام د بشپری آزا دی د واوزده کوو نکو په تیره بیاعفوی چی پنهانی کالیزی په نمانخنه کی د ته دانقلاب په اهدا نو لپ پوهیدل بسه اشاره و شوه چی دخوا نو و یتنامیا نو دیری خواشینی سره بی په خیل زا . تلو نکی فکر کاوه . د دبیمنو ډلو در . په پیا ندی نور کوم کارو نه پرا ته واچجنو پرو پاگند و د خلکو بیه دی ؟ لکه دوز گاری د معصلی حل ، دنور ذهنیتو نو او فکر نو کی ویره اچوله خمکو جور ول اویه عصری سیستم د اودبیار دوطنبیا لو نکو منور نیو رئیس دی داسی وا بی : دسیکون دبیمنو دلیلیستی تو لئی دویتنام دخلکو په نصیب کرید . ددی ستروبلونو نو پهار تباطلی تان چو نک دسیکون دبو هنتون دفلسفی پخوانی پروفیسور چی او س دویتنام دسو سیا لیستی جمهوری یت دملی اسا مبلی استا زی جمهوری من په بیمار کی واقع شوی اودبیار دوطنبیا لو نکو منور نیو رئیس دی داسی وا بی : دسیکون دبیمنو آزا دی تروختو نو بیو ری بیغه بیمار کی پنهانی زره تنه منور ین او سیدل کوم چی خیل لوب اوعا لی تحصیلات بی په لو یید بیزو هیوادو نو کی تر سره کری و . ددی شمیردیر لرکسان چی دنا داری له لاسه بی خیل خانو نه دامر یکا بی حکره هارو سره بیو کری و نور پول وطنیا لو نکی منور ین او . دغدو دادی او س بیوفا داری او انقالا بی

قوماله ڈاک پیکار در نزدیکی فلو ریدا به هایدرولا کو مستیک سیستمی است که صدا آب فرو برد و تمام مثلاً بر مودا را به را از خارج در اعماق بحر کنترول و اخذ می نمایند . سیستم های مذکور اطمینانی بوده دوازده نفر عمله آن مدت می شبانه روز و خیلی منظم کار می کنند .

جنکی بیه یو سره چی دامر یکا بی اودخوا نو و یتنامیا نو افر ڈی ته کودا کی رژیم له خوا رهبری کیمی اپتیا لری ، تجز بمونسو دله چی خوان مبارزه کوی نو داد هشول . دروشن . و یتنامیان اود و یتنام قهر مان او فکر نو او منور ینو دشبور دسطوحی سر بندو نکی ولس نور هم دخیلی دلوروالی له پاره و خت په کار و . بی را تلو نکی انتظار باسی

دادی او س بیوفا داری او انقالا بی

دغدو

برا بی کرید . په نظر کی ده جی له دغو سیمو خخه ب ۲۷۵۴ زره تنه غای او دا نی ، دری سوہ زره تنه سابه ، شبیته ملیو نه هکی او اتلس زره پنه غوبنیه لاس ته راشی ... دامی هفه ستر بدلونو نه کوم چی سو . سیالیستی تو لئی دویتنام دخلکو په نصیب کرید . ددی ستروبلونو نو پهار تباطلی تان چو نک دسیکون دبو هنتون دفلسفی پخوانی پروفیسور چی او س دویتنام دسو سیا لیستی جمهوری یت دملی اسا مبلی استا زی جمهوری من په بیمار کی واقع شوی اودبیار دوطنبیا لو نکو منور نیو رئیس دی داسی وا بی : دسیکون دبیمنو آزا دی تروختو نو بیو ری بیغه بیمار کی پنهانی زره تنه منور ین او سیدل کوم چی خیل لوب اوعا لی تحصیلات بی په لو یید بیزو هیوادو نو کی تر سره کری و . ددی شمیردیر لرکسان چی دنا داری له لاسه بی خیل خانو نه دامر یکا بی حکره هارو سره بیو کری و نور پول وطنیا لو نکی منور ین او . دغدو

باقه صفحه ۲۱

## د ۵۰۵ دو ۵۰۵

معیار شفا فیت گویند ، آنرا صحرای او قیا نوس نیز یاد می کنند تقریباً فرنینجا حیات وجود ندارد ، حتی در هواکر ماهی گیری ، شکار چیان ما هی هیچ زنده چانی را ندیده اند ، تنها هسر کامن چون تازیانه سبز و شفاف در کنار شنا می کرد مرگاس ها مواد غذایی را توسط سطح خارجی خود جذب می کنند ریشه ندارند از دوره کشتنی های باد باندار افسانه های وجود دارد که می گویند : کشتنی ها در سر گاس ها راه می شده و ملاحین از تشنگی شوید شدند نمیدانم در گذشته چه بود ! اما فعلاً در سراسر گاس شنا اگر حتی زورق باد باندار بنهان نمیشود .

همکاران علمی و بسیرسکی و ا. کولیز . وک که سا جه مقنا طیسی را در نا جه ای تحت تحقیق مطا لعه کردند می گویند : آبی را تعقب می کردند . برای اینکه دستورات هراکت ها هی گیری را نیز تعقب کشتنی ها و طیارات شود در روزهای عملی ساختن فرضیه ، تغیرات تحت البحار که تلاطم اهواج به ارتفاع شدت ایجاد قیف آبی می کرد کشتنی ها را می بلعید و حشت آور بود .

حرکات تحت البحاری ، هواکر لرزش غیر محسوس که در اینجا فرآنان است بالقوی عالیه نمیتوانند . در راه های میلت بر مودا سیستم های قوی که اعماق بحر را مطا لعه می کند تحت عایدرولا کو سیستمی امریکا بی فرار دارند .

- فکر من کنم که تصویرات و افسانه ها در عمق زیاد بی را اتفاق داد که صدای آن دیده شد ...

- فکر من کنم که تصویرات و افسانه ها در عمق زیاد بی را ایمود . افرینا را طی دیده بعد از یکصد و چهل و چهار دقیقه در استیشن بر مودا یعنی تقریباً در نقطه مقابل زمین لب شد .

- امروز نیز به اندازه کافی در بسارة ساختمان جریان بحری این ساحه در اعمال مختلف معلومات کافی درست است . اداره گذشته بخش اوقیانوس شناسی ن . بولکا -

کوت به گفتار خود ادامه داده بیان میکند :

کوت به گفتار خود ادامه داده بیان میکند :

مدد آلات شنا کشته رها شدند آلات مذکور طوری سا خنه شده بودند که در راعمال مختلف تعامل خود را حفظ نموده کنله های خبر نشاند . برای اینکه دستورات هراکت ها هی گیری را نیز تعقب کردند این تعلیم از مدد کو و

دی چی بی کو لیکتیوی شکل سره خپل کارو نه پر مخ بوزی . او اوس ددی بز گرو له نیما بی شعیر نه زیبات بیخه سوه شیپیتو خانکر و اتاه ادیو کی سره راتیو ل شو یسدی . دلیم سروکو پرا تیفو نو جو و ل جی په استوا بی شرا بیطرو کی یاد استوا بیستی تحت البحار که تلاطم اهواج به ارتفاع شدت ایجاد قیف آبی می کرد کشتنی ها را می بلعید و حشت آور بود .

در روزهای عملی ساختن فرضیه ، تغیرات تحت البحاری که تلاطم اهواج به ارتفاع شدت ایجاد قیف آبی می کرد کشتنی ها را می بلعید و حشت آور بود .

حرکات تحت البحاری ، هواکر لرزش غیر محسوس که در اینجا فرآنان است بالقوی عالیه نمیتوانند . در راه های میلت بر مودا سیستم های قوی که اعماق بحر را مطا لعه می کند تحت عایدرولا کو سیستمی امریکا بی فرار دارند .

و خوا کولو کی زیا تی آسا نتیا وی بوره کولو کی زیا تی آسا نتیا وی

# گلستان

## مای ارگ رئیس

ترجمه ح، ل

منعکس ساختند ، این نیرو بدمست آمد که  
قان یک خانواده را بخته کند . این دستگاه  
ساده و کوچک رادر همکار بیرون اما عالی  
هاند امتحان کردند . و نتیجه مطلوب داد .  
این زن هندي با بدمست آوردن چنین یک  
ساختمان ساده از نیروی آفتاب استفاده کرده  
و غذای خودرا بخته است .

این دستگاه کوچک ، نتیجه بزرگ داده این  
معنی که اول نیروی آفتاب یک منبع نیرو  
نمایند یاروه به نام شدن هاند ، روی گنجینه  
دیگر خودرا میکشند و انسان را بیچاره نمی  
هاند . برای جبران کم شدن یا نیست شدن  
مواد نیرویی ، افزایش نفت و گاز که فعلاً خطر  
متوجه این دو میباشد به اسعاً آفتاب را  
آورند . و این جسمه رختان سخاوت خود را  
در اوایل احساس روبه تقلیل هاند نتیجه  
ترجیح زیرزمینی ، علم را فراگرفته بسود  
آنده اندک تسکین یافت که طبیعت باز هم  
نیرو استفاده نمود .

دستگاه های ساده راکه اختصار کردند و  
اورا در ساختن نتیجه جدید نیرو ، کمک  
میرسانند .

## حرارت آفتاب پنجای خوب و زغال

کشور هایی که خط اعنی ، خط هوابی ، خط  
دریایی ، و صنایع خفیف و نقیله دارند بجان  
نیروی طبیعی وغیر طبیعی چنان هجوم برده اند  
که از بس هصرف زیاد ، اکتوون این واهه  
جذب ترسیده میروند که روزی هنای زیر زمین  
هیل نفت ، گاز ، زغال سنگ و منابع روی زمین  
هیل خوب ، زغال برق آبی وغیره ، هصرف  
نکند و دیگر همه جرخها معمل کردیده و عزاد  
پسر ، این موجود مصرف و مبدز را کفا بست  
تبل خال ، دیزل ، چوب ، زغال ، چوب ، زغال سنگ  
یا برق هصرف نمایند و توان خسیدن آن را  
دانسته باشند .

ازین لحاظ علمای که خوف کم شدن یامحو  
شدن نیرو ، در روی زمین آنها را فرا کردن ،  
این گردانده بزرگ چرخ زندگی انسان ، یک

## ۵۵۴ چیز در باره الماس

الماس ماجراجویی های بزرگ را سبب شده  
و در ساختن افسانه های عائقه سوزه دل  
نشیتی بوده است .

برای اولین بار بودکه طرح الماس وزین  
دادن آن بوسیله یک گوهرشناس بلژیکی بنام  
(لوردیک وان بریکن) در سال ۱۴۷۵ عنوان شد .  
او با تراش این سنگ قیمتی آنرا به صورت  
گوهر چشمگیر و جالب طرح کرد . از آن پس  
مدشدن تراش های زیبای الماس باعث شد  
گروهی آنرا (کرستال جادوی) بنامند ، از  
جانبی در طول این عصر کار شناسان توانسته  
بودند طرح ساخت کریستال را ببریزند ، و از  
کریستال طرح های جالبی بسازند ، الماس

سنگ عشق و زناشویی است ، انکشتو و حلقة  
ازدواج عده زنان جهان رانگین های کوچک  
و بزرگ الماس زینت داده است .  
دختران جوان و عم خانم ها از دریافت وهدیه  
الماس و مردها از پیشکش آن لذت می برند .  
اینکه چرا مردها از هدید کردن الماس لذت

به عنوان مثال میتوان از الماس کوه نور  
می برند معلوم است این سنگ نشانه موقوفیت



این دستگاه ساده از انکاسن ح رارت آفتاب میتواند دیگر غذای یک خانواده را بخته کند

ناشام وقت خودرا از دست میدهند و حتی برای کارهای دیگر زندگی ساده شان وقت پیدا نمی نمایند . حتی مکتب خواندن آنهم اگر میسر باشد . نوبت گیری و قطارشدن از صبح وقت آغاز میگردد . اما قلت آب وساعت های محدود جریان آن سبب میشود که نو بست مراعات نگردد . و در اخیر هم عده از ایشان آب گرفته نمی تواند و باید فردا ، باز هم روز خود را برای بدمت آوردن یک سطل آب نوشیدنی بانظار می گذاردند .

قابل شده و جودش را گرامی و عزیز می داند .

او در جامعه پویا و متحو ل زندگی دارد همانطور یکه شرایط زندگی هر روز در تغییر و تحول است این چنین زنان نیز تابع سیاست زمان بوده میگوشند تاخودرا مطابق شرایط زمان آماده پذیرش صفات و مشخصات انسانی سازند پایه پا پیش رفتن بازمان پیروزی های بسی بزرگی را به آن هایه از مغان می آورد این چنین زنان رنگ ولذت هستی را می چشند و باتمام وجود خود آنرا لمس می کنند شکی نیست که این رنگ ولذت آمیخته با درخشندگی و ارتقاء پیشرفت است .

چه بهتر که شما نیز در صفحه چنین زنان نیکو کارونیکو اندیشه قرار گیرید و یکدل و یکدست ، مهر بان و صمیمی به خانه و خانواده و عاشق غفت و پاکدامن باشید

صنعتی چنان افتاده که با قیمت نازل و ارزان خریداری مینمایند و با اندک اعمال صنعتی و جرخانیدن دستگاههای ماشین خود باز دیگر همان جنس را با قیمت صد برابر برای بازار های انحصاری خوش عرضه مینمایند و باری گر منافع بیشمار بدمت میارند .

واما برای خود این مردم ۰۰۰ آب دستگیری نمیکند . آب آشامیدنی که بدون آن زندگی میسر نیست . در بسا نقاط بسیاری ازین ممالک اطفال وزنان از سبب نوبت گرفتن آب از صبح

## نقش حساس ...

بیزاری و دوری از تجمل گرایی و تلاش در راه ایجاد و فضای صمیمی و کانون گرم خانوادگی را محترم می داند و میگوشد بیدریغ محبتیش را تشارک همه سازد و پروانه وارعلاقو اش را به همه دوستان و اطراف فیلان پیشند و در ایجاد فضای دوستی و علاقمندی سخت کوشان و سایعی باشد .

در اثر این ایثار و از خود گذزی اوست که همه اورادوست میداند و در راه آسایش و آرامی او از جان و دل میگوشند شوهر اورا به حیث مددگار زندگی و همسر خواستنی و دوستدارشتنی میداند اطفال به او عشق سر شار داشته واو امرشان را به جان و دل می پذیرند . اطرافیان نیز به او احترام عمیق

تلذن در زمینه عشق و کار است و هر مردی میگواهد در کار و عشق هردو دوق بانشد و حتی تراش الماس مبارت بیشتری نسبت به مردها دارند و در فستیوال سال ۱۹۷۷ در اروپا از مرد ها پیشی گرفتند و این بخاطر ذوق میگذارند است که جالت تبلور و گرسنگی و نظرافت خانم هاست .

در صنعت از سنگ الماس بخاطر سختی آن استفاده عزیزی دارد میشود بناه صادر صنعتی الماس زیاد شده می رود . برای این کار الماس را در شکل طبیعی اش مورد استفاده قرار میدهند باید گفت این نوع الماس ارزش زیادی ندارد . و آبی بیدا میشود . ولی برآرزوی ترین آن نوع بسیاره هایل به آبی آن است . این رنگها به الماس رنگ فانتزی میدهد . برای درخشش درجه بشتر الماس ، آنرا از سنگ الماس استفاده می آورند . اما همسازان و جواهر فروشان الماس را ساخته اند و این رنگ را در این روش بیشتری داشته باشد بپر حال الماس به اشکال هندسی ، فانتزی ، شاعرانه کلاسیک دهی کاربن و تبلور آن الماس مخصوصی می سازند .

۲ ترجمه : غلام حضرت کوشان

## انتظار برای آب



عنه برای گرفتن نوبت در اطراف نل آب استاده اند .

التفاح آمیز به دستمنان داده اند باید در سنگر قلم و ببلیغ نیز خدمت اقلاب را بده شکست عای قطعی موافق سازند آنها باید به مردم ما و همه چهانیان اعمال برادرانه و بی غرفزاده اتحاد شوروی را توضیح دارند و هم باید پرده از اعمال جنا یتکارانه و سفاگانه امیر یا لیزم ، صهبو نیزم ، شو نیزم هستند و یکدیگر مخالف وابسته به آنان برادراند و آنها را و اعمال شانرا در معرض فساد و افسوس را عالمه جهان قرار دهند . از یعنیست که به صراحت می گوییم که درین مرحله حساس تاریخ تشور نقص خدمتگذاران رسانه های جمعی منجمله زور تا لیستان حساس و مهم است .

به پیش در راه شکست قطعی امیر بالیزم و ارتعاج در سنگر نبرد و سنگر قلم .

## در سنگر قلم ...

امیر یا لیستی و ارتعاجی همک یمفع و بر تمر اتحاد شوروی به مردم و کشور ما رسیده می خواستند که از راه یک کودنای سیاه با تبانی امین و نمایند کان دست پروردۀ دیگر سود یکبار دیگر نظام فر توت و تاریخ زده بیودالی و سلطنتی را در کشور ما مستعر سازند ولی کمک نظامی محدود اتحاد شوروی و کمک های انتصاراتی آن کشور مانع این بر بادی وطن و مردم ناشد ، امیر بالیزم د ارتعاج برای اینکه از افغانستان افغانی و مردم سر بلند آن انتقام بکشد دست به این کار می زد ولی تبع بران کمک های اتحاد شوروی آن دست انتقام چو را از باز و کلع کرد ، لذا امیر یا لیزم و ارتعاج باز هم برای اینکه دست نشاند کان خود را در کشور به قدرت برساند با پرورش و آموزش دسته های خرابکار و آدم کش و ویرانگر و مسلح ساختن آنان و مسیل نمودن آنان بخال ما دست به کار شد که مقاومت و دلیری تاریخی مردم ما چواب های دندان شکن به آن داد ولی امیر بالیزم و ارتعاج دد یک جبهه دیگر نیز سر سختانه و ناشیانه می جنگد و آن جبهه تبلیغات و دروغ برگنی های بی اساس است .

اینک درینجا سرت که و ظایف نور نا لیستان و سایر کار کنان این رشته خطیر تر می شود ، نور نا لیستان ما همان طوریکه در جبهه گرم نبرد شکست های

باين عکس نگاه گنید . اگر چه عکاس روز ! وبقیت روز های هفته این نفووس بیچاره او سسه صحنی جهان آنرا دریکی از نقاط بیرون از همین مقدار هم مایوس میباشد . بنک از کشور های امریکای جنوبی گرفته ، انتظار و نوبت گیری برای یک پیپ آب اما وضع در بسیاری از ممالک آسیا ، افریقا نوینیدنی هفته سه روز ساعت با وقت این مردم را امریکای لاتین عین چیز میباشد . اکثریت نفوس معا لک عقب زگاهداشت شده بینهایند با سر و کله افکار دست خالی بخانه بیهان از اولین احتیاجات زندگی بسیار هم بیرونند .

منابع غنی طبیعی این مردم و امثال بسی شهار شان در سراسر ممالک عقب مانده از اعزاز نفر زندگی دارند روزانه فقط سه ساعت طرف طرف ممالک صنعتی و پیشرفتی با نهضتی ایل نل باریک مقدار متفاوت آب نوشیدنی کشیده شده که با قیمت کم می رباشد و صرف باری میشود که برای بدمت آوردن مقداری تامین زندگی بر تجمل و عیش و نوش خود میگذند از آن زن مرد و پسر و جوان ملکی و عسکری محصولات زراعی این ممالک عقب مانده آسیا و کارگر و دهقان باریک و سطل های غیر صحی وارد چنین انتظار میگشتند . آنهم فقط هفته سه

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی

معاون : محمد زمان نیکرای

آخر چاپ : علی محمد عثمانزاده

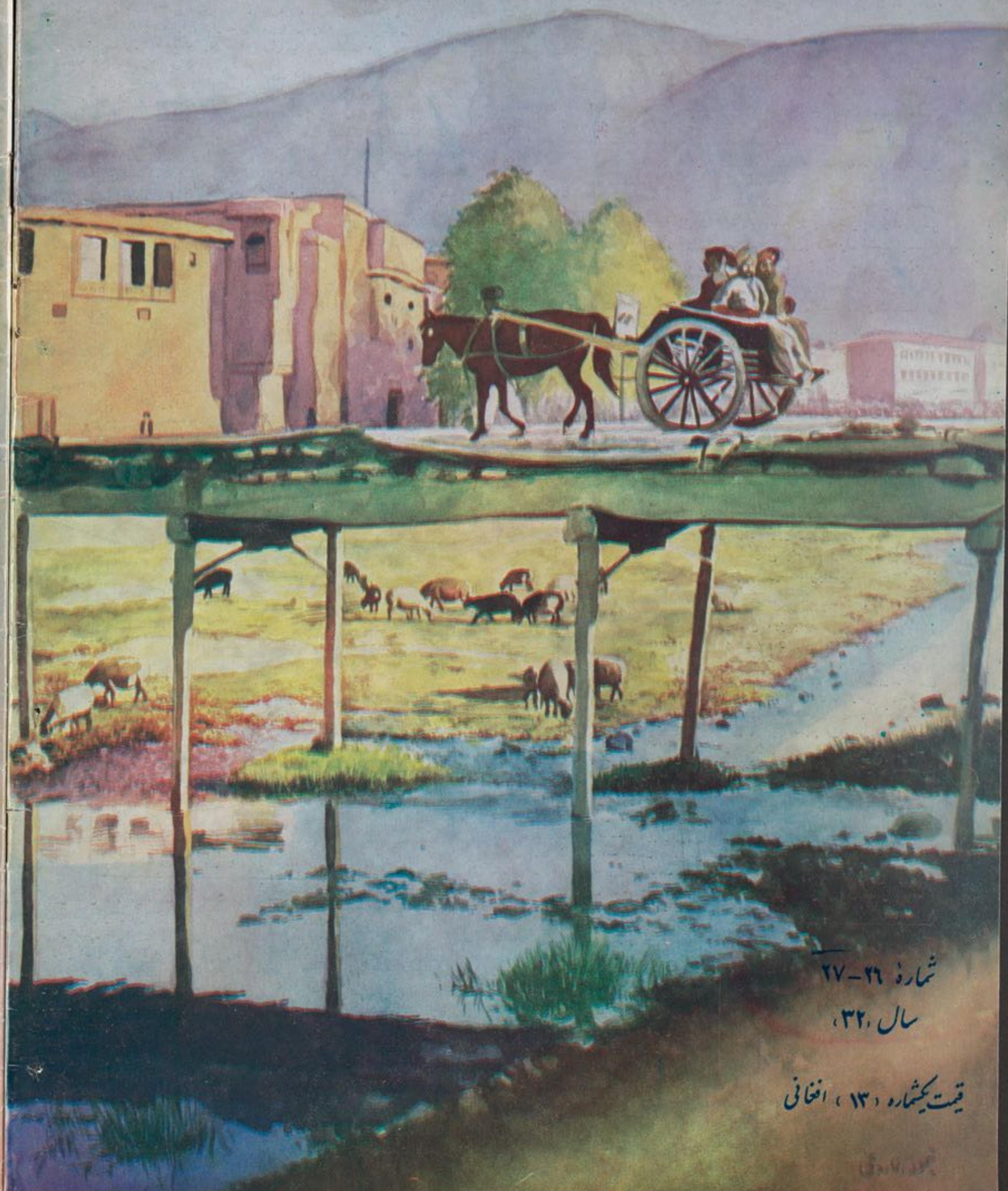
آدرس : انصاری وات - جوار

ریاست مطابع دولتی

تلفون مدیر مسوول : ۶۸۴۹

تلفون توزیع و شکایات : ۶۸۵۹

## طبعه دو لتی



شماره ۲۶-۲۷  
سال ۳۲،

قیمت یک شماره ۱۳، افغانی

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**